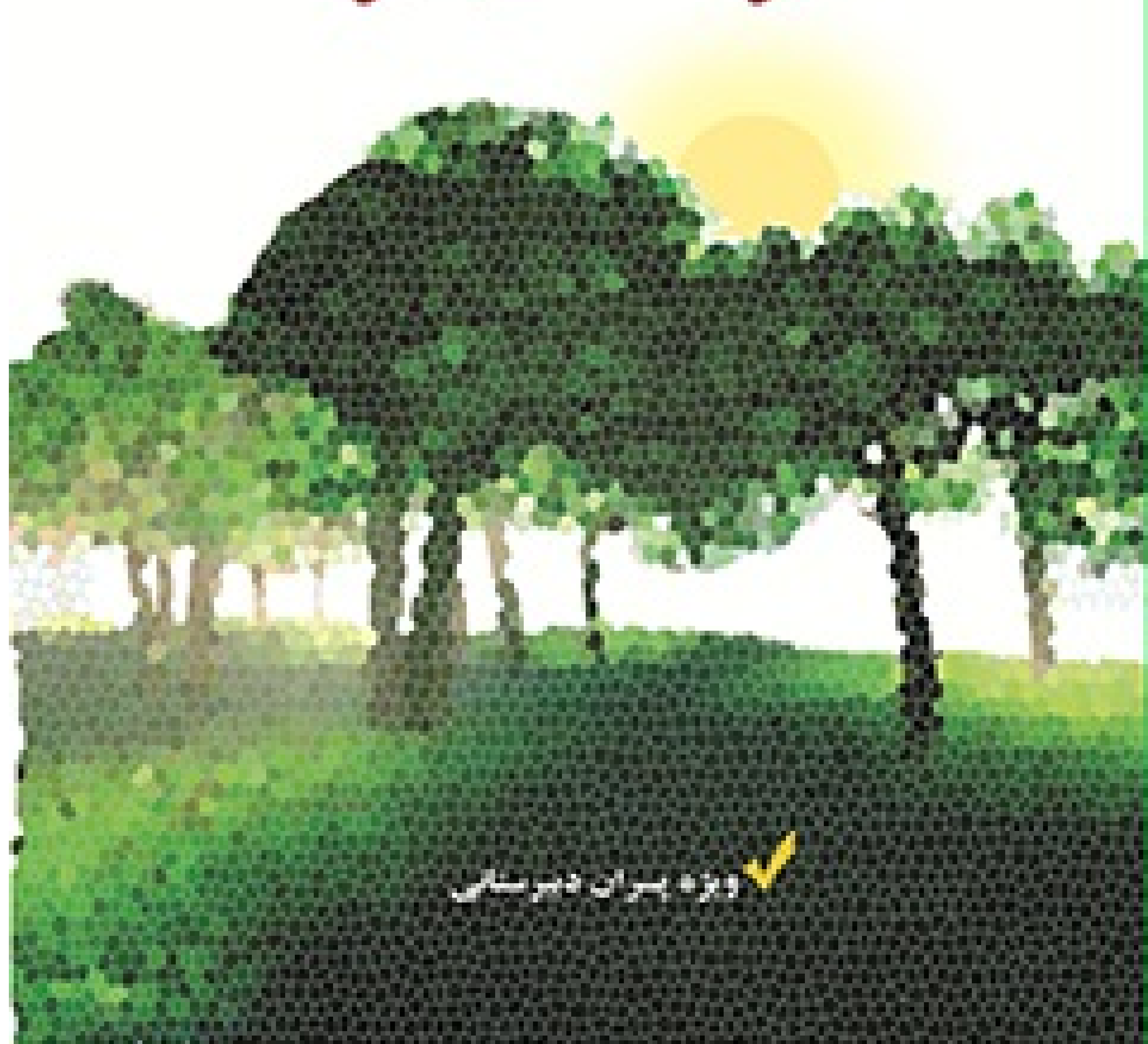
احکام راه سبز



بسم الله الرحمن الرحیم

راه سبز: احکام ویژه پسران دوره دبیرستان

نویسنده:

واحد پاسخگویی به سوالات نماز

ناشر چاپی:

ستاد اقامه نماز

ناشر دیجیتالی:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

راه سبز: احکام ویژه پسران دوره دبیرستان

مشخصات کتاب

عنوان و نام پدیدآور : راه سبز: احکام ویژه پسران دوره دبیرستان/ تهیه و تنظیم [ستاد اقامه نماز] وزارت آموزش و پرورش

مشخصات نشر : تهران: ستاد اقامه نماز و احیای زکات، ۱۳۸۱.

مشخصات ظاهری : ۱۹۱ ص.؛ ۵/۹ X۲۰س.م.

شابک : ۲۵۰۰ریال: ۹۶۴-۷۳۰۹-۳۶-۸ ؛ ۶۵۰۰ ریال (چاپ هشتم)

یادداشت : چاپ هشتم: ۱۳۸۵

یادداشت : عنوان دیگر: راه سبز (احکام ویژه پسران) مقطع متوسطه

یادداشت : عنوان روی جلد: احکام راه سبز مقطع متوسطه ویژه پسران.

یادداشت : کتابنامه به صورت زیرنویس

عنوان روی جلد : احکام راه سبز مقطع متوسطه ویژه پسران.

عنوان دیگر : احکام ویژه پسران دوره دبیرستان

عنوان دیگر : راه سبز (احکام ویژه پسران) مقطع متوسطه

موضوع : فقه جعفری -- رساله عملیه

موضوع : Islamic Law, Jafari -- Handbook, manual, etc.*

موضوع : پسران-- وضع حقوقی و قوانین (فقه)

شناسه افزوده : ایران. وزارت آموزش و پرورش. ستاد اقامه نماز

شناسه افزوده : ستاد اقامه نماز و احیای زکات

رده بندی کنگره : BP۱۸۳/۹/ر۱۷۳ ۱۳۸۱

رده بندی دیویی : ۲۹۷/۳۴۲۲

شماره کتابشناسی ملی : م ۸۳-۶۱۶۲

ص: ۱

اشاره

طلیعه

دنیای جوان را هیچ کس جز جوان نمی داند، دنیایی است سبز در سبز و پر نشاط، همه چیز در نهایت لطافت وزیبایی در آن یافت می شود:

شور و حرارت، عشق و امید، تلاش و پشتکار، تفکّر، تحقیق، تصمیم، همّت، بالندگی، تعاون و همکاری، دوستی، همدلی و همراهی.

جوان در این دنیای باطراوت، زیر شاخه های پر از شکوفه های امید می نشیند و به چشمه سار هستی می نگرد، چشمه ساری که تا بی نهایت امتداد یافته و همه جا را سرسبز کرده است.

راستی سرچشمه این هستی کجاست؟ و به کجا خواهد انجامید و...

جوان پس از تفکّر و تحقیق به سرچشمه هستی، به خداوند متعال ایمان می آورد.

رسالت پیامبران و امامان معصوم را باور می کند.

روز قیامت را روز جدا شدن حقّ از باطل، و خوبان از بدان می شناسد.

و قرآن را آخرین کتاب آسمانی و سروش غیبی می داند که بر آخرین پیامبر خدا، حضرت محمد صلی الله علیه و آله وسلم نازل شده است.

ص: ۱۳

جوان در سایه اعتقادات پاک خود به خدا و پاداش های اُخروی علاقه مند می شودو به جستجوی اُسوه و شخصیّت کاملی برمی آید که او را به این هدف مقدّس برساند.

خداوند به این نیاز جوان پاسخ می گوید:

«قطعا برای شما در اقتدا به رسول خدا سرمشقی نیکوست: برای آن کس که به خدا و روز قیامت امید دارد و خدا را فراوان یاد می کند.»(۱)

وقتی جوان، پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم را به عنوان اُسوه و مقتدای خود برگزید، خداوند او را موظّف می کند که برنامه ها و بایدها و نبایدهای زندگی را از او فرا گیرد و به آن ها عمل کند:

«آن چه را فرستاده او به شما داد، آن را بگیرید و از آن چه شما را باز داشت باز ایستید.»(۲)

این جاست که جوان سلیقه خود و دیگران را آگاهانه کنار می گذارد و درمی یابد که دستور پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم را باید سرلوحه زندگی خود قرار دهد.

پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم نیز عترت خویش را پس از خود به عنوان اُسوه و مقتدا معرّفی می کند و عترت نیز در زمان غیبتِ امام زمان علیه السلام این رسالت را به دوش فقیهان و مراجع تقلید می گذارد.

مرجع تقلید، رسالت بیان احکام و بایدها و نبایدهای زندگی را به عهده می گیرد، جوان با عشق و شعور به احکامی که توسّط مرجع تقلید خود بیان شده است حُرمت می نهد و به آن ها عمل می کند تا به سعادت ابدی راه یابد.

کتابی که پیش رو دارید، بر آن است که شما جوانان عزیز را با بخشی از احکام دینی تان آشنا سازد.

به خاطر بسپارید که احکام این کتاب بر اساس فتاوای بنیانگذار

۱- ۱. سوره احزاب، آیه ۲۱.

۲- ۲. سوره حشر، آیه ۷.

جمهوری اسلامی ایران حضرت امام خمینی قدس سره تنظیم شده و در پاره ای از موارد به فتاوای مقام معظّم رهبری (دام ظلّه) اشاره شده است.

شما می توانید رساله مرجع تقلید خود را تهیّه و با راهنمایی مربّی، دبیر دینی و یا امام جماعت حکم مسائلی را که در این کتاب آمده است مطالعه کنید و چنانچه در مسأله ای فتوای مرجع تقلید شما با آن چه که در کتاب آمده است فرق داشت بر اساس همان فتوای مرجع تقلید خود عمل نمایید.

این مطلب را نیز فراموش نکنید که ما از پیشنهادهای شما عزیزان استقبال می کنیم.

سخنی با مربّیان، دبیران دینی و ائمّه جماعات مدارس

این کتاب می کوشد جوانان عزیز را با بخشی از احکام دینی شان آشنا کند و به پاره ای از مشکل های آنان پاسخ گوید امّا به تنهایی نمی تواند رسالت خود را به انجام رساند و به یاری شما بزرگواران سخت نیازمند است. شما می توانید در بخش های زیر ما را یاری نمایید:

۱- بخش تهیّه و تنظیم مطالب کتاب: شما که از نزدیک با جوانان ارتباط دارید و به خوبی نیازها و مشکل های آنان را لمس می کنید می توانید مشکل های و نیازهایی را که کتاب احکام می تواند پاسخگوی آن ها باشد و در کتاب نیامده است برای ما بازگو نمایید.

۲- بخش طرح و برنامه ریزی: آشنا سازی نسل جوان با احکام دینی در قالب های نوین و طرح های جذّاب و کارآمد رسالت سنگینی است که بدون همفکری ناتمام می ماند، شما می توانید با ارائه طرح های همه جانبه و قابل اجرا مارا در راه بالندگی این طرح یاری رسانید.

۳- بخش اجرا و پیاده سازی: تهیّه کتاب و در دسترس جوانان قرار دادن

قدم های اوّلیه این کار بزرگ است، قسمت عمده آن به بخش اجرا و پیاده کردن این طرح بستگی دارد که همّت و پشتکار شما بزرگواران را می طلبد. در این بخش به دو گونه همکاری شما نیازمندیم:

الف: مطالب این کتاب به صورت گزینشی و توضیحی و با حفظ محتوا بر اساس فتاوای حضرت امام خمینی قدس سره تنظیم و در پاره ای از موارد به فتاوای مقام معظّم رهبری «دام ظلّه» اشاره شده است. و منابع عمده مطالب در پاورقی ها آمده است شما می توانید جوانان را در تطبیق مطالب کتاب با فتاوای مرجع تقلیدشان یاری رسانید.

ب: اطّلاع از میزان بازدهی و کارآیی این طرح و تأثیر این مطالب در جوانان برای ادامه کار، نقش اساسی و کلیدی دارد.

اطّلاع رسانی شما در این زمینه نیز برای ما کارساز و ارزشمند است. همکاری و همفکری شما را صمیمانه سپاس می گوییم.

ستاد اقامه نماز

وزارت آموزش و پرورش

ص: ۱۶

۱ ریشه های احکام

اشاره

جز خـدا را بندگی حیف است حیف بی غم او زندگی حیف است حیف(۱) هر جا می رویم در سایه سار آن درختیم، شاخ و برگ های درهم تنیده، میوه های انبوه، شاداب و در دسترس، تنه تناور، و ریشه های مستحکم.

این درخت «دین»، ریشه های مستحکمش «عقاید»، تنه تناورش «اخلاق» و شاخ و برگ هایش «احکام» است.

ریشه احکام، «عقایدِ پاک» است. و اگر بگوییم همه چیز از ریشه هاست گزاف نگفته ایم.

دستیابی به دین

ص: ۱۷

۱- ۱. دیوان فیض کاشانی، ص ۲۲۶.

درخت دین از آسمان روییده، از چشمه سار وحی سیراب گشته، فرشتگان همواره بر گِرد آن در رفت و آمدند همه اش قداست و پاکی است و معصومان پاک آن را به ما نشان داده اند.اگر در عصر آن پاکان می زیستیم دین را از آن ها فرا می گرفتیم ولی صد حیف که: «دست ما کوتاه و خرما بر نخیل»؛ امام عصر علیه السلام در پسِ پرده غیبت هستند، چه کنیم؟

راه چاره

آسمان را دیده اید، اگر ستاره و یا کهکشانی از دید ما فراتر باشد چه می کنیم؟

سراغ دوربین نجومی می رویم.

اگر امروز بر زمین مانده ایم و معصومان حضور ندارند که ما را تا آسمان بالا برند و درخت دین را به ما بشناسانند، هم آنان به ما گفته اند دوربین را بردارید و ببینید!

کدام را می گویید؟

این را، همین که دو چشم قویّ دارد، اگر از یک چشم آن استفاده کنید دین را به شما نشان نمی دهد، هر دو چشم.

دو چشم دین شناسی

اگر دیگران خواستند دوربین قلابی به شما ارائه کنند از آن ها نپذیرید، نشانه هایش این هاست:

دو چشم دارد: یکی «عقل»؛ دیگری «نقل».

عقل؛ همان عقل پاک و پیراسته از اوهام و خرافات است، همان «عقل فطری» که در نهان و نهاد همه است.

و نقل؛ آن چه از سوی خداونـد بر پیامبر صـلی الله علیه و آله وسـلم وحی شـده و در قرآن آمـده است و آن چه از سوی انسان هـای پاک و دور از خطا و اشـتباه یعنی پیامبر صـلی الله علیه و آله وسـلم و امامان علیهم السـلام به عنوان دسـتور زنـدگی به ما رسیده است.

دین شناس

راه دین شناسـی برای همه کس بـاز است، ولی اسـتعداد قـوی می خواهـد و علاـقه ای وافر و سـپس تصـمیم و تلاـش، چرا که استفاده کردن از دوربین عقل و نقل علم می خواهد، تخصّص می خواهد، هنر تشخیص می خواهد. باید بداند:

۱. حکم این مطالب را از کجا بدست می آوریم؟

۲. آیات قرآنی در این باره چه می گویند؟

۳. احادیث معصومین علیهم السلام در این زمینه چه می گویند؟

۴. رفتار، گفتار و تأیید معصوم علیه السلام در مورد این مطلب چیست؟

۵. عقل فطری این جا چه حکمی دارد؟

آن گاه از مجموعه «عقل» و «نقل» حکم خـدا را بـدست آورد. متخصّـِص و کارشـناس مسایل دینی را «دین شـناس» و «اسـلام شناس» می گویند و به آن کس که در زمینه احکام، تخصّص دارد به گونه ای که دیگران موظّفند از او «تقلید» و پیروی کنند، «مرجع تقلید» می گویند.

گستره احکام

هر چیز که به رشـد و تکامـل معنوی انسان مرتبط باشـد در قلمرو دین است و هرگز دین درباره آن ها ساکت ننشسـته است، و هر جـا سـخن از تکلیف و وظیفه است در قلمرو احکـام است،ماننـد: عبـادات، معاملاـت، مسایل فردی، خانوادگی، اجتماعی، سیاسی، حقوقی، فرهنگی و مسایل

حکومتی و کشور داری.

بزرگداشت احکام الهی

مواظب باشیم احکام الهی را از اوج خود پائین نیاوریم. احکام الهی تأمین کننده دنیا و آخرت و مُقّرِب انسان به خدای بزرگ اند. کوچک شمردن احکام به یکی از این راه هاست:

۱. احکام را منحصر در احکام فردی بدانیم.

۲. احکام را فقط در محدوده اجتماع لازم بدانیم.

۳. احکام را تنها تأمین کننده مسایل دنیوی بدانیم.

۴. احکام را از سیاست و حکومت جدا بدانیم.

۵. احکام را تنها تأمین کننده آخرت بدانیم.

ص: ۲۰

۲ پایه های فهمِ احکام

اشاره

فَلَوْ لا نَفَرَ مِنْ کُلِّ فِرْقَهٍ مِنْهُمْ طائِفَهٌ لِیَتَفَقَّهُوافِی الدّینِ(۱).

پس چرا از هر فرقه ای از آنان، دسته ای کوچ نمی کنند تا در دین آگاهی پیدا کنند؟

فقیه برای بـدست آوردن احکـام به دانش های بسـیاری نیاز دارد که می توانیم آن ها را پایه های فهم احکام بنامیم و برخی از آن ها عبارتند از:

۱. ادبیّات عرب (شامل: صرف، نحو، معانی، بیان، بدیع و لغت).

۲. منطق.

۳. اُنس و آشنایی با قرآن و احادیث معصومین علیهم السلام .

۴. آشنایی با علم رجال برای تشخیص راویان حدیث.

۵. اصول فقه (شناخت راه استخراج احکام دین از قرآن و سنّت).

فقیه برای دستیابی به حکم الهی همه توان خود را به کار می گیرد. او با توان و

۱- ۱. سوره توبه، آیه ۱۲۲.

استعدادی که در راه استنباط احکام دارد، از مجموعه بررسی های خود از قرآن، سنّت و عقل حکم الهی را کشف و در قالب «فتوا» به اطّلاع ما می رساند.

تقلید و مرجع تقلید

کسانی که توان استنباط احکام را ندارند و یا در راه تحصیل این رشته از علوم اسلامی هستند ولی هنوز به حدّ اجتهاد نرسیده اند موظّفند از فقیه جامعُ الشّرائط که به او «مرجع تقلید» می گویند تقلید کنند.

در اسلام «تخصّص» منهای «تعهّد» جایگاهی ندارد؛ ولی از آنجا که امر دین از همه امور مهمّ تر است در این عرصه، حدّ اعلای تخصّص و تعهّد نیاز است ؛ فهم دقیق تر و تقوای شدیدتر.

ویژگی های مرجع تقلید

۱. دانا و دانشمند باشد.

۲. به مرحله «اجتهاد» رسیده باشد.

۳. بنا بر احتیاط واجب از همه متخصّصین، داناتر و ورزیده تر باشد (اعلَم باشد).

۴. به اوضاع زمان، آن اندازه که در تشخیص موضوعات احکام و اظهار نظر جدید فقهی دخالت دارد، آشنا باشد.

۵. عادل باشد؛ آن چنان که «گناه کبیره»(۱) انجام ندهد و از تکرار «گناه صغیره» بپرهیزد.

ویژگی های دیگر

۱- ۱. گناه کبیره، گناهی است که عذاب شدید و آتش جهنّم را در پی دارد.

اگر فقیهی شاخص های تخصّص و تعهّد در او جمع بود، با چهار شرط می توانیم از او تقلید کنیم:

۱. زنده باشد.

۲. مرد باشد.

۳. بالغ باشد.

۴. شیعه دوازده امامی باشد.(۱)

به خاطر بسپاریم که:

۱. از مرجع تقلیـدی که پدر و مادر و معلّم ما برگزیده اند نمی توانیم تقلید کنیم، چه بسا آن مرجع از دنیا رفته باشد. ما باید از کسی که زنده است تقلید کنیم.(۲)

۲. بانوان نیز می توانند به مرحله اعلای تعهّد و تخصّص در فهم احکام دین راه یابند نظیر بانوی اصفهانی(۳).

راه های شناخت مرجع تقلید

مرجع تقلید را از سه راه می شناسیم:

۱. خودمان یقین پیدا می کنیم مثلاً عالم دینی هستیم و قدرت شناسایی مرجع تقلید را داریم.

۲. دو تن از عالمان عادل که توان تشـخیص دارنـد او را به ما معرّفی می کننـد؛ این در صورتی است که دو یا چند تن دیگر از عالمان عادل بر خلاف آن دو نگویند.

۱- ۱. اجوبه الاستفتائات، جلد، ۱ سئوال ۱۵.

۲- ۲. توضیح المسائل، مسأله ۹.

۳- ۳. بانوی مجتهـده سیّده نصـرت امینی معروف به بانوی اصـفهانی در سال ۱۲۶۵ هجری شمسـی در اصـفهان متولد شد. او سراسر عمر پربرکتش را صرف تعلیم و تعلّم معارف اسلامی کرد و در رشته های فقه، حکمت، تفسیر قرآن، حدیث و اخلاق، تألیفاتی از خود به یادگار گذاشت. «تفسیر مخزن العرفان» یکی از آثار این بانوی مجتهده است.

۳. گروهی از عالمان دینی که از عهده تشخیص مرجع تقلید برمی آیند او را به ما معرّفی می کنند و به ما به گفته آنان اطمینان پیدا می کنیم.(۱)

زنگ خطر

برخی اهل هوی و هوس انـد، می پرسـند کدام مرجع، فتاوایش آسان تر است. ملاک گزینش در نزد آنان عقل و شـرع نیست. از آن ها می پرسـیم: اگر مرگ، شـما و یا فرزنـد شـما را تهدید کند سـراغ کدام پزشک را می گیرید، پزشک متخصّص تر و متعهّدتر، داناتر و دلسوزتر یا پزشکی که کمتر پول می گیرد و نسخه های آسان تر و ارزان تر می نویسد؟

پس عقل حکم می کنـد برای دستیابی به احکام الهی کسـی را انتخاب کنیم که از همه، متخصّص تر و متعهّدتر باشد در این صورت درصد دستیابی ما به احکام واقعی بیشتر می شود.

بیدار باش

جوانی است اهـل نماز، روزه و احکام دینی؛ ولی اطّلاعات او تنها از مـدرسه و منزل و مجالس دینی مـذهبی است. هنوز مرجع تقلیدی انتخاب نکرده است. اکنون که متوجّه شده است چه کند؟

در اوّلین فرصت از راه هایی که گفته شـد، مرجع تقلیـد خود را انتخاب می کنـد. آن گاه از طریق رساله یا اسـتفتاءات تکلیف خود را نسبت به کارهایی که در گذشته انجام داده، جویا می شود.

فراگیری مسایل دینی

۱- ۱. توضیح المسائل، مسأله ۳.

مسائلی را که انسان بیشتر اوقات به آن ها نیاز دارد واجب است فرا بگیرد.(۱)

امام صادق علیه السلام از پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم نقل می کند که فرمود:

«اُفٍّ لِکُلِّ مُسْلِمٍ لا یَجْعَلُ فی کُلِّ جُمُعَهٍ یَوْمَا یَتَفَقَّهُ فیهِ اَمْرَدینِهِ وَ یَسْأَلُ عَنْ دینِهِ.»

«تأسّف می خورم بر مسلمانی که در هفته (لااقلّ) یک روز را برای فهم مسایل دینی و پرسش از آن ها قرار نمی دهد.»(۲)

قِداست فتوا

وحی الهی مقدّس است چون از سوی خداست و در آن خطا و اشتباه راه ندارد و مرجع تقلید نیز که به فهم احکام دینی از وحی الهی موفّق می شود و بر اساس آن فتوا می دهد فتوای او مقدّس است چرا که تلاش کرده تا حکم الهی را بازگو کند.

گرچه مرجع تقلید، معصوم نیست و ممکن است در مواردی به فهم صحیح وحی نائل نیامده باشد ولی چون تنها راه مطمئنّ ما به وحی الهی، فتوای اوست و او نیز در کمال امانت و صداقت آن چه را فهمیده است بازگو می کند فتوای او محترم و مقدّس است و به حکم عقل باید از آن پیروی کنیم.

پیروی از مرجع تقلید که به آن «تقلید» گفته می شود، پیروی از کارشناس و متخصّص دینی است و کاری است عاقلانه و سنجیده و منطقی.

ما به مرجع تقلید عشق می ورزیم و به او احترام ویژه می گذاریم و

۱- ۱. توضیح المسائل، مسأله ۱۱.

۲- ۲. بحارالانوار، جلد ۱، حدیث ۴۲، ص ۱۷۶.

احکام دینی خود را از او فرا می گیریم.

ص: ۲۶

۳ قلب جامعه

اشاره

موضوع ولایت فقیه چیز تازه ای نیست که ما آورده باشیم بلکه این مسأله از اوّل مورد بحث بوده است.(۱)

جوان! بگو ببینم چه کردی؟

روز جمعه وارد بصره شدم و به مسجد آنجا رفتم، جماعت بسیاری را دیدم که بر گِرد او حلقه زده اند و از او سؤال می کردند. از آن ها راه خواستم، در آخر مجلس دو زانو نشستم.

– ای مرد دانشمند! مردی غریبم، اجازه دارم مسأله ای بپرسم؟

– آری. شما چشم دارید؟

پسر جانم! این چه سؤالی است، چیزی را که می بینی چگونه از من می پرسی!

سؤال های من این گونه است.

۱– ۱. ولایت فقیه، حضرت امام خمینی قدس سره ، ص ۱۴۹.

پسر جانم بپرس، اگر چه پرسش هایت نابخردانه است!

شما چشم دارید؟

آری.

با آن چه می کنید؟

با آن رنگ ها و اشخاص را می بینم.

بینی دارید؟

آری.

با آن چه می کنید؟

با آن می بویم.

دهان دارید؟

آری.

با آن چه می کنید؟

با آن مزه ها را می چشم.

گوش دارید؟

آری.

با آن چه می کنید؟

با آن صداها را می شنوم.

قلب(۱) دارید؟

آری.

با آن چه می کنید؟

با آن هر چه را بر اعضا و حواسّم درآید تشخیص می دهم.

مگر با وجود این اعضا از قلب بی نیاز نیستیم؟

خیر.

ص: ۲۸

۱- ۱. قلب، در این جا معنای وسیعی دارد که شامل عقل هم می شود.

چگونه؟ مگر اعضا، صحیح و سالم نیستند، پس چه نیازی به قلب دارید؟

پسر جانم! هرگاه اعضای بدن در چیزی که ببویند یا ببینند یا بچشند یا بشنوند تردید کنند آن را به قلب ارجاع دهند تا تردیدشان برطرف گردد و یقین حاصل کنند.

پس خدا قلب را برای رفع تردید اعضا قرار داده است؟

آری.

قلب لازم است وگرنه برای اعضا یقینی حاصل نخواهد شد؟

آری.

وقتی این اعتراف ها را از او شنیدم گفتم:

ای عَمْروبْنِ عُبَیدْ!

خداوند اعضای تو را بدون امامی که صحیح را تشخیص دهد و تردید را به یقین تبدیل کند وانگذاشته، چگونه این همه مخلوقات را در سرگردانی و تردید و اختلاف وا گذاشته است. و برای ایشان امامی که در تردید و سرگردانی خود به او رجوع کنند قرار نداده است؟

ساکت شد و جوابی نداد.

رو به من گفت:

تو هشام بن حَکَمی!!

آن گاه مرا در آغوش گرفت، به جای خود نشانید و تا من بودم سخن نگفت.

امام صادق علیه السلام از شنیدن این گزارش بسیار خوشحال شد و به من فرمود:

این ها را از کجا آموختی؟

گفتم: آن چه را از شما فرا گرفته بودم منظّم کردم و به او گفتم.

فرمود: «به خدا سوگند این سخنان در صُحُف مُوسی و ابراهیم هست».(۱)

ولایت فقیه

نقش امام را در جامعه شناختیم. سخن این جاست که آیا در عصر غیبت، اعضا و حواسّ جامعه بدون قلب رها شده اند؟

همه چیز داریم: قوّه مُقنّنه، قوّه قضائیه، قوّه مُجریه، قانون، مردم، علما، دانشمندان، سیاستمداران، ارگان ها، نهادها و... یعنی چشم داریم، گوش داریم، ذائقه داریم، شامّه داریم امّا قلب جامعه اسلامی کیست؟

در عصر غیبت که امام حضور ندارد باید به چه کسی رجوع کرد؟

امام زمان علیه السلام وظایف ما را در دوران غیبت چنین تعیین کردند:

وَ أَمَّا الْحَوادِثُ الْواقِعَهُ فَارْجَعُوا فیها اِلی رُواهِ اَحادیثِنا فَاِنَّهُمْ حُجَّتی عَلَیْکُمْ وَ اَ نَا حُجَّهُ اللّهِ(۱).

و در پیشامدها – و مسایل دینی – به راویان حدیث (فقیهان جامع الشّرایط) مراجعه کنید که آنان بر شما حجّت و راهنمایند و من حجّت خدایم.

اگر جامعه، قلب نداشته باشد، دین به اسارت می رود، امّا قلب جامعه کیست؟ امام زمان علیه السلام معرّفی کرد ولی مگر می شود یک بدن چندین قلب داشته باشد؟ اعضاء کارآمد بدن متعدّد است ولی قلب همیشه یکی است، ممکن است چندین عضو، بدن را در حرکت و پیمودن مسیر و ادامه زندگی کمک کنند ولی یک عضو است که فرمان می دهد، پس پیکره جامعه را یک نفر راهبری می کند و آن مجتهدی است که به عنوان رهبر انتخاب شده است که همان ولیّ فقیه است.

آری قلب تپنده جامعه اسلامی «ولیّ فقیه» است.

ص: ۳۰

۱- ۱. اصول کافی، جلد ۱، حدیث ۳، ص ۲۳۸.

نگاهبان دین از تحریف ها «ولیّ فقیه» است.

مهارکننده هوی و هوس های جامعه «ولیّ فقیه» است.

نجات دهنده دین از چنگال دشمنان «ولیّ فقیه» است.

و مرجع نهایی حلّ و فصل اختلاف ها «ولیّ فقیه» است.

دشمنان که امروز بیش از همیشه قلب جامعه اسلامی را نشانه گرفته اند با اساس دین و اسلام مخالفند، می خواهند دین را به اسارت ببرند. حضرت علی علیه السلام درباره زمانِ پیش از حکومت الهی خود می فرماید:

«(پیش از این) این دین، در دست نا اهلان اسیر بود، درباره آن به هوی و هوس عمل می کردند و با آن دنیا را می طلبیدند(۱).»

شرایط و صفات ولیّ فقیه (رهبر)

۱. صلاحیّت علمی لازم برای استنباط احکام در ابواب مختلفِ فقه (اجتهاد).

۲. عدالت و تقوای لازم برای رهبری امّت اسلامی.

۳. بینش صحیح سیاسی و اجتماعی، تدبیر، شجاعت، مدیریّت و قدرت کافی برای رهبری.

در صورت تعدّد واجدین شرایط فوق، شخصی که دارای بینش فقهی و سیاسی قوی تر باشد مقدّم است.(۲)

وظایف و اختیارات ولیّ فقیه (رهبر)

۱. تعیین سیاستهای کلّی نظام جمهوری اسلامی ایران، پس از مشورت با مجمع تشخیص مصلحت نظام.

۲. نظارت بر حُسن اجرای سیاستهای کلّی نظام.

۱- ۱. نهج البلاغه، نامه ۵۳، ص ۱۷۶.

۲- ۲. قانون اساسی، اصل ۵.

۳. فرمان همه پرسی.

۴. فرماندهی کلّ نیروهای مسلّح.

۵. اعلان جنگ و صلح و بسیج نیروها.

۶. نصب و عزل و قبول استعفاء:

الف: فقهای شورای نگهبان.

ب: عالیترین مقام قوّه قضائیّه.

ج: رئیس سازمان صدا و سیمای جمهوری اسلامی ایران.

د: رئیس ستاد مشترک.

ه: فرمانده کلّ سپاه پاسداران انقلاب اسلامی.

و: فرماندهان عالی نیروهای نظامی و انتظامی.

۷. حلّ اختلاف و تنظیم روابط قوای سه گانه.

۸ . حلّ معضلات نظام که از طریق عادی قابل حلّ نیست، از طریق مجمع تشخیص مصلحت نظام.

۹. امضاء حکم ریاست جمهوری پس از انتخاب مردم، صلاحیّت داوطلبان ریاست جمهوری از جهت دارا بودن شرایطی که در این قانون می آید باید قبل از انتخابات به تأیید شورای نگهبان و در دوره اوّل به تأیید رهبری برسد.

۱۰. عزل رئیس جمهور با در نظر گرفتن مصالح کشور پس از حکم دیوان عالی کشور به تخلّف وی از وظایف قانونی، یا رأی مجلس شورای اسلامی به عدم کفایت وی بر اساس اصل هشتاد و نهم.

۱۱. عفو یا تخفیف مجازات محکومین در حدود موازین اسلامی پس از پیشنهاد رئیس قوّه قضائیّه.

اطاعت از رهبری

ص: ۳۲

اگر حمایت مردم نباشد رهبر اسلامی قدرت اجتماعی برای حاکم ساختن قانون اسلام را ندارد.

حمـایت از رهبری ویژه مردان نیست، در طول تاریـخ بـانوانی قهرمـان از ولایت و رهبری ائمّه علیهم السـلام دفاع کردنـد و در دوران انقلاب حضور بانوان و حمایت آنان از مقام عُظمای ولایت فقیه چشمگیر بوده و هست.

امروز که روز حکومت قانون اسلام است باید بدانیم که حکومت قانون تنها با ولایت و نظارت ولیّ فقیه ممکن است.

ص: ۳۳

۴ دورانِ سبزِ بُلوغ

اشاره

یا اَیُّهَا النّاسُ قَدْ جاءَکُمْ بُرْهانٌ مِنْ رَبِّکُمْ وَ اَنْزَلْنا اِلَیْکُمْ نُورًا مُبینا(۱).

ای مردم، در حقیقت برای شما از جانب پروردگارتان برهانی آمده است و ما به سوی شما نوری تابناک فرو فرستاده ایم.

عجب دورانی بود، دوران لهو و لعب، بازی و سرگرمی!

آن روزها عقل و اندیشه را در خانه می گذاشتیم و با وهم و خیال می زیستیم؛ ولی آن دوران به سرعت گذشت. انقلاب شد، انقلاب سبز، دوران بلوغ آمد و همه چیز عوض شد.

عقل و اندیشه به میدان آمد و با وهم و خیال درگیر شد. اکنون دوران آرایه هاست. اندیشه می آراید یا وهم و خیال؟

وهم و خیال با سلاح «خشم» و «شهوت» و با پشتیبانی «شیطان» به میدان آمده است.

۱- ۱. سوره نساء، آیه ۱۷۴.

عقل و اندیشه، فرمانده ندارد، پشتیبان ندارد!

دست نیاز به بارگاه بی نیاز بلند می کند، از اوج آسمان فرمانده و پشتیبان می آید.

فرمانده، «دین» و پشتیبان، «فرشتگان».

من و تو که در دوران سبز بلوغیم می کوشیم در جبهه حقّ قرار گیریم و دین را سر لوحه خود قرار دهیم.

نشانه های بلوغ

شناسـنامه اش را نگاه می کند، ۱۵ سال از عمرش را سپری کرده، فکر می کنـد تازه بالغ شـده است، به او می گوییم مگر نمی دانی که سنّ بلوغ بر اسـاس سال قمری است و هر سال قمری ۱۰ روز و ۱۸ ساعت کمتر از سال شمسی است.(۱) بنابراین وقتی ۱۴ سال و ۶ ماه و ۱۸ روز از عمر شریف شما سپری شده تقریباً به سنّ بلوغ قدم گذاشته ای.

از این هم که بگذریم شاید زودتر از این بالغ شده باشی!

بلوغ فقط به سنّ و سال نیست، دو نشانه دیگر هم دارد که هر کـدام در تو پیـدا شـده باشد، از همان لحظه بالغ شده ای، آن دو نشانه کدامند؟ رساله مرجع تقلید خود را بردار و بخوان.(۲)

اگر بالغ شده ای خرسند باش که دیگر «مکلّف» هستی و باید بر اساس احکام الهی عمل کنی.

پنجره های اعمال

پنجره ها را باز کنم یا ببندم!

۱- ۱. آموزش احکام (ویژه دختران)، محمدحسین فلاح زاده، ص ۲۴.

۲- ۲. توضیح المسائل، مسأله ۲۲۵۲.

اولی را اگر باز نکنی جانت به خطر می افتد.

دومی را اگر باز کنی جانت در خطر است.

سومی را اگر باز کنی بهتر است، هوا را لطیف و معطّر می کند.

چهارمی را اگر ببندی بهتر است، وگرنه از لطافت هوا می کاهد.

پنجمی را باز کنی یا ببندی، فرقی ندارد.

باز کردن پنجره اعمال، انجام دادن آن و بستن پنجره، ترک کردن آن است.

اولی، «واجب» است مانند نماز، خُمس، و اطاعت از پدر و مادر.

دومی «حرام» است مانند نگاه آلوده، و آزردن پدر و مادر.

سومی، «مستحبّ» است مانند سلام کردن، و پوشیدن تمیزترین لباس در نماز.

چهارمی «مکروه» است مانند پوشیدن لباسی که نقش صورت دارد در نماز.

پنجمی، «مُباح» است مانند ورزش، استراحت کردن، و پیاده روی.(۱)

آشنایی با زبان احکام

هر علم و فنّی زبان مخصوصی دارد. زبان فلسفه با زبان شعر و هنر فرق دارد. زبان ریاضی با زبان عرفان متفاوت است. احکام نیز زبان مخصوص به خود را داراست. رساله را بر می داریم به واژه هایی بر می خوریم که معانی آن ها را نمی دانیم. با چند واژه آشنا می شویم.

۱. فتوا یا بیان حکم توسط مجتهد

حکم مسأله ذکر شده است مثلاً گفته شده است: واجب است، حرام است، جایز است، واژه های زیر نیز به معنای فتواست:

۱- ۱. الفتاوی الواضحه، جلد ۱، ص ۸۳.

اَظهر این است – اَقرب این است – اقوی این است – بعید نیست این واژه ها به معنای فتواست یعنی باید بر اساس آن عمل شود.

۲. احتیاط واجب

حکم مسأله ذکر نشده فقط گفته است (احتیاط این است که) و یا گفته است (احتیاط واجب این است که) مُقلّد موظّف است یکی از این دو کار را انجام دهد:

الف: بر اساس همین احتیاط عمل کند.

ب: اگر مجتهد دیگری که از نظر علمی نسبت به هم سطح ایشان یا ایشان پایین تر و از دیگران بالاتر است در این مسأله فتوا داده است، به فتوای او عمل کند.

مثال: اگر از روی معصیت یا به واسطه عذری، نماز مغرب یا عشا را تا نصف شب نخواند، بنابر احتیاط واجب، باید تا قبل از اذان صبح، بدون این که نیّت اداء یا قضا کند نماز را بجا آورد.(۱)

۳. احتیاط مستحب

حکم مسأله ذکر شده ولی در کنار آن گفته شده: (احتیاط آن است که) و یا گفته شده (احتیاط مستحبّ آن است که:)

در این جا بهتر است به احتیاط عمل کنیم و به ثواب بیشتری دست یابیم.

مثال: اگر مکلّف نداند بدن یا لباسش نجس است و بعد از نماز بفهمد نجس بوده، نماز او صحیح است ولی احتیاط آن است که اگر وقت دارد

۱– ۱. توضیح المسائل، مسأله ۷۳۹.

نماز را دوباره بخواند.(۱)

به طور خلاصه اگر:

الف: هم حکم بود و هم احتیاط، این احتیاط مستحب است.

ب: اگر از اوّل با لفظ «احتیاط» یا «احتیاط واجب» بیان شد و حکم، ذکر نشد این احتیاط واجب است.(۲)

دستیابی به احکام

مرجع تقلید خود را شناخته و برگزیده ایم. از این به بعد باید بر اساس فتاوای ایشان عمل کنیم. برای اطّلاع از فتاوای ایشان چند راه وجود دارد:

۱. از خود ایشان می شنویم.

۲. رساله معتبری را که با مُهر و اجازه ایشان چاپ شده، تهیّه و از آن استفاده می کنیم.

۳. از یک یا دو شخص عادل که فتوای ایشان را می دانند می پرسیم.

۴. از شخص راستگو و مورد اعتمادمان می پرسیم.(۳)

نگاهی به گذشته ها

بچه که بودیم می شنیدیم: «بچه، تکلیف ندارد، گناه ندارد» ولی حالا نمی توانیم باور کنیم که بچه ها آزاد و رها باشند؛ یعنی اگر به اموال مردم هم دست درازی کنند و یا خسارتی وارد کنند باز هم اشکالی نداشته باشد؟

حقّ با شماست. خداوند از حقوق مردم نمی گذرد، حتّی اگر کسی

۱- ۱. توضیح المسائل، مسأله ۸۰۲.

۲- ۲. توضیح المسائل، مسأله ۷ و ۸.

۳- ۳. توضیح المسائل، مسأله ۵.

شهید هم بشود در برابر حقوق مردم بازخواست می شود. همان که بارها شنیده ایم: «خدا از حقّ النّاس نمی گذرد».

پس اگر قبل از بلوغ، اموال مردم را از بین برده و یا به آن ها خسارتی وارد کرده ایم حالا که بالغ شده ایم نزد صاحبان آن ها می رویم و آن ها را راضی می کنیم و اگر صاحبان آن ها زنده نیستند نزد وارثان و بازماندگان آن ها می رویم.

و اگر صاحبان آن ها را نمی شناسیم خسارت و غرامت آن را به عنوان «ردّ مظالم» از طرف صاحبان آن ها به مجتهد می دهیم و یا خودمان با اجازه او به فقیر می دهیم.(۱)

البتّه حقّ النّاس فقط همین ها نیست «خمس» و «زکات» نیز حقّ النّاس است.

بنابراین اگر پیش از بلوغ سرمایه ای داشته ایم و از آن منافعی بدست آورده ایم اکنون که بالغ شده ایم بنابر احتیاط واجب باید خمس آن را بپردازیم.(۲)

۱- ۱. توضیح المسائل، مسأله ۲۵۴۸.

۲- ۲. توضیح المسائل، مسأله ۱۷۹۴.

۵ همیشه پاک

اشاره

اَلْحَمْدُلِلّهِ الَّذی جَعَلَ الْماءَ طَهُورا وَ لَمْ یَجْعَلْهُ نَجِسا.(۱)

حضرت علی علیه السلام می فرماید: ستایش خدای را که آب را پاک و پاک کننده آفرید، نه نجس (و آلوده کننده).

غیر از این هر گونه که بود زیبا نبود؛

اگر همه زشت بودند و یا همه زیبا؛

اگر همه استعدادها یکسان بودند؛

اگر همه مردم خوب بودند و یا همه بد؛

و اگر جهان آمیزه ای از گوناگون ها نبود، هیچ چیز معنا نداشت.

پاکی و ناپاکی نیز در کنار هم معنا می دهند.

زندگی زیباست چون بعضی چیزها ناپاک و نجس اند و بیشتر چیزها پاک.

۱- ۱. وسائل الشّیعه، جلد ۱، حدیث ۸، ص ۱۰۱.

پاک ها اگر با نجس ها ارتباط برقرار کننـد آلوده می شونـد، آلوده ها قابل تطهیر و پاک سازی هسـتند. از این ها که بگذریم اخلاـق پاک داریم و اخلاق ناپاک و آلوده، و همچنین عقایـد پاک و عقایـد ناپاک و آلوده، و از همه بالاتر جان های پاک و جان های ناپاک و آلوده.

کمال انسان در آن است که بکوشد آلوده نشود و اگر مبتلا به آلودگی شد، خود را پاک کند.

پاک ها و نَجس ها

پاک و نجس غیر از تمیز و کثیف است. ممکن است چیزی از نگاه ما تمیز باشد ولی در واقع نجس باشد و یا چیزی از نگاه ما کثیف باشد ولی در واقع پاک باشد.

نَجس ها

نجس ها عبارتند از:

۱. اِدرار و مدفوع انسان و حیوان های حرام گوشتی که خون جهنده دارند، یعنی اگر رگ آن ها را ببریم خون بیرون می جهد مانند: گربه، موش و روباه.

۲. مَنی، مردار و خون انسان و حیوان هایی که خون جهنده دارند مانند گوسفند و گربه.

۳. سگ و خوکی که در خشکی زندگی می کنند.

۴. شراب و هر مایع مست کننده دیگر.

۵. آبجو غیر طبّی.

۶. عرق شتر نجاست خوار.

۷. کافر(۱).

۱- ۱. توضیح المسائل، مسأله ۸۳، ۱۱۱ و ۱۱۵.

برخی نجاست های دیگر نیز هست که برای اطّلاع بیشتر می توانید به توضیح المسائل رجوع کنید.

نجاست مُسری

نجس ها گر چه اندکنـد ولی می تواننـد چیزهای پاک را نجس کنند. از طریق زیر نجاست به چیز پاک سـرایت می کند و آن را نجس می کند.

* پاک با نجس تماس برقرار کند.

* یکی از آن ها یا هر دو، مرطوب باشد.

* رطوبت یکی به دیگری سرایت کند.(۱)

بنابراین اگر نجاست، خشک باشد و چیزی که با آن تماس برقرار می کند آن هم خشک باشد، نجاست سرایت نمی کند.

احکام نجس ها

۱. خوردن و آشامیدن چیز نجس حرام است.(۲)

۲. با بدن یا لباس نجس نماز نخوانیم که اگر عمدی باشد باطل است.(۳)

۳. بر نجس تیمّم نکنیم که باطل است.(۴)

۴. بر نجس سجده نکنیم که باطل است.(۵)

پاک کننده ها

۱- ۱. توضیح المسائل، مسأله ۱۲۵.
۲- ۲. توضیح المسائل، مسأله ۱۴۱.
۳- ۳. توضیح المسائل، مسأله ۷۹۹.
۴- ۴. توضیح المسائل، مسأله ۶۹۲.
۵- ۵. توضیح المسائل، مسأله ۱۰۶۵.

اگر بعضـی چیزها نجس اند و اگر پاک ها در معرض آلودگی هسـتند و نجس می شوند، خداوند نیز راه هایی قرار داده اسـت که نجس ها نیز پاک شوند.

آب در رأس همه پاک کننده هاست و بیشتر چیزهای نجس را پاک می کند.

آب گاهی از آسـمان می بارد (آب باران)، گاهی از زمین می جوشد ولی جریان ندارد (آب چاه)، گاهی از زمین می جوشـد و در جوی و جویبار روان است (آب جاری)، گاهی هم مثلاً در برکه و یا حوضچه ای راکد و آرام نشسته است (آب راکد) و آب راکـد هم گـاهی کمـتر از انـدازه مخصـوص است (آب قلیـل) و گـاهی به انـدازه مخصوص و یـا بیشـتر از آن است (آب کُر).(۱)

آب کُر

اگر حوضچه ای داشته باشیم که ۳۸۵ لیتر آب را در خود جای داده باشد، مطمئن هستیم که این مقدار آب، کُر است؛(۲) البتّه حضرت امام خمینی قدس سره کمتر از این مقدار را نیز کُر می دانند یعنی ۳۷۷ لیتر آب.

آبی که از مقدار کُر کمتر باشد «آب قلیل» نامیده می شود.(۳)

آب لوله ها

آب لوله هـا که به منبع بزرگ آب متّصل است و آب هر لوله ای که به آب کُر متّصل باشـد، حکم آب کُر را دارد البتّه تا آن لحظه که آب از لوله می آید

۱- ۱. توضیح المسائل، مسأله ۱۵ و ۱۴۹.

۲- ۲. این مقدار، مقتضای احتیاط و جمع بین فتاوای مراجع تقلید است.

۳- ۳. توضیح المسائل، مساله ۱۶ و ۲۵.

و منبع آن، کمتر از کُر نشده است. ولی آب لوله های حمام که از شیرها و دوش ها می ریزد اگر متّصل به کُر باشد در حکم آب جاری است.(۱)

آب مُطلق و مُضاف

آب اگر خالص باشد و با چیزی مخلوط نشده باشد مطلق است و پاک کننده ولی آبی که با چیزی مخلوط شده مثل شربت، یا آبی که با گِل مخلوط شده به مقداری که به آن آب گفته نمی شود، و همچنین آبی که از چیزی بگیرند مثل آب میوه، مضاف است و پاک کننده نمی باشد.

احکام آب مطلق

به جز آب قلیل، همه انواع آب های مطلق تا زمانی که بو یا رنگ یا مزه نجاست به خود نگرفته باشند، پاک اند.(۲)

البتّه آب قلیل، به محض تماس با نجاست، نجس می شود و دیگر نمی تواند پاک کننده باشد.(۳)

تطهیر و پاکسازی

تطهیر و پاکسازی نجس، آداب خاصی دارد که می توان به آسانی آن را فرا گرفت.

قبل از تطهیر، عین نجاست را از چیز نجس برطرف می کنیم آن گاه آن را با آب به روشی که خواهیم گفت تطهیر می کنیم.

تطهیر ظروف

۱- ۱. توضیح المسائل، مسأله ۳۵.

۲- ۲. تحریرالوسیله، جلد ۱، مسأله ۴، ص ۱۳.

۳- ۳. توضیح المسائل، مسأله ۲۶.

با آب کُر، جاری و چاه: یک بار در آب فرو می بریم و بیرون می آوریم.

با آب لوله: (وصل به کُر یا جاری): آن را زیر شیر آب می گیریم تا آب به همه جای آن برسد و از ظرف جدا شود.

بـا آب قلیـل: آن را سه مرتبه پر از آب کرده خالی می کنیم و یا سه مرتبه مقـداری آب داخل آن می ریزیم و هر مرتبه آب را طوری داخل آن می گردانیم که به جاهای نجس برسد و بیرون می ریزیم.

البتّه ظرفی را که سـگ آن را لیسـیده و یـا از آن مـایعی نوشـیده است بایـد قبل از تطهیر با خاکِ پاک، خاکمالی کرد آن گاه بنابر احتیاط واجب دو مرتبه آب کشید.(۱)

تطهیر غیر ظروف

غیر ظروف مانند لباس و فرش را به روش زیر تطهیر می کنیم:

با آب کُر، جاری و چاه: یک مرتبه در آب فرو می بریم و بیرون می آوریم و اگر آب را به خود می گیرد و قابل فشردن است بنا بر احتیاط آب را داخل آن می رسانیم و آن را خارج می کنیم.

بـا آب لوله (وصل به کُر یا جاری): یک مرتبه زیر شـیر آب می گیریم و یا شـلنگ آب را روی آن می گیریم و اگر آب را به خود می گیرد و قابل فشردن است بنا بر احتیاط واجب آب را داخل آن می رسانیم و خارج می کنیم.

با آب قلیل: اگر با بول نجس شـده آن را دو مرتبه و اگر با چیز دیگر نجس شـده آن را یک مرتبه می شوئیم. و در هر صورت اگر آب را به خود می گیرد و قابل فشردن است باید بعد از هر بار شستن آن را بفشاریم تا

۱- ۱. توضیح المسائل، مسأله ۱۵۰، ۱۵۵، ۱۵۹، ۱۶۰ و ۱۶۲.

آب های داخلش بیرون بیاید و یا به گونه ای دیگر آب را بگیریم.(۱)

لباسشویی ها

ابتدا عین نجاست را از لباس ها برطرف می کنیم، آن گاه لباس ها را داخل لباسشویی می ریزیم.

اگر لباسشویی پس از جمع شدن مقداری آب در مخزن، آبش قطع می شود و شروع به شستن می کند باید دوبار آن را بشوید و هر دفعه آب آن خارج گردد و اگر آب لباسشویی قطع نمی شود یک بار شستن کافی است.(۲)

درباره لباسشویی های عمومی به این دو نکته توجه کنیم:

۱. اگر لباس را پاک تحویل داده ایم ولی شکّ داریم که نجس شده است یا نه، پاک است.

۲. اگر لباسمان نجس بوده و متصدّی شُستن که مسلمان است بگوید آن را تطهیر کرده ام، حکم لباس پاک را دارد.

خشک شویی ها

لباسی را که نجس است نباید داخل خشک شویی انداخت. باید ابتدا خودمان یا متصدّی خشک شویی آن را تطهیر کند و داخل دستگاه بیندازد. چون خشک شویی با موادّ شیمیایی مانند بنزین و سایر مواد پاک کننده، لباس ها را تمیز می کند و با آب و شستن سر و کار ندارد، بنابراین:

۱. اگر لباس پاک خود را تحویل خشک شویی دادیم و شکّ کردیم که آیا در دستگاه نجس شده است یا نه، آن لباس پاک است.

۱- ۱. توضیح المسائل، مسأله ۱۵۹، ۱۶۰، ۱۶۱، ۱۶۲.

۲- ۲. استفتائات، جلد ۱، ص ۱۱۹ و ۱۲۰، سؤال ۳۲۷ و ۳۲۸.

۲. اگر یقین پیدا کنیم که لباس ما با لباس های نجس مخلوط شده، لباس ما نجس است.

۳. اگر لباس ما نجس بوده و فراموش کرده ایم که به متصدّی خشک شویی تذکّر دهیم باید از او بپرسیم چنانچه آن را تطهیر نکرده باشد، نجس است.(۱)

تطهیر جامدات

اگر گندم، برنج، گوشت، صابون و چیزهای جامد دیگر نجس شوند:

۱. اگر فقط ظاهر آن ها نجس شده باشد، تطهیر آن ها همانند ظروف نجس انجام می پذیرد.

۲. اگر نجاست به درون آن ها هم رسیده باشد، قابل تطهیر نیستند.

۳. اگر شکّ داریم نجاست به باطن آن ها رسیده است یا نه، تطهیر ظاهر آن ها کافی است.(۲)

تطهیر زمین نجس

با آب کُر، جاری و لوله: ابتدا عین نجاست را برطرف می کنیم آن گاه آب را روی آن می گیریم تا تمام جاهای نجس را فرا گیرد.

با آب قلیل: اگر زمین سخت و محکم نیست و آب را فرو می گیرد قابل تطهیر نیست ولی اگر آب بر آن جاری می شود، آب قلیل را روی محلّ نجس می ریزیم تا آب، جاری شود، آن گاه آب را به داخل چاه و فاضلاب هدایت می کنیم.

زمینی که روی آن شن یا ریگ است با آب قلیل پاک می شود ولی زیر

۱- ۱. استفتائات، جلد ۱، ص ۱۲۱، سؤال ۳۳۰، ۳۳۱ و ۳۳۲.

۲- ۲. توضیح المسائل، مسأله ۱۶۴، ۱۶۵ و ۱۶۶.

شن ها و ریگ ها نجس می ماند.(۱)

۱- ۱. توضیح المسائل، مسأله ۱۷۹ و ۱۸۰.

۶ طهارتِ ویژه

اشاره

عِلَّهُ غُسْلِ الْجَنابَهِ النَّظافَهُ.

امام رضا علیه السلام فرمود: حکمت غسل جنابت، نظافت و پاکیزگی است.(۱)

آدمی تا در این جهان است در معرض آلودگی است و باید پیوسته به تطهیر روح و روان خود بپردازد.

اشک چشم و آب توبه و پشیمانی از گناه، آلودگی ناشی از گناهان را به خوبی می شوید و پاک می کند.

علاوه بر این، چنانچه گفتیم، یک مسلمان باید از نجس های ظاهری نیز خود را پاک سازد.

بدن انسان گاهی با نجاست هایی نظیر خون، ادرار و مدفوع، نجس می شود که با شستن همان موضعی که نجس شده، بدن، پاک می شود، ولی گاهی نجاستی هست که با شستن یک قسمت از بدن، پاک نمی شود.

۱- ۱. وسائل الشّیعه، جلد ۱، حدیث ۱، ص ۴۶۶.

بلکه اگر تمام بدن را هم بشوید ولی نیّت خاصّ آن را نکند باز هم پاک نمی شود یعنی باید حتما غسل کند.

نجاستی که باید برای آن غسل کنیم، مَنی است که از انسان بالغ، خارج می شود.

احتلام و جنابت

منی ممکن است در خواب از انسان خارج شود که به آن «احتلام» می گویند و نیز ممکن است در بیداری از انسان خارج شود.

به انسانی که در خواب یا بیداری منی از او بیرون آمده است «جُنُب» می گویند؛

جنابت عوامل دیگر هم دارد که برای آگاهی بیشتر می توانید به توضیح المسائل رجوع کنید.

شخص جنب، واجب است برای انجام عباداتی نظیر نماز و روزه غسل کند.

استمناء

کسی که هنوز ازدواج نکرده است نمی تواند در بیداری جنب شود. بنابراین اگر در اثر نگاه به نامحرم و مناظر شهوت انگیز، نگاه به عکس ها و فیلم های مبتذل، خواندن رُمان ها و مطالب جنسی، گوش دادن به نوارهای موسیقی مبتذل و راه های دیگر، شهوت بر او غالب شود و منی از او بیرون آید مرتکب یکی از گناهان بزرگ شده است که به آن «استمناء» گویند.

این عمل زشت، آتش جهنّم و ذلّت و خواری را در پی دارد، علاوه بر این ها اختلالات جسمی و روانی در دنیا گریبانگیر آن شخص خواهد شد

ص: ۵۲

و اگر ادامه پیدا کند ازدواج او را با مشکل روبرو خواهد کرد.

حضرت علی علیه السلام شخصی را که مبتلا به این گناه بود آنقدر کتک زد تا سرخ شد سپس او را از بیت المال همسر داد.(۱)

امام صادق علیه السلام درباره مبتلایان به این گناه می فرماید: «سه گروهند که خداوند روز قیامت با آنان سخن نمی گوید و نگاه رحمت به آنان نمی اندازد، آنان را پاک نمی کند، و عذاب دردناک برای آنان است.»

آن گاه امام صادق علیه السلام سه گروه را نام می برد و یکی از آن ها را کسی می داند که مبتلا به این گناه است.(۲)

شایسته است یک جوان مسلمان خود را پاک نگه دارد و قبل از ازدواج با عبادت و ورزش و کار، وقت خود را کامل کرده و هر چه زودتر ازدواج کند تا به راه های انحرافی و گناه مبتلا نشود.

راه های تشخیص

گاهی انسان از آن چه در کتاب های پزشکی خوانده است و یا از راه های دیگر یقین به خارج شدن منی از خود می کند، در غیر این صورت اگر سه نشانه زیر را دارا باشد، حکم به منی بودن آن می شود.

۱. با شهوت خارج شود.

۲. با فشار و جستن خارج شود.

۳. پس از آن، بدن سست شود.

البتّه درباره شخص مریض، نشانه اوّل کفایت می کند و نیازی به دو نشانه دیگر نیست.(۳)

شخصی که جُنُب شده، مستحبّ است قبل از غسل کردن، ادرار کند.

۱- ۱. وسائل الشّیعه، جلد ۱۴، حدیث ۳، ص ۲۶۷.

۲- ۲. وسائل الشّیعه، جلد ۱۴، حدیث ۷، ص ۲۶۸.

۳- ۳. توضیح المسائل، مسأله ۳۴۶.

این عمل باعث می شود مجرا از منی پاک گردد.

همچنین مستحبّ است انسان همیشه بعد از ادرار کردن «استبرا»(۱) کند تا مجرا از ادرار پاک گردد.(۲)

تشخیص کامل

ممکن است غیر از ادرار و منی، آب های دیگری از مجرا خارج شوند که همه آن ها پاک هستند.

مثل آبی که گاهی پس از بیرون آمدن منی، از مجرا خارج می شود که به آن «وَدْی» می گویند و یا آبی که گاهی پس از ادرار از مجرا خارج می شود که به آن «وَدْی» می گویند.

البته «وَدْی» در صورتی پاک است که ادرار به آن نرسیده باشد. و یا آبی که گاهی بعد از بازی یا پیش از خروج منی از مجرا بیرون می آید که با شهوت و لذّت همراه است ولی خصوصیّات منی را ندارد و به آن «مَذْی» می گویند، چنانچه گفتیم همه این آب ها پاک هستند.(۳)

احکام جنابت

۱. اگر منی از جای خود حرکت کند ولی بیرون نیاید، انسان، جنب نمی شود.(۴)

۲. اگر قبل از غسل، ادرار نکرده باشد و پس از غسل رطوبتی از او خارج شود که نمی داند منی است یا رطوبت دیگر، حکم منی را دارد.(۵)

۱- ۱. توضیح المسائل، مسأله ۷۲.
۲- ۲. توضیح المسائل، مسأله ۷۲ و ۳۴۸.
۳- ۳. توضیح المسائل، مسأله ۷۳.
۴- ۴. توضیح المسائل، مسأله ۳۵۲.
۵- ۵. توضیح المسائل، مسأله ۳۴۸.

۳. اگر در لباس خود منی ببیند و مطمئنّ باشد که از خود اوست و برای آن غسل نکرده است، باید غسل کند. البتّه نمازهایی را که نمی داند قبل از بیرون آمدن آن منی خوانده یا پس از آن لازم نیست قضا کند.(۱)

۴. کسی که مرتکب «استمناء» شده است باید غسل کند و اگر روزه خود را با آن باطل کرده است، باید آن را قضا کند و بنابر احتیاط واجب «کفّاره جمع»(۲) بدهد.(۳)

۵. بیرون آمدن منی از انسان، نشانه بلوغ اوست اگر چه به سنّ بلوغ نرسیده باشد.(۴)

اقسام غسل ها

غسل گاهی مستحبّ و گاهی واجب است.

غسلهای مستحبّی مانند غسل جمعه، غسل شب های قدر، و غسل برای رفتن به مسجدالحرام.

غسلهای واجب دو گونه است:

۱. مشترك بین مردان و زنان که عبارتند از: غسل جنابت، غسل مسّ میّت، غسل میّت و غسلی که به واسطه نذر و قسم و مانند این ها واجب می شود.

۲. مخصوص بانوان، که عبارتند از: غسل حیض، غسل استحاضه و غسل نفاس.(۵)

آداب ویژه غسل

۱- ۱. توضیح المسائل، مسأله ۳۵۴.
۲- ۲. رجوع کنید به درس سیزدهم.
۳- ۳. توضیح المسائل، مسأله ۳۴۵ و ۱۶۶۵.
۴- ۴. توضیح المسائل، مسأله ۲۲۵۲.
۵- ۵. توضیح المسائل، قبل از مسأله ۳۴۵.

به دو روش می توان غسل کرد:

۱. غسل ترتیبی

به نیّت غسل ابتدا سر و گردن را می شوییم، سپس نیمه راست بدن، و بعد از آن نیمه چپ بدن را.

۲. غسل ارتماسی

به یکی از سه روش زیر غسل می کنیم:

* به نیّتِ غسل یکباره زیر آب می رویم، به طوری که تمام بدن در آب قرار گیرد.

* یا به نیّتِ غسل به تدریج زیر آب می رویم تا تمام بدن در آب قرار گیرد.

* و یا زیر آب رفته و در آب به نیّتِ غسل، بدن را تکان می دهیم.(۱)

احکام غسل

با کیفیّت غسل کردن آشنا شدید، در این جا به برخی نکته های مهمّ اشاره می کنیم:

۱. چیزی را که مانع رسیدن آب به بدن است باید برطرف کنیم و اگر پیش از این کار غسل کنیم، غسل، باطل است.(۲)

۲. در غسل، باید آب بر بدن جاری شود و به تمام آن برسد ولی دست کشیدن لازم نیست.(۳)

۱- ۱. توضیح المسائل، مسأله ۳۶۱، ۳۶۷ و ۳۶۸.

۲- ۲. توضیح المسائل، مسأله ۳۷۷.

۳- ۳. استفتائات، جلد ۱، ص ۵۶.

۳. شستن قسمت داخلی لاله گوش و نیز بین انگشتان پا واجب است ولی شستن جاهایی که دیده نمی شود مانند داخل گوش و بینی واجب نیست.

۴. هنگام غسل پای خود را از زمین برداریم تا به کف پا هم آب برسد و شسته شود.(۱)

۵. اگر در بین غسل کردن کاری که وضو را باطل می کند از انسان سر زند، غسل او باطل نمی شود. ولی برای نماز باید وضو بگیرد.(۲)

۶. اگر کسی شکّ دارد که غسل کرده است یا نه، واجب است غسل کند.

۷. کسی که غسل کرده و پس از غسل شکّ می کند که غسل او صحیح بوده یا نه، لازم نیست دوباره غسل کند.(۳)

۱- ۱. توضیح المسائل، مسأله ۳۷۴.
۲- ۲. توضیح المسائل، مسأله ۳۸۶.
۳- ۳. توضیح المسائل، مسأله ۳۸۵.

۷ در اوجِ آسمان ها

اشاره

یآا اَیُّهَا الَّذینَ امَنُوآا اِذا قُمْتُمْ اِلَی الصَّلوهِ فَاغْسِلُوا وُجُوهَکُمْ وَاَیْدِیَکُمْ اِلَی الْمَرافِقِ وَ امْسَحُوا بِرُوءُسِکُمْ وَاَرْجُلَکُمْ اِلَی الْکَعْبَیْنِ(۱).

ای کسانی که ایمان آورده اید چون به [قصد] نماز برخیزید، صورت و دست هایتان را تا آرنج بشویید و سر و پاهای خودتان را تا برآمدگی مسح کنید.

آن شب چه زیبا با من سخن می گفت.

آهنگ کلامش مثل علی بود.

ای محمّد! دستت را بلند کن می خواهم چیزی را که از ناحیه راست عرشم جاری است به تو بدهم.

و آب فرو ریخت.

دست راستم را بلند کردم و قدری از آن آب را برگرفتم.

ص: ۵۹

۱- ۱. سوره مائده، آیه ۶.

سپس ندا آمد: ای محمّد! با آبی که گرفتی صورتت را بشوی؛ چرا که می خواهی با آن به عظمت من نگاه کنی.

سپس دست راست و چپ خود را از آرنج بشوی؛ چرا که می خواهی با آن دو، کلام مرا بگیری، آن گاه با آن چه در دستت باقی مانده سرت را و دو پایت را تا برآمدگی مسح کن؛ چرا که من می خواهم برکت را بر تو فرود آرم و گام هایت را بر جایی بگذارم که احدی پیش از تو به آنجا گام ننهاده و پس از این هم، نخواهد نهاد.(۱)

تنها این شب معراج نبود که خداوند وضو را به من تعلیم می داد. در زمین هم، همان اوائلی که به نبوّت برگزیده شدم، روزی جبرئیل بر من فرود آمد.

جامی لبریز از آب از آسمان برایم آورده بود.

به من گفت: ای محمّد! برخیز و برای نماز وضو بگیر. آن گاه وضو گرفتن را از ناحیه خدا به من تعلیم داد.(۲)

اهمّیّت وضو

یک مسلمان باید به بهداشت و نظافت بدن اهمّیّت دهد و بکوشد که همیشه تمیز و نظیف باشد. با رعایت بهداشت، انسان با نشاط و سالم خواهد ماند، امّا از آنجا که دین اسلام به نشاط روح و روان و تقرّب انسان به خداوند نیز اهمّیّت فراوانی قائل است دستور وضو را برای مسلمانان واجب کرده است. امام رضا علیه السلام می فرماید:

«در وضو سه چیز مطرح است: نظافت جسم، نشاط روح و تقرّب به خداوند بزرگ».

البتّه ائمّه معصومین علیهم السلام فواید دیگری نیز برای وضو بیان کرده اند که

۱- ۱. علل الشّرائع، جلد ۲، ص ۵.
۲- ۲. کشف الغُمّه، جلد ۱، ص ۱۱۶ و ۱۱۷.

نشانگر اهمّیّت این واجب الهی است.

بنـابراین مسـتحبّ است همیشه بـا وضو باشـیم تـا از نشـاط جسـمی و روحی برخوردار گردیم و قلبمان با تقرّب به خـدا نورانی گردد.

البتّه برای خواندن نماز، چه نمازهای واجب و چه نمازهای مستحبّی واجب است وضو بگیریم جز نماز میّت که آن را می توان بدون وضو هم خواند.

این مسأله را نیز همیشه به خاطر داشته باشـیم که بـدون وضو، حرام است جایی از بدن خود را به نوشـته قرآنی برسانیم و بنا بر احتیاط واجب مسّ اسم مبارک پیغمبر و ائمّه و حضرت زهرا علیهم السلام حرام است.(۱)

وضوی مستحبّی

وضو، نور است و مستحبّ است همیشه و در همه حالات با وضو باشیم به چند نمونه از وضوهای مستحبّی توجّه کنیم:

۱. وضو برای خواندن قرآن و همراه داشتن آن.

۲. وضو برای ورود به مساجد و مشاهد مشرّفه و زیارت ائمّه معصومین علیهم السلام .

۳. وضو گرفتن شخص جنب برای خوردن، آشامیدن و خوابیدن.

وضوی واجب

برای خواندن نمازهای واجب باید وضو بگیریم، همچنین تماس برقرار کردن با نام خدا و نوشـته قرآن و بنابر احتیاط واجب نام ائمّه معصومین و حضرت زهرا علیهم السلام بدون وضو حرام است. بنابراین به دو نکته

۱- ۱. توضیح المسائل، مسأله ۳۱۶، ۳۱۷ و ۳۱۹.

توجّه کنیم:

۱. استفاده کردن از انگشترهایی که نام خدا و آیات قرآن و نام ائمّه معصومین علیهم السلام در آن ها نقش بسته است، اشکالی ندارد ولی شخصی که وضو ندارد نباید به آن قسمت ها دست بزند و یا بدنش با آن ها تماس برقرار کند.(۱)

۲. بعضی فکر می کنند شب زفاف و عروسی، نماز خواندن از عهده عروس برداشته می شود چون اگر بخواهد وضو بگیرد، آرایش او به هم می ریزد، این فکر ریشه مذهبی ندارد نماز خواندن بر عروس واجب است، او می تواند قبل از رفتن به آرایشگاه وضو بگیرد و نماز مغرب و عشاء را با همان وضو بخواند.

کیفیّت وضو

اگر از ما بپرسند که چگونه وضو می گیرید به طور خلاصه می توان گفت: ابتدا صورت، آن گاه دست راست و پس از آن دست چپ خود را می شوئیم سپس با رطوبتی که از شستن دست بر کف مانده است سر را مسح می کنیم بعد پای راست و در پایان پای چپ را مسح می کنیم.

این تصویر کلّی از وضوست ولی در توضیح جزئیّات آن باید گفت:

صورت و دست ها

۱. صورت را باید از جایی که موی سر روییده تا آخر چانه بشوییم و در نظر داشته باشیم که پهنای صورت باید به اندازه فاصله بین شست و انگشت میانه، شسته شود.

ص: ۶۲

۱- ۱. العروه الوثقی، جلد ۱، ص ۱۳۱ و ۱۳۲.

۲. برای آن که یقین پیدا کنیم که مقدار واجب از صورت را شسته ایم باید کمی از اطراف آن مقداری را که گفتیم بشوییم.

۳. دست راست و دست چپ را باید از آرنج تا نوک انگشتان بشوئیم و برای آن که یقین پیدا کنیم که آرنج را کاملاً شسته ایم باید مقداری بالاتر از آن را هم بشوئیم.

۴. بنابر احتیاط واجب باید صورت و دست ها را از بالا به پایین بشوئیم و اگر از پایین به بالا بشوئیم وضو، باطل است.

۵. اگر کسی دست ها را تنها تا مچ بشوید و یا تا نوک انگشتان بشوید ولی آب را بین انگشتان نرساند، وضوی او باطل است و اگر مدّتی این گونه وضو گرفته، چنانچه در فراگیری وضو کوتاهی کرده باشد باید نمازهایی را که با این وضوها خوانده است قضا کند.

۶. اگر زخم کوچکی روی صورت یا دست ما باشد و آب هم برایش مُضرّ نباشد، ابتدا محل زخم را در آب کُر یا زیر شیر آب می گیریم و روی آن دست می کشیم تا خون تمام شود بلافاصله به نیّت وضو آب را از بالا به پایین روی آن جاری می کنیم سپس فوری آن را خشک می کنیم تا خون با آب ها مخلوط نشود و به بدن و لباس هایمان سرایت نکند آن گاه وضو را ادامه می دهیم.(۱)

مسح سر

۱. یک قسمت از چهار قسمت سر را، که بالای پیشانی است باید مسح کنیم.

۲. همین که اندکی دست خود را روی محلّ مسح بکشیم کافی است ولی مستحبّ است که به اندازه پهنای سه انگشت بسته و طول یک

۱- ۱. توضیح المسائل، مسأله ۲۳۷، ۲۴۳، ۲۴۶ و ۲۴۷.

انگشت باشد.

۳. لازم نیست مسح بر پوست سر باشد ولی اگر موی سر به قدری بلند باشد که هنگام شانه زدن به صورت می ریزد باید پوست سر یا بیخ موها را مسح کنیم.

۴. اگر آب و رطوبت مسح سر به آب و رطوبت پیشانی متّصل شود وضو و مسح سر صحیح است ولی برای مسح پا نباید با رطوبتی که از پیشانی بر دست مانده است استفاده کنیم بلکه باید با رطوبت قسمت های دیگر کفِ دست، مسح را انجام دهیم.(۱)

مسح پاها

۱. پاها را باید از سر یکی از انگشتها تا برآمدگی روی پا مسح کنیم و اگر با یک انگشت دست، مسح را انجام دهیم کافی است.

۲. مستحبّ است با تمام کف دست، روی پاها را مسح کنیم.(۲)

یاد سپاری

به خاطر بسپاریم که:

۱. برای وضو گرفتن باید نیّت کنیم یعنی به خاطر داشته باشیم که برای خشنودی خدا و تقرّب به او وضو می گیریم.

۲. آبی که با آن وضو می گیریم باید پاک و مطلق باشد بنابراین با آب نجس و آب مضاف نمی توانیم وضو بگیریم.

۳. از اسراف در مصرف آب بپرهیزیم.

۴. اعضای وضو باید پاک باشند و مانعی از رسیدن آب در آن ها نباشد.

ص: ۶۴

۱- ۱. توضیح المسائل، مسأله ۲۴۹، ۲۵۰ و ۲۵۱.

۲- ۲. توضیح المسائل، مسأله ۲۵۲ و ۲۵۳.

۵. در وضو، بایـد مؤالات را مراعات کنیم یعنی بین کارهای وضو به اندازه ای فاصـله نیندازیم که وقتی می خواهیم قسـمتی را بشوئیم یا مسح کنیم، رطوبت قسمت هایی که پیش از آن شسته یا مسح کرده ایم خشک شده باشد.

۶. بایـد بدانیم که وسواس در انجام عبادات، ناپسـند و حرام است. بنابراین بر کسانی که در انجام وضو گرفتار وسواس هسـتند واجب است کهماننـد سـایر مردم وضـو بگیرنـد و بی جهت وضـو را طـول ندهنـد و هر چه زودتر خود را از دام هوای نفس و شیطان برهانند.(۱)

بطلان وضو

اگر کسـی وضو بگیرد می توانـد با همان یک وضو همه کارهای واجب و مسـتحبّی را که نیاز به وضو دارنـد انجام دهد و این وضو تا وقتی که یکی از چیزهایی که وضو را باطل می کند از او سر نزده است باقی است.

چیزهایی که وضو را باطل می کنند عبارتند از:

۱. خارج شدن ادرار، مدفوع و یا باد از انسان.

۲. فرو رفتن به خوابی که گوش نشنود و چشم نبیند.

۳. مبتلا شدن به چیزهایی که عقل را از بین می برد مانند دیوانگی، مستی و بیهوشی.

۴. انجام کارهایی که غسل را بر انسان واجب می کند مانند جنابت.(۲)

۱- ۱. العروه الوثقی، جلد ۱، ص ۱۵۳.

۲- ۲. توضیح المسائل، مسأله ۳۲۳.

۸ امامِ فرشتگان

اشاره

در بدن داری اگر سوزِ حیات هست معراج مسلمان در صَلات(۱) برادرم جبرئیل مرا در آسمان ها همراهی می کرد، به «سدره المُنتهی» که رسیدیم ناگهان صدای اذان را شنیدم. فرشته ای اذان می گفت که تا آن شب در آسمان هادیده نشده بود.

او اذان می گفت و هر جمله ای از آن را که می گفت پروردگارم او را تصدیق می کرد.

به «حَیَّ عَلَی الصَّلاهِ» که رسید پروردگارم فرمود: بنده من راست می گوید. هرکس از روی میل و رغبت به نماز بایستد و حقّ آن را ادا کند، این کفّاره گناهان گذشته او خواهد بود. و چون گفت: «حَیَّ عَلَی الْفَلاحِ» پروردگارم فرمود: نماز، صلاح و نجات و رستگاری است.

۱- ۱. دیوان اقبال لاهوری، ص ۳۱.

چون اذان تمام شد، جلو ایستادم و همه فرشتگان به من اقتدا کردند.

پیش از این در بیت المقدس هم به نماز ایستاده بودم و همه پیامبران به من اقتدا کرده بودند.

و این جا چون از نماز فارغ گشتم از سر شوق و ارادت به پروردگارم مدهوش گشتم و به حالت سجده فرو افتادم.(۱)

ادب حضور

امام باقر علیه السلام نمازگزار را چون شخصی می دانند که در پیشگاه پادشاهی ایستاده و حاجت های خود را بر زبان جاری می کند و پادشاه، ساکت و آرام با نگاه لطف به او می نگرد و به حرف هایش گوش فرا می سپارد.(۲)

پس ما که در پیشگاه خدا به نماز می ایستیم شایسته است با قلبی آماده و خیالی آسوده با او سخن بگوییم و غرق حضور شویم. گام نخست این راه، آن است که با ترجمه و محتوای نماز آشنا باشیم.

تکبیرهُ الاحرام

اَللّه ُاَکْبَرُ؛

خداوند بزرگتر است (از آن که در وصف بگنجد).

برای ورود به نماز، اَللّه ُاَکْبَرُ می گوییم یعنی خدا را از همه موجوداتِ حسّـِی، عقلی، زمینی و آسمانی برتر می یابیم. دیگر دل از دنیا و مظاهر فریبنده آن می شوئیم و همه چیز و همه کس جز او نزد ما کوچک می شوند.

۱- ۱. بحارالانوار، جلد ۷۹، ص ۲۵۶ و ۲۵۷.

۲- ۲. بحارالانوار، جلد ۷۹، ص ۲۲۷.

اللّه اکبر، بیشترین ذکری است که هم در مقدّمات نماز و هم در خود نماز و هم در تعقیبات آن گفته می شود به طوری که یک مسلمان در طول یک شبانه روز تنها در نمازهای پنجگانه واجب حدود ۳۶۰ مرتبه آن را تکرار می کند.

سوره حمد

بِسْمِ اللّه ِ الرَّحْمنِ الرَّحیمِ؛

به نام خداوند رحمت گر مهربان.

بسم اللّه، سرآغاز کتاب وحی است. بسم اللّه، نه تنها در ابتدای قرآن که در آغاز تمام کتاب های آسمانی بوده است. بسم اللّه، سرلوحه عمل همه انبیاء بوده است.

به زبان آوردن بسم اللّه در شروع هر کاری سفارش شده است.

امامان معصوم علیهم السلام اصرار داشتند که در نماز بسم اللّه را بلند بگویند تا جایی که بلند گفتن بسم اللّه از ویژگی های شیعه به حساب آمده است.

اَلْحَمْدُ لِلّهِ رَبِّ الْعالَمینَ؛

ستایش خدای را که پروردگار جهانیان است.

وقتی انسان در برابر عظمت بیکران خداوند قرار می گیرد و همه کمال ها و جمال ها و زیبایی ها را از او می یابد و او را پروردگار و مدبّر همه آفرینش می شناسد زبان به حمد و ستایش می گشاید حمد و ستایشی که در آن معنای پرستش نهفته است.

ما، در آغاز مکالمه خود با خدا شیرین سخن می گوئیم و زبان به بیان خرّمی ها و کمالات او می گشائیم پس چه بهتر که در آغاز سخن گفتن با دیگران نیز چنین باشیم.

اَلرَّحْمنِ الرَّحیمِ؛

(خداوندِ) رحمت گرِ مهربان.

رحمن و رحیم هر دو از کلمه رحمت گرفته شـده اند. رحمن، رحمت گسترده الهی است که همه انسان ها را شامل می شود و چـون آفتـابی است که بر خـوب و بـد، و زشت و زیبـا می تابـد ولی رحیم، رحمت ویژه ای است که به عنوان پـاداش و نـتیجه کارهای خوب تنها بر نیکوکاران نازل می شود.

مالِكِ يَوْمِ الدّينِ؛

مالک و فرمانروای روز جزا.

یکی از نام های روز قیامت «يومُ الـدّين» است یعنی روز کیفر و پاداش. خداونـد هم مالک است و هم مَلِک. مالک است یعنی همه چیز در واقع برای اوست و مالکیّت دیگران اعتباری است. مَلِک است یعنی پادشاه و فرمانروای حقیقی است.

روز قیـامت که پرده ها از جلو چشـمان ما کنار می رود او را مالک و مَلِک خواهیم یافت وگرنه او هم در دنیا و هم در آخرت مالک و مَلِک است.

اِيّاكَ نَعْبُدُ وَ اِيّاكَ نَسْتَعينُ؛

تنها تو را می پرستیم و تنها از تو یاری می جوییم.

وقتی نمـازگزار خداونـد را همه کاره خود و جهان دانست و بـدان اعتراف کرد، از جان و دل به او دل می بنـدد، تنها او را می پرستد و تنهـا از او یـاری می جویـد. او دیگر بنـده طـاغوت ها، بنـده شـرق و غرب و بنـده زر و زور نمی شود و در برابر هیچ قدرتی سرِ کُرنش فرود نمی آورد.

اِهْدِنَا الصِّراطَ الْمُسْتَقيمَ؛

ما را به راه راست راهبر باش.

کلمه صراط که بیش از ۴۰ بار در قرآن آمـده است، به معنای راه هموار، روشن و وسـیع است. ما از خـدا می خواهیم که همه مسلمانان را به بزرگراه سعادت هدایت کند؛ بزرگراهی که به راحتی ما را به خدا برساند.

کسی که می خواهد در صراط مستقیم قرار گیرد باید راه هوس های

خود، راه هوس های مردم، راه طاغوت ها و راه نادرست نیاکان و پیشینیان خود را کنار بگذارد و تنها در راه مستقیمی که توسّط انبیاء و امامان ترسیم شده است، حرکت کند.

صِراطَ الَّذینَ اَنْعَمْتَ عَلَیْهِمْ؛

راه آنان که نعمتشان دادی.

نمازگزار این حقیقت را باور دارد که راه مستقیم، راهی است پیمودنی و پیش از او کسانی این راه را پیموده اند، لذا از خدا می خواهد که او را در زُمره آنان قرار دهد. آنان کسانی هستند که خداوند آنان را مشمول نعمت های خود ساخته است.

قرآن، پیامبران، صدّیقان، شهدا و صالحان را از جمله کسانی می داند که از نعمت هدایت برخوردار شده اند.

و نمازگزار از خدا می خواهد که دنباله رو آنان باشد.

غَیْرِ الْمَغْضُوبِ عَلَیْهِمْ وَ لَاالضَّالّٓینَ؛

همانان که نه در خور خشم اند و نه گمراهان و گمگشتگان(اند).

نمازگزار در پایان سوره حمد از خدا می خواهد که جزء دو گروه نباشد و راه آنان را نپیماید.

۱. غضب شدگان، آنان که چون فرعون و قارون و ابولهب و چون قوم عاد و ثمود و بنی اسرائیل در برابر حقّ و حقیقت و دین و خدا جبهه گیری می کردند و مورد خشم او قرار گرفتند.

۲. گمراهان و گمگشتگان، آنان که حیران و سر در گم اند. نه راه انبیاء را برگزیده اند و از آنان جانبداری می کنند و نه راه مخالفان و معاندان را برگزیده اند. آنان افرادی بی تفاوت، بی درد، و رفاه طلب هستند که به فکر شهوت و شکم خود هستند و کاری به حقّ و باطل ندارند. مانند عابدان پس از حضرت عیسی علیه السلام یا عالم نمایان دنیادوست.

سوره توحید

ص: ۷۱

این سوره سراپا از یگانگی خدا سخن می گوید از این رو «سوره توحید» نام گرفته است.

بِسْمِ اللّهِ الرَّحْمنِ الرَّحیمِ؛

به نام خداوند رحمتگرِ مهربان.

قُلْ هُوَ اللّه ُاَحَدٌ؛

بگو او خدایی است یکتا.

توحید که همان یگانه دانستن خداست، اساسی ترین اصل همه ادیان آسمانی است. توحید مرز میان ایمان و کفر است. او یکتاست یعنی دومی ندارد، شبیه و مثل و مانندی ندارد، جزء و عضوی ندارد.

کسی که توحید خدا را باور کند، دچار شرک و ریا نمی شود و همه کارهایش را برای او انجام می دهد.

اَللّه ُالصَّمَدُ؛

خدای بی نیاز (پاک از عیب و پناه نیازمندان).

همه موجودات سرتا پا نیازند و در وجود و بقاء خود، به خدا نیازمندند، همه به او پناه می آورند و خود را پُر از عیب و نقص می یابند. کسی که تنها خدا را «صمد» می داند، و خود و دیگران را فقیر و نیازمند و بی پناه، جز به خدا تکیه نمی کند.

لَمْ یَلِدْ وَ لَمْ یُولَدْ؛

نه کسی زاده اوست و نه او زاده کسی است.

او سرچشمه هستی است. همه چیز و همه کس آفریده او هستند امّا او خود همیشه بوده و همیشه خواهد بود، او ازلی و ابدی است. دل بستن و پناه آوردن به چنین حقیقت بیکرانی، انسان را در برابر همه خطرات مادّی و آسیب های اجتماعی بیمه می کند.

وَ لَمْ یَکُنْ لَهُ کُفُواً اَحَدٌ؛

و اَحَدی همتای او نیست.

در پایـان سوره باز تأکیـد می کنیم که خـدا یکتاست و هیـچ کس، همتا و هماننـد او نیست و اگر این حقیقت را به خوبی باور کنیم، همه کارهـای خـود را برای خـدا انجـام می دهیم و در اهـداف فردی و گروهی و اجتمـاعی خـود، غیر خـدا را دخیـل و شریک نمی دانیم.

ذکر رکوع و سجده

سُبْحانَ رَبِّیَ الْعَظیمِ وَ بِحَمْدِهِ؛

پروردگار بزرگم را منزّه می دانم و می ستایم.

سُبْحانَ رَبِّیَ الاَعْلی وَ بِحَمْدِهِ؛

پروردگار بلندمرتبه ام را منزّه می دانم و می ستایم.

نمازگزار پس از بیان آن همه عظمت و بزرگی خـدا، خود را کوچک و بی مقـدار بلکه هیچ می یابد و در برابر عظمت او خم می شود (رکوع) و آن گاه به زمین می افتد (سجده) و زبان به تسبیح او می گشاید.

او خدا را منزّه از هر عیب و نقص می یابد، پس از آن باز به حمد و ستایش رو می آورد.

او دریـافته است که خداونـد حقیقت بی کرانی است که از فهم و درک او بالاتر است و بایـد تنها در برابر عظمت او سـر فرود آورد. او دیگر در برابر غیرخدا و طاغوت ها کرنش نخواهد کرد.

قُنوت

رَبَّنا آتِنا فِی الدُّنْیا حَسَنَهً وَ فِی الْاخِرَهِ حَسَنَهً وَقِنا عَذابَ النّارِ؛(۱)

۱- ۱. این دعا در سوره بقره، آیه ۲۰۱، آمده است.

پروردگارا! در دنیا و آخرت به ما نیکی عطا کن و ما را از عذاب آتش [دور] نگه دار.

در هنگـام قنوت دست هـا را بالا می آوریم و به عنوان عرض نیاز و اظهار تهیـدستی و امیـد به عطای خـدا، آن ها را در مقابل صورت قرار می دهیم. در قنوت هر دعـایی را می توان خوانـد ولی بهتر است دعـایی را برگزینیم که همگانی باشـد مثل دعای «رَبَّنا آتِنا»، که در قرآن آمده است.

ما در این دعا از خدا می خواهیم هم نیکی ها و خوبی های دنیا را و هم نیکی ها و خوبی های آخرت را به ما عطا کند.

چرا که گرفتن دنیا و رها کردن آخرت خطاست، همینطور گرفتن آخرت و رها کردن دنیا نیز خطاست.

دنیا، مزرعه آخرت است و با نیکی ها و حسنات دنیا می توان آخرت خود را آباد کرد.

در پایان از خدا می خواهیم که ما را از آتش جهنّم برهاند.

تسبیحات اربعه

سُبْحانَ اللّه ِ، وَالْحمدُ لِلّهِ، وَ لا اِلهَ اِلاَّ اللّه ُ، وَاللّه ُاَكْبَرُ.

منزّه است خدا، و ستایش تنها برای خداست، و معبودی جز او نیست، و خدا بزرگتر است (از آن كه در وصف بگنجد).

تسبیحات اربعه، مشتمل بر چهار ذکر است:

۱. تسبیح (سُبْحانَ اللّه ِ)

۲. تحمید (اَلْحَمْدُ لِلّهِ)

۳. تهلیل (لا اِلهَ اِلاَّ اللّه ُ)

۴. تکبیر (اَللّه ُاَكْبَرُ)

حضرت ابراهیم به هنگام ساختن خانه کعبه لب هایش به ذکر مقدّس تسبیحات اَربعه مترنّم بود.

نمازگزار، ابتدا خدا را پاک و منزّه می یابد آن گاه زبان به ستایش او می گشاید سپس تنها او را شایسته پرستش می شمارد و در پایان، خدا را بزرگتر از آن می داند که بتوان او را وصف کرد.

تشهُّد

اَشْهَدُ اَنْ لا اِلهَ اِلاَّ اللّه ُ، وَحْدَهُ لا شَریکَ لَهُ؛

گواهی می دهم که معبودی جز خدا نیست. یکتاست و او را شریکی نیست.

وَ اَشْهَدُ اَنَّ مُحَمَّداً عَبْدُهُ وَ رَسُولُهُ؛

و گواهی می دهم که محمّد بنده و فرستاده اوست.

اَللّهُمَّ صَلِّ عَلی مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ؛

بارخدایا بر محمّد و خاندان او درود فرست!

نمازگزار با آن که در اذان و اقامه به توحید و نبوّت پیامبر شهادت داده است باز در پایان نماز نیز به این دو حقیقت بزرگ اعتراف می کند سپس بر پیامبر و خاندان پاک او صلوات و درود می فرستد.

او اعتراف می کند که پیامبر در پرتو عبودیّت و بندگی خدا به آن همه عظمت دست یافته است و این راه را به روی خود باز می یابد و تصمیم می گیرد همین راه را بپیماید.

سلام

اَلسَّلامُ عَلَیْکَ اَیُّهَا النَّبِیُّ وَ رَحْمَهُ اللّه ِ وَ بَرَکاتُهُ؛

ای پیامبر خدا! بر تو درود، و رحمت و برکات خدا بر تو باد!

اَلسَّلامُ عَلَیْنا وَ عَلی عِبادِ اللّه ِ الصّالِحینَ؛

درود بر ما و بر بندگان شایسته خدا!

اَلسَّلامُ عَلَيْكُمْ وَ رَحْمَةُ اللّٰه ِ وَ بَرَكاتُهُ؛

درود بر شما (مؤمنین) و رحمت و برکات خدا بر شما باد!

نمازگزار که از مردم جدا شده و به پیشگاه خدا بار یافته و لحظاتی با او گرم راز و نیاز بوده اکنون که می خواهد دوباره به سوی آنان برگردد هنگام بازگشت ابتدا به پیامبر سپس به نمازگزاران و بندگان شایسته او آن گاه به خلق خدا سلام می کند.

او به سوی خدا رفته و قلب خود را صیقل داده و از کینه و کدورت پاک شده و اینک به سوی مردم آمده است. او پیام صلح و صفا، و درود و سلام آورده است.

ص: ۷۶

۹ انتظارِ سبز

اشاره

از مهالک در دو عالم این صَلات اهل خود را می دهد بی شکّ نجات(۱) نامه را با اشک شوق گرفتم. مثل این بود که جبرئیل از آسمان نامه ای برایم آورده باشد.

مدّت ها انتظار فرا رسیدن این لحظه های خوش و معطّر را کشیده بودم.

نامه را بر دیدگانم کشیدم و آن گاه با اشتیاق آن را گشودم.

خطّ و امضای آن درست بود، امام رضا علیه السلام به همه سؤال هایم پاسخ داده بودند:

«(ای محمّدبن سنان)... این که پرسیده ای چرا نماز، واجب شده است باید بگویم حکمت های فراوانی دارد:

۱- ۱. دیوان اشعار رجاء اصفهانی، ص ۲۴.

نماز، اقرار به ربوبیّت خداوند عزیز و بلندمرتبه است و هرگونه مثل و مانندی را از او نفی می کند.

نماز، ایستادن در پیشگاه خداوند است با ذلّت و مسکنت و خضوع و اعتراف.

نماز، پشیمان شدن از گناهان گذشته و درخواستِ بخشیدن آن ها از سوی خداست.

گذاشتن چهره بر زمین است برای بزرگداشت خداوند...

با نماز، فروتن هستی و افزونی در دین و دنیا را خواهانی.

با نماز، از گناهان بیزار می شوی و مُدام به یاد خدا هستی.

با نماز، آقا و مدبّر و آفریننده خود را فراموش نمی کنی، در نتیجه در عیش و خوشگذرانی ها فرو نمی روی و طغیان نمی کنی.

با یاد خدا و ایستادن در مقابل او از گناهان و انواع فسادها و آلودگی ها بازداشته می شوی.»(۱)

احکامِ «فراموش شده ها» در نماز

با احکام نماز پیش از این آشنا شده اید. ما در این جا به ذکر احکامِ «فراموش شده ها» بسنده می کنیم.

برای فراگیری این مطلب یادآوری این مطلب لازم است که واجبات نماز یازده تا هستند که عبارتند از:

واجبات نماز

واجبات نماز(۲)

واجبات رُکنی:

۱- ۱. بحارالانوار، جلد ۷۹، ص ۲۶۱ و ۲۶۲.

۲- ۲. توضیح المسائل، مسأله ۹۴۲.

۱. نیّت

۲. قیام

۳. تکبیره الاحرام

۴. رکوع

۵. دو سجده

واجبات غیر رُکنی:

۱. قرائت

۲. ذکر

۳. تشهّد

۴. سلام

۵. ترتیب

۶. موالات

قاعده کلّی

با فراگیری این قاعده کلّی، می توانید تمامی مسایل این بخش را حلّ کنید، قاعده کلّی این است که:

۱. گاهی واجب رکنی را فراموش می کنیم. در این جا دو صورت پیدا می کند:

الف: وارد رکن بعدی شده ایم. در این جا نماز، باطل است.

مثلاً رکوع را فراموش می کنیم و پس از رفتن به سجده متوجّه می شوم.(۱)

ب: وارد رکن بعدی نشده ایم، نماز، باطل نمی شود. باید برگردیم واجب را به جا آوریم و نماز را ادامه دهیم.

۱- ۱. توضیح المسائل، مسأله ۱۱۰۹.

مثلاً رکوع را فراموش کردیم و روانه سجده شدیم ولی قبل از آن که سر بر زمین بگذاریم، متوجّه شدیم، در این صورت باید برگردیم و به طور کامل بایستیم و به رکوع و سپس به سجده برویم و نمازمان صحیح است.(۱)

۲. گاهی واجب غیررکنی را فراموشی می کنیم. باز در این جا دو شکل پیدا می کند:

الف: وارد رکن بعدی شده ایم این جا نماز، صحیح است و آن را ادامه می دهیم. مثل آن که سوره را فراموش کرده و مشغول ذکر رکوع هستیم.(۲)

ب: وارد رکن بعد نشده ایم، در این جا نیز نماز، صحیح است برمی گردیم واجب را بجا می آوریم و نماز را ادامه می دهیم.(۳)

با حفظ این قاعده می توانید وظیفه نمازگزار را در حالت های زیر مشخّص کنید:

۱. سوره حمد را فراموش کرده و مشغول خواندن سوره توحید است.

۲. تشهّد را فراموش کرده و مشغول سلام دادن است.

۳. دو سجده را فراموش کرده و تشهّد بعد از آن را بجا می آورد.

احکامِ «فراموش شده ها» پس از نماز

اگر آن چه در نماز فراموش شده، رکن باشد، نماز، باطل است و اگر رکن نباشد، نماز، صحیح است ولی اگر «تشهّد» یا «یک سجده» فراموش شده است در این جا نمازگزار وقتی پس از پایان یافتن نماز یادش آمد، بدون آن که صورت نماز را به هم بزند، آن تشهّد و یا یک سجده را بجا می آورد و پس از آن «دو سجده سهو» انجام می دهد.(۴)

۱- ۱. توضیح المسائل، مسأله ۱۱۱۰.

۲- ۲. توضیح المسائل، مسأله ۱۱۱۱.

۳- ۳. توضیح المسائل، مسأله ۱۱۱۲.

۴- ۴. تحریرالوسیله، جلد ۱، ص ۱۸۰، مسأله ۱.

سجده سَهو

گاهی اوقات، باید پس از تمام شدن نماز، دو سجده بجا آوریم که به آن «سجده سهو» می گویند.

* در دو مورد زیر، «سجده سهو»، واجب می شود:

۱. در بین نماز ناخودآگاه حرف بزنیم، یا مثلاً آخ یا آه بگوییم.

۲. یک سجده را فراموش کنیم و پس از وارد شدن به رکوع رکعت بعد یادمان بیاید.

* و در دو مورد زیر، احتیاط واجب بجا آوردن سجده سهو است.

۱. بی جا سلام دوم نماز یا سلام سوم و یا هرسه سلام را با هم بگوییم. مثلاً در رکعت دوم نماز ظهر و عصر و عشاء.

۲. تشهّد را فراموش کنیم.(۱)

طریقه بجا آوردنِ سجده سهو

پس از پایان یافتن نماز، فوری نیّت سجده سهو می کنیم و بدون گفتن تکبیره الاحرام به سجده می رویم و می گوییم:

بِسْمِ اللّه ِوَ بِاللّه ِاَللّهُمَّ صَلِّ عَلی مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ.

آن گاه می نشینیم و دوباره به سجده می رویم و ذکر بالا را می گوییم پس از آن می نشینیم و تشهّد و سلام می گوییم.(۲)

ولی چنانچه تشـهّد یا یک سـجده را فراموش کرده بودیم، پس از نماز ابتدا باید قضای آن تشـهّد یا سجده را بجا آوریم و بعد از آن دو سجده سهو را.

۱- ۱. توضیح المسائل، مسأله ۱۲۳۶.

۲- ۲. توضیح المسائل، مسأله ۱۲۵۰.

۱۰ سیر و سفر

اشاره

قُلْ سیرُوا فِی الْاَرْضِ فَانْظُرُوا کَیْفَ بَدَأَ الْخَلْقَ ثُمَّ اللّهُ یُنْشِئُ النَّشْاَهَ الْاخِرَه اِنَّ اللّهَ عَلی کُلِّ شَیْ ءٍ قَدیرٌ.(۱)

(ای پیامبر) بگو: «در زمین بگردید و بنگرید چگونه [خدا] آفرینش را آغاز کرده است؟ سپس [باز] خداست که جهان آخرت را پدید می آورد، خداست که بر هرچیز تواناست».

از دوستان و آشنایان خداحافظی می کنیم، از آنان حلالیّت می طلبیم، اثاث و وسائل خود را برمی داریم. می خواهیم به مسافرت برویم. قرآن بارها ما را به سیر و سفر دعوت کرده است:

«در زمین بگردید و بنگرید چگونه (خدا) آفرینش را آغاز کرده است؟»

«در زمین بگردید آن گاه بنگرید که فرجام تکذیب کنندگان چگونه بوده

۱- ۱. سوره عنکبوت، آیه ۲۰.

است؟»(انعام، ۱۱)

«در زمین بگردید و بنگرید فرجام گناه کاران چگونه بوده است؟»(نمل، ۶۹)

«در زمین بگردید و بنگرید فرجام کسانی که پیشتر بوده و بیشترشان مشرک بودند چگونه بوده است؟»(روم، ۴۲)

«آیا در زمین گردش نکرده اند تا دل هایی داشته باشند که با آن بیندیشند یا گوش هایی که با آن بشنوند؟»(حجّ، ۴۶)

فراوان فوایدی که برای سیر و سفر و گردش و مسافرت هست، ما را گاه گاهی وامی دارد تا به مسافرت برویم.

برای ایمنی از حوادث، صدقه می دهیم، با نام خدا و توکّل بر او حرکت می کنیم، می خواهیم رفت و برگشت ما ۴۵ کیلومتر(۱) و یا بیشتر از آن باشد، اسلام برای ما تخفیف ویژه ای قرار داده است؛ نمازهای چهار رکعتی ما کوتاه (نصف) می شود و روزه گرفتن هم از عهده ما (در سفر) برداشته می شود.

اسلام با این حکم، حمایت خود را از مسافرین اعلام کرده است ولی هرگز با گناه موافق نیست، از این رو اگر سفر، حرام باشد مانند فرار از جبهه و یا سفر بدون رضایت والدین و یا سفر برای کار حرام، مانند سرقت، هیچ تخفیفی شامل مسافر نمی شود.(۲)

کم کم از اقامتگاه خود دور می شویم، دیگر به نقطه ای رسیده ایم که دیوارهای آنجا را نمی بینیم و صدای طبیعی اذان آنجا را نیز نمی شنویم یعنی به «حدّ ترخُّص» یا «مرز سفر» رسیده ایم(۳) از این جا به بعد، حکم

۱- ۱. استفتائات، جلد ۱، ص ۱۹۴، سؤال ۲۳۸.

۲- ۲. توضیح المسائل، نماز مسافر، شرط پنجم.

۳- ۳. توضیح المسائل، نماز مسافر، شرط هشتم.

مسافر داریم، نماز خود را شکسته می خوانیم. و هنگام بازگشت وقتی به این نقطه رسیدیم از این جا تا اقامتگاه، حکم مسافر نداریم یعنی نمازمان را باید تمام بخوانیم.

وطن

در وطن که هستیم نمازمان تمام است و روزه هم باید بگیریم ولی بعضی وقت ها نمی دانیم وطن ما کجاست؟

وطن ما کجاست؟

* زادگاه پدر و مادرم آنجاست من هم در همانجا به دنیا آمده ام ولی بزرگ شده آنجا نیستم، حالا نمی دانم وطن من هم همانجاست یا نه؟

* پدرم در آنجا خانه شخصی دارد، زادگاه او نیز همانجا بوده چند سالی برای تحصیل به آنجا رفته ام ولی خودم بزرگ شده جای دیگری هستم، وطنم کجاست؟

* پدر و مادرم می گویند ما از وطن خود، اِعراض کرده ایم، یعنی برای همیشه آنجا را ترک کرده ایم، هروقت آنجا می روند نمازشان را شکسته می خوانند، نمی دانم وظیفه من چیست؟

* بعضی ها به من می گویند تا وقتی ازدواج نکرده ای، وطن تو همان وطن پدر و مادر توست از آن به بعد حقّ انتخاب وطن داری!

وطنم کجاست؟

تشخیص وطن کار دشواری نیست، به این امور توجّه کنید:

۱. زادگاه شما، وقتی وطن شماست که بزرگ شده آنجا هم باشید.(۱)

۲. زادگاه پدر و مادر شما وطن شما نیست.(۲)

ص: ۸۵

۱- ۱. استفتائات، جلد ۱، ص ۲۶۶، سؤال ۴۳۲.

۲- ۲. استفتائات، جلد ۱، ص ۲۶۷، سؤال ۴۳۴.

۳. جایی که پدر و مادر شما به عنوان وطن انتخاب کرده اند، وطن شما نیست.

یعنی شما در انتخاب وطن و یا اعراض از وطن تابع دیگران نیستید، باید به تکلیف خود عمل کنید(۱)، یعنی وطن شما این جاست:

۱. زادگاه شما که در آنجا بزرگ شده اید.(۲)

۲. جایی که بعد از بالغ شدن، برای اقامت همیشگی انتخاب می کنید.(۳)

ما بعضی وقت ها، به سفر می رویم. ولی بعضی ها شغلشان مسافرت است مانند راننده قطار و ماشین های برون شهری، خلبان و ملوان، وظیفه این گروه چیست؟

۱. در سفرهایی که شغل آن هاست چنین عمل می کنند:

* در سفر اوّل، هرچند طول بکشد، نمازشان شکسته است.

* در سفرهای بعدی، نمازشان تمام است.(۴)

۲. در سفرهایی که مربوط به شغل آن ها نیست مانند سفرهای زیارتی سیاحتی نمازشان شکسته است.(۵)

بعضی از دانش آموزان، دانشجویان، معلّمان، کارمندان، کارگران و... شغلشان مسافرت نیست ولی محلّ تحصیل، خدمت و یا شغل آنان جای دیگری است و به آنجا آمد و رفت می کنند حکم آنان چیست؟

به فتوای حضرت امام خمینی قدس سره این گروه حکم مسافر دارند و باید مقرّرات آن را در نظر بگیرند. البتّه به فتوای مقام معظّم رهبری (دام ظلّه) و برخی از مراجع بزرگوار دیگر این گروه نیز مانند کسانی که شغلشان مسافرت است، نمازشان تمام است با توجّه به این سه مسأله:

۱- ۱. استفتائات، جلد ۱، ص ۲۶۴، سؤال ۴۲۸.

۲- ۲. استفتائات، جلد ۱، ص ۲۶۶، سؤال ۴۳۲.

۳- ۳. استفتائات، جلد ۱، ص ۲۶۵، سؤال ۴۳۱.

۴- ۴. توضیح المسائل، نماز مسافر، شرط هفتم.

۵- ۵. توضیح المسائل، مسأله ۱۳۰۷.

۱. برای کارشان در کمتر از ده روز به محلّ کارشان سفر کنند.

۲. سفر به آنجا برای شغل و کارشان باشد نه به جهت دیگری.

۳. سفر برای تحصیل وقتی حکم سفر برای شغل دارد و مشمول این حکم است که تحصیل، در حکم کار و شغل باشد مانند کسانی که در سپاه و ارتش یا ادارات، برای تحصیل، مأمور می شوند. بنابراین شامل همه دانش آموزان و دانشجویان نمی شود.(۱)

قصد ده روزه

تازه به این جا آمده ایم، می گویند قصد ده کرده اید یا نه؟ یکی می گوید در این دو هفته ای که این جا هستیم من قصد نمی کنم، نظر شما چیست؟ فکر می کنید چگونه باید قصد کرد؟

همین که می دانید یا قصد دارید که ده روز و یا بیشتر، در آنجا بمانید و در این مدّت از حدّ ترخّص آنجا خارج نشوید، قصد ده روز شما شکل گرفته، باید نمازهایتان را تمام بخوانید و اگر ماه مبارک رمضان است، روزه بگیرید.(۲)

* از روزی که به این جا آمده ایم هنوز نمی دانیم که ده روز کامل این جا می مانیم یا نه، تاکنون سی روز بلاتکلیف مانده ایم وظیفه ما چیست؟

تا روز سی ام نمازتان شکسته است پس از سی روز تا هرچه بمانید نمازتان تمام است.(۳)

* از ابتدا که این جا آمدیم قصد جدّی داشتیم ده روز کامل بمانیم، حالا تصمیم ما عوض شده یعنی می خواهیم کمتر از ده روز بمانیم و یا بلاتکلیف مانده ایم وظیفه ما چیست؟

۱- ۱. اجوبه الاستفتائات، جلد ۱، سؤال ۶۵۴ و ۶۶۹.

۲- ۲. توضیح المسائل، مسأله ۱۳۳۰، ۱۳۳۶ و ۱۳۳۸.

۳- ۳. توضیح المسائل، مسأله ۱۳۵۵.

۱. اگر پیش از خواندن یک نماز چهار رکعتی تصمیم شما عوض شده، نمازهایتان را باید شکسته بخوانید.

۲. اگر پس از خواندن یک نماز چهار رکعتی تصمیم شما عوض شده تا هروقت که آنجا بمانید، نمازهایتان تمام است.(۱)

نیّت نماز شکسته

می خواهم نماز شکسته بخوانم نمی دانم چگونه نیّت کنم، بگویم مثلاً چهار رکعت نماز ظهر، شکسته می خوانم یا بگویم دو رکعت نماز ظهر شکسته شده؟

فرقی ندارد، اصلاً نیّت به گفتن و یا خطور دادن در قلب نیست همین که تصمیم داری نمازت را شکسته یعنی دو رکعتی بخوانی کافی است.

۱- ۱. توضیح المسائل، مسأله ۱۳۴۶.

۱۱ آنجا کجاست؟

اشاره

وَاَقیمُوا وُجُوهَکُمْ عِنْدَ کُلِّ مَسْجِدٍ وَ ادْعُوهُ مُخْلِصینَ لَهُ الدّینَ.(۱)

در هر مسجدی روی خود را مستقیم [به سوی قبله] کنید و در حالی که دین خود را برای خدا خالص گردانیده اید وی را بخوانید.

آنجا کجاست؟

«پایگاه مقاومت» در برابر هوی و هوس، شیطان و اهرمن،

«میعاد» پیامبران، امامان و پاکان عالم،

«مجمع عمومی» مسلمانان و مستضعفان،

«میدان» نمایش وحدت مسلمانان علیه دشمنان اسلام،

«بازار» تقوا و ایمان، صلح و صفا، همدلی و همراهی،

فرشتگان چشم امید به آنجا دوخته اند،

و اهریمنان از رونق آن نگرانند.

۱- ۱. سوره اعراف، آیه ۲۹.

و به راستی آنجا کجاست؟

آنجا، مسجد است، خانه خدا، محلّ ارتباط خاک با افلاک، حلقه اتّصال هیچ با همه چیز، و چه زیباست که به آنجا بشتابیم، زیاد به آنجا برویم، زودتر از همه برویم و دیرتر از همه برگردیم، با لباس های تمیز و خوشبو به آنجا وارد شویم، در نظافت آن بکوشیم، و در برنامه های فرهنگی آن شرکت فعّال داشته باشیم.

بنیانگذار جمهوری اسلامی حضرت امام خمینی قدس سره درباره اهمیّت مساجد می فرماید:

«مساجد را پر کنید که مساجد سنگرند و محراب یعنی جایی که حرب (جنگ و مبارزه) از آنجا آغاز می شود و محلّ حرب است. شیطان هااز مساجد و نماز می ترسند، آن ها می خواهند از نماز جلوگیری کنند و بعد از خالی کردن سنگرها، حمله کنند.»(۱)

نماز جماعت

اینان چه می کنند!

با هم می ایستند، با هم به رکوع می روند، با هم سر بر خاک می گذارند، با هم برمی خیزند، نظم و انضباط، وحدت و انسجام، صلح و صفا و یکدلی و یکرنگی از اجتماعشان پیداست. گویی در دل هایشان کینه و حسادتی نیست، قلب هایشان با هم پیوند خورده، همه با هم برادرند، اینان چه می کنند!

همه با هم در صفّ های منظّم و پشت سر هم، از یک نفر که پیشاپیش آن ها قرار گرفته پیروی می کنند.

اینان، همه مسلمانند و با هم نماز را به جماعت می خوانند و

۱- ۱. صحیفه نور، جلد ۱۲، ص ۱۴۸ و ۱۴۹.

شکوه خود را به نمایش می گذارند. اینان خار چشم دشمنان اسلام هستند.

نـدای اذان که به گـوش تـو می رسـد تـو را به این جمـع باشـکوه دعـوت می کنـد، منـادی حـقّ را لبّیـک بگو. هرچه جمعیّت نمازگزار بیشتر شود، ثوابش افزون تر است. اگر عدد آن ها از ده بگذرد پاداشـی نصیب آنان می شود که قابل بیان و شمارش نیست.

اگر دنبـال دوست خوب می گردی، و یـا خواهـان فردی دلسوز برای حـلّ مشـکلات هستی، اگر می خواهی بـا دیگران آشـنا شوی، در حـلّ مشـکل هـای دیگران دخیل باشـی، و از فردگرایی و خودخواهی به دیگرگرایی و خـداخواهی روی آوری، در جمـاعت برادران دینی خود به ویژه در نماز جماعت شـرکت کن و اگر می خواهی تبعیّت از رهبری را تمرین کنی، باز هم در نماز جماعت حاضر شو!

برپایی نماز جماعت

یک نفر به عنوان «امام جماعت» جلو می ایسـتد، و حدّاقلّ یک نفر هم پشت سـر او به عنوان «مأموم» می ایستد و به او اقتدا می کند نماز جماعت شکل می گیرد.

احکام نماز جماعت

۱. جایگاه امام جماعت نباید از جایگاه مأمومین بالاتر باشد.(۱)

۲. مأمومین می توانند در مکانی بالاتر از امام بایستند، مثلاً امام در صحن مسجد و مأمومین پشت بام بایستند ولی اگر ساختمان چند طبقه باشد، اشکال دارد.(۲)

۱- ۱. العروه الوثقی، ص ۷۷۶ و ۷۷۷.

۲- ۲. توضیح المسائل، مسأله ۱۴۱۶.

۳. اگر نماز همه کسانی که در صفّ جلو هستند تمام شود یا همه آن ها نیّت فرادی نمایند، اگر فاصله به اندازه یک قدم بزرگ نباشد، نماز صفّ بعد به طور جماعت صحیح است و اگر بیشتر از این مقدار باشد، فرادی می شود و صحیح است.(۱)

شرایط امام جماعت

۱. امام جماعت باید بالغ و عادل باشد و نماز را صحیح بخواند.

۲. اگر مأموم، مرد است امام جماعت نیز باید مرد باشد.

۳. و اگر مأموم، زن است بنابر فتوای حضرت امام قدس سره احتیاط واجب آن است که امام جماعت او، مرد باشد.(۲)

استفتاء از مقام معظّم رهبری

س - چه وقت زن می تواند امام جماعت باشد؟

ج - اگر مأمومین تنها زنان باشند، امام جماعت می تواند زن باشد.(۳)

وظیفه مأموم در نماز جماعت

۱. احتیاط واجب آن است که تا تکبیر امام تمام نشده، مأموم تکبیر نگوید.(۴)

۲. مأموم باید غیر از حمد و سوره، همه چیز را خودش بخواند، ولی اگر رکعت اوّل یا دوم او، رکعت سوم یا چهارم امام باشد، باید حمد و سوره را (آهسته) بخواند.(۵)

۱- ۱. توضیح المسائل، مسأله ۱۴۳۸.

۲- ۲. توضیح المسائل، مسأله ۱۴۵۳.

۳- ۳. اجوبه الاستفتائات، جلد ۱، سؤال ۶۰۶.

۴- ۴. توضیح المسائل، مسأله ۱۴۶۷.

۵- ۵. توضیح المسائل، مسأله ۱۴۶۱.

پیوستن به نماز جماعت

اگر در بین نماز جماعت خواستیم اقتدا کنیم باید توجّه داشته باشیم که فقط در دو حالت می توان به جماعت پیوست:

۱. وقتی که امام در حال قیام است و مشغول قرائتِ حمد و سوره یا تسبیحات اربعه و یا قنوت است.

۲. وقتی که امام در رکوع است.(۱)

چگونه اقتدا کنیم؟

اقتدا کردن و پیوستن به نماز جماعت حالت های مختلفی دارد که با کمی دقّت می توان آن ها را فراگرفت.

اگر امام جماعت رکعت اول نماز را می خواند اقتدا کردن به او دو صورت پیدا می کند:

الف: امام جماعت، ایستاده و مشغول خواندن حمد و سوره است.

برای اقتدا کردن به او ابتدا نیّت می کنیم سپس تکبیره الاحرام را با آرامشِ بدن می گوییم، حمد و سوره را نمی خوانیم و بقیّه اعمال را همراه او انجام می دهیم.

ب: امام جماعت در رکوع است.

برای اقتدا کردن به او ابتدا نیّت می کنیم آن گاه تکبیره الاحرام را با آرامشِ بدن می گوییم سپس به رکوع می رویم و ذکر رکوع را نیز با آرامش می گوییم آن را یک رکعت به حساب می آوریم و بقیّه نماز را همراه امام جماعت انجام می دهیم.

۱- ۱. توضیح المسائل، مسأله ۱۴۲۷ و ۱۴۳۰.

اگر امام جماعت رکعت دوم نماز را می خواند باز هم اقتدا کردن به او دو صورت پیدا می کند:

الف: امام جماعت، ایستاده و مشغول خواندن حمد و سوره و یا قنوت است.

برای اقتـدا کردن، ابتدا نیّت می کنیم سپس تکبیره الاحرام را با آرامشِ بدن می گوییم؛ اگر امام جماعت حمد و سوره را می خوانـد، سـاکت می مـانیم آن گـاه قنوت را همراه امام می خوانیم و رکوع و دو سـجده را با او به جای می آوریم سـپس وقتی امام، تشهّد می خواند، بنابر احتیاط واجب به صورت نیم خیز می نشینیم.

[تا این جا یک رکعت نماز خوانده ایم]

حال چنین عمل می کنیم:

اگر نماز امام جماعت، دو رکعتی است برمی خیزیم و بقیّه نماز را خودمان می خوانیم.

اگر نماز امام جماعت، سه یا چهار رکعتی است همراه او برمی خیزیم وقتی امام، مشـغول خواندن تسبیحات اربعه است، آهسته حمـد و سوره و قنوت (و اگر وقت، کافی نبود حمد و سوره و اگر وقت محدودتر بود فقط سوره حمد) را می خوانیم، آن گاه همراه با امام جماعت به رکوع و سجده می رویم.

[تا این جا یک رکعت نماز خوانده ایم]

از این جا به بعد چنین انجام می دهیم:

اگر نماز امام جماعت، سه رکعتی است همراه او تشهّد را می خوانیم آن گاه:

الف: اگر نماز ما دورکعتی بود همراه با امام جماعت سلام نماز را می خوانیم و نماز را به پایان می بریم.

ب: اگر نماز ما سه یا چهار رکعتی بود برمی خیزیم و بقیّه نماز را

خودمان می خوانیم.

اگر نماز امام جماعت، چهاررکعتی بود، امام جماعت پس از سجده برای انجام رکعت چهارم برمی خیزد ولی ما می نشینیم و تشهّد نماز را می خوانیم.

آن گاه:

الف: اگر نماز ما دو رکعتی بود، سلام نماز را هم می خوانیم و نماز را به پایان می بریم.

ب: اگر نماز ما سه یا چهار رکعتی بود برمی خیزیم، تسبیحات اربعه را مثلِ همیشه سه بار (و اگر وقت، کافی نبود یک بار) می خوانیم آن گاه با امام، رکوع و سجود را انجام می دهیم.

[تا این جا سه رکعت نماز خوانده ایم]

اگر نماز ما سه رکعتی بود همراه امام، تشهّد و سلام را می خوانیم و نمازمان را به پایان می بریم.

اگر نماز ما چهاررکعتی بود می توانیم نیم خیز بنشینیم پس از تمام شدن تشهّد و سلام برخیزیم و نمازمان را ادامه دهیم و اگر نخواستیم می توانیم پس از به جا آوردن سجده بلافاصله برخیزیم و نمازمان را ادامه دهیم.

ب: امام جماعت در حال انجام رکوع رکعت دوم است:

برای اقتدا به او ابتدا نیّت می کنیم سپس تکبیره الاحرام را با آرامشِ بدن می گوییم آن گاه به رکوع می رویم، ذکر رکوع را نیز با آرامش می گوییم آن را یک رکعت به حساب می آوریم و بقیّه نماز را (به همان شیوه ای که در قسمت الف گفتیم) به جا می آوریم.

اگر امام جماعت رکعت سوم یا چهارم نماز را به جا می آورد در این جا هم اقتدا کردن به او دو صورت پیدا می کند:

الف: امام جماعت ایستاده و مشغول خواندن تسبیحات اربعه است.

برای اقتدا کردن باید ابتدا وقت را بسنجیم چنانچه برای خواندن حمد و سوره (و یا حمدِ تنها) وقت داریم می توانیم اقتدا کنیم ولی اگر وقت، کافی نیست بنابر احتیاط واجب باید صبر کنیم تا امام جماعت به رکوع رود آن گاه به او اقتدا کنیم.

اگر وقت، کافی بود برای اقتدا کردن ابتدا نیّت می کنیم سپس تکبیره الاحرام را با آرامشِ بدن می گوییم آن گاه حمد و سوره (و اگر وقت، کم بود حمد را) آهسته می خوانیم سپس همراه با امام جماعت به رکوع می رویم و نماز را ادامه می دهیم (ادامه نماز را می توان از آن چه که قبلاً گفته شد به دست آورد و یا به توضیح المسائل مراجعه کرد.)

ب: امام جماعت در حال رکوع رکعت سوم یا چهارم است.

برای اقتدا کردن ابتدا نیّت می کنیم سپس تکبیره الاحرام را با آرامش بدن می گوییم آن گاه به رکوع می رویم و ذکر رکوع را نیز با آرامش می گوییم، آن را یک رکعت به حساب می آوریم و نماز را با امام جماعت ادامه می دهیم. (کیفیت ادامه نماز مثل قسمت الف می باشد.)(۱)

۱- ۱. توضیح المسائل، مسأله ۱۴۲۷، ۱۴۳۹، ۱۴۴۰، ۱۴۴۱، ۱۴۴۲ و ۱۴۶۱.

۱۲ سیلِ رحمت

اشاره

یآاَیُّهَا الَّذینَ امَنُوآا اِذا نُودِیَ لِلصَّلوهِ مِنْ یَوْمِ الْجُمُعَهِ فَاسْعَوْا اِلی ذِکْرِ اللّهِ وَ ذَرُوا الْبَیْعَ ذلِکُمْ خَیْرٌ لَکُمْ اِنْ کُنْتُمْ تَعْلَمُونَ.(۱)

ای کسانی که ایمان آورده ایـد، چون برای نماز جمعه نـدا در داده شد، به سوی ذکر خدا بشـتابید، و داد و سـتد را واگذارید. اگر بدانید، این برای شما بهتر است.

باز هم آسـمان ابری است، باران می آید، آب در خیابان و کوچه پس کوچه ها به راه افتاده، آب ها به هم می پیوندند، خاک و خاشاک را با خود می برنـد، دیگر در و دیوار شـهر غبارروبی شـده است، درختان و گل ها با نشاط شده اند، پرندگان نغمه شادی سر می دهند. و بار دیگر چهره شهر زیبا و آراسته گردیده، چه خبر است؟!

باز هم روز جمعه است و این سیل خروشان امّت است که به «نماز

ص: ۹۷

۱- ۱. سوره جمعه، آیه ۹.

جمعه» می آیند، می آیند تا عظمت و شکوه اسلام را به نمایش بگذارند، خار و خاشاک شرک و نفاق را از جامعه بزدایند، بر چهره دشمنان اسلام سیلی بزنند، می آیند تا از اوضاع سیاسی اجتماعی کشور خود و جهان اسلام باخبر شوند و در حلّ مشکل های آن ها شریک گردند، می آیند تا راه های مقابله با دشمنان قسم خورده اسلام را فرا گیرند، می آیند تا دست در دست هم دهند و بر فرق استکبار جهانی بکوبند، روز جمعه است، کارهامان را رها کنیم و به این جمعیّت انبوه بپیوندیم.

رسول خدا صلی الله علیه و آله وسلم فرمود: «هرکس سه جمعه پیاپی، بدون عذر، در نماز جمعه شرکت نکند بر دل او مُهری از نفاق (و دورویی) زده می شود».(۱)

امام جمعه

۱. امام جمعه از سوی ولیّ امر مسلمین (رهبر) منصوب می شود.(۲)

۲. شرایطی که درباره امام جماعت گفته شده، در امام جمعه نیز معتبر است.

۳. شایسته است امام جمعه این گونه باشد:

* از اوضاع سیاسی کشور و جهان اسلام باخبر باشد.

* مصالح اسلام و مسلمین را بشناسد.

* شجاع باشد.

* در اظهار حقّ و ابطال باطل، صریح باشد.

* از حبّ دنیا و ریاست، پرهیز کند.(۳)

برپایی نماز جمعه

۱- ۱. وسائل الشّیعه، جلد ۵، ص ۶.
۲- ۲. استفتائات، جلد ۱، ص ۲۶۸، سؤال ۴۴۰.
۳- ۳. تحریرالوسیله، جلد ۱، ص ۲۳۱ و ۲۳۴.

۱. نماز جمعه دو رکعت است مانند نماز صبح، ولی دو خطبه دارد که توسّط امام جمعه قبل از نماز بیان می شود.

۲. نماز جمعه دو قنوت مستحبّی دارد یکی در رکعت اوّل، پیش از رکوع، دیگری در رکعت دوم پس از رکوع.

۳. نماز جمعه، از نماز ظهر کفایت می کند (خواندن نماز ظهر واجب نیست).

۴. نمازگزار جمعه، بنابر احتیاط واجب باید به خطبه ها گوش دهد.(۱)

اعتکاف

بستر خویش را برچیده، کمربند همّت را محکم بسته، از خانه و زندگی بیرون آمده و به سوی مسجد می آید او به این خلوتگاه برای عبادتی بزرگ می آید.

همه ساله ده روز آخر مبارک رمضان را به این امر اختصاص می دهد(۲)، در این ایّام کارش ارتباط با خداست، گاهی دعا می خواند، گاهی قرآن تلاوت می کند، گاهی به نماز برمی خیزد، روزها روزه می گیرد، از جلوه های زودگذر و فریبنده دنیا به دور است، از خواب و استراحت صرف نظر کرده و از غوغای کوچه و بازار فاصله گرفته است.

آن قدر به این عبادت علاقمند است که چون جنگ بدر در ماه مبارک رمضان واقع شد و نتوانست به مقصود و مراد خود برسد، سال آینده بیست روز آخر ماه مبارک را به آن اختصاص داد(۳).

به راستی او کیست؟ و این عبادت باعظمت کدام است؟

او محمّد صلی الله علیه و آله وسلم است و این عبادت، «اعتکاف» است.

۱- ۱. تحریرالوسیله، جلد ۱، ص ۲۳۱ و ۲۳۵.

۲- ۲. بحارالانوار، جلد ۹۴، ص ۱۳۰.

۳- ۳. بحارالانوار، جلد ۹۴، ص ۱۳۰.

اعتکاف نه از صدر اسلام که در زمان پیامبران پیشین نیز مورد توجّه بوده است و خداوند به ابراهیم و اسماعیل امر می کند تا خانه او را برای اعتکاف کنندگان، پاک و پاکیزه کنند.(۱)

همه ساله در کشور ما در بیشتر شهرها مراسم اعتکاف برگزار می شود. شرکت جوانان در این مراسم، بر شور، حرارت، اخلاص و صفای آن می افزاید، شما نیز می توانید با گروهی از جوانان در مسجد جامع شهر خود گرد آیید و به این عبادت بزرگ بپردازید.

اعتکاف از اذان صبح شروع می شود و روز اوّل و دوم، روزه، مستحبّ است و روز سوم واجب می شود و اگر تا غروب روز سوم در مسجد بمانیم، کافی است.

در حال اعتکاف، برخی از کارها حرام است، مانند:

۱. خروج از مسجد جز برای کارهای ضروری.

۲. بوییدن عطر و گل.

۳. خرید و فروش.

۴. جدال در امور دنیایی و دینی برای غلبه بر دیگری و اظهار فضل و برتری بر او.(۲)

اعتکاف برنامه ای فشرده برای تهذیب نفس و خودسازی، دوری از شهوت ها و پیدا کردن اخلاق حسنه است اعتکاف را به تنهایی نیز می توان انجام داد و همچنین در تمام اوقات سال می توان به این عبادت پرداخت (ولی باید در روزهایی که روزه گرفتن در آن ها حرام است، نباشد).

در ایّام البیض ماه مبارک رجب یعنی روزهای سیزدهم، چهاردهم و پانزدهم این ماه برنامه باشکوه اعتکاف در بیشتر شهرهای کشورمان برگزار می شود.

۱- ۱. سوره بقره، آیه ۱۲۵.

۲- ۲. تحریرالوسیله، جلد ۱، ص ۳۰۴ و ۳۰۵.

حضور جوانان در این برنامه عبادی بسیار چشم گیر و تحسین برانگیز است.

رسول خدا صلی الله علیه و آله وسلم درباره عظمت اعتکاف کنندگان فرمود:

«اعتکاف کننده، خود را از گناه باز می دارد، بنابراین ثواب کسی را دارد که همه خوبی ها را انجام داده است.»(۱)

ص: ۱۰۱

۱- ۱. کنزالعُمّال، جلد ۸، حدیث ۲۴۰۱۲.

۱۳ در سُوگِ هجران

اشاره

یا اَیُّهَا الَّذینَ امَنُوا کُتِبَ عَلَیْکُمُ الصِّیامُ کَما کُتِبَ عَلَی الَّذینَ مِنْ قَبْلِکُمْ لَعَلَّکُمْ تَتَّقُونَ.(۱)

ای کسانی که ایمان آورده اید! روزه بر شما مقرّر شده است، همان گونه که بر کسانی که پیش از شما بودند مقرّر شده بود، باشد که پرهیزگاری کنید.

مرواریدهای اشک بر چهره رخشانش پراکنده می گشت. نشسته بود و زانوی غم را در بغل گرفته بود.

اِنگار جانش بود که از کالبد بیرون آمده بود و می رفت و او در فراقش چنین می گریست.

گاهی بر می خاست و بی تابانه چند قدمی راه می رفت، گاهی هم فروتنانه خود را به سجده می انداخت و زمزمه می کرد:

۱- ۱. سوره بقره، آیه ۱۸۳.

«درود بر تو، ای گرامی ترین وقت هایی که با ما مصاحب و یار بودی و ای بهترین ماه در روزها و ساعت ها!

درود بر تو، ای ماهی که آرزوها در آن برآورده است و کردار شایسته در آن فراوان!

درود بر تو، ای همنشینی که احترام و گرامی داشت تو هنگام آمدنت بزرگ است و غم هجران تو بس جانکاه!

درود بر تو ای همسایه ای که دل ها با آمدن تو نرم و فروتن گردید و گناهان در آن کاستی گرفت!

درود بر تو ای یاری دهنده ای که ما را بر چیره شدن بر شیطان یاری کردی، و ای همنشینی که راه های نیکی را آسان نمودی!

درود بر تو چه طولانی بودی بر گناه کاران و چه با هیبت و عظمت بودی در دل های اهل ایمان!

بارخدایا ما اهل این ماه هستیم...!(۱)

این نه یک بار که کار همه ساله او بود.

او امام سجّاد علیه السلام بود که در فراق ماه مبارک رمضان چنین می گریست.

اولیاء الهی همه دلبسته ماه مبارک رمضان و دلباخته روزه گرفتن بوده اند، آن ها در غیر ماه مبارک رمضان هم تا می توانستند روزه می گرفتند. مگر روزه، چه حقیقتی دارد که اولیاء الهی دلباخته آن بوده اند؟

قرآن روزه گرفتن را راهی مطمئنّ و امید بخش برای رسیدن به قلّه تقوا و پرهیزگاری معرّفی کرده است.

برای رسیدن به قلّه تقوا، به نیروهایی نیازمندیم که با روزه گرفتن بخشی از آن ها تأمین می شود، ما به چند تا از آن ها اشاره می کنیم.

برخی از آثار روزه

ص: ۱۰۴

۱- ۱. دعای چهل و پنجم صحیفه سجّادیّه، ص ۳۰۳ و ۳۰۴.

۱. اراده نیرومند

به دست آوردن ارزش های اخلاقی و تأمین سعادت آخرت همراه با تحمّل ناگواری هاست.

حضرت علی علیه السلام می فرماید: «اَلْمَکارِمُ بِالْم_َکارِهِ»؛ «ارزش های والای انسانی با ناگواری ها بدست می آید».(۱)

کسی که می خواهد به قلّه تقوا صعود کند، باید همّتی عالی و اراده ای پولادین داشته باشد که با روزه گرفتن، تا اندازه زیادی از آن برخوردار می شود.

۲. عزّتِ نفس

کسی که نزد دیگران خوار و ذلیل است و چشم طمع به دیگران دوخته است برای رسیدن به آب و نان برده این و آن می شود، و یا به حقّه بازی و فریب دیگران روی می آورد، او هرگز نمی تواند به سوی قلّه تقوا حرکت کند. او چون کبوتری است که در دست این و آن اسیر است.

انسان با روزه گرفتن، تا اندازه ای قلبش صاف و زلال می شود و به عظمت خود پی می برد و به خوبی درمی یابد که نباید بنده شکم بود. باید عزّت و شکوه خود را نگه داشت و از تنگناهای مالی با تحمّل گرسنگی و سختی ها پیروز و سربلند بیرون آمد.

۳. فروتنی

برای رسیدن به قلّه تقوا، باید از پرتگاه های خود بزرگ بینی و غرور و تکبر دور شد. انسان مغرور، همیشه تنهاست، هیچ کس دوست ندارد با او رفت و آمد کند؛ چرا که کسی حاضر نیست فخرفروشی او را تحمّل کند و خود را در نزد او کوچک نماید.

انسان مغرور، چون کسی است که از جمع قلّه پیمایان کناره گرفته و به

۱- ۱. غررالحکم، جلد ۱، ص ۱۹، حدیث ۴۳.

عقب برمی گردد و حرف هیچ کس را گوش نمی دهد. او هرگز قلّه را فتح نخواهد کرد. روزه او را از غرور دور و به سوی کمال و قلّه پرهیزگاری رهنمون می سازد.

۴. دوری از گناهان

در مسیر قلّه تقوا، راهزنانی کمین کرده اند تا قلّه پیمایان را با وعده های شیرین و کاذب خود از مسیر برگردانند. راهزنان قلّه تقوا؛ شیطان، هوای نفس و دوستان ناباب هستند که راهیان قلّه تقوا را به گناه دعوت می کنند.

کسی که می خواهد به قلّه تقوا برسد باید از شیرینی ها و لذّت های زودگذر گناهان به راحتی صرف نظر کند و روح پاک خود را به آن ها نیالاید.

کسی که از هوس ها و لذّت ها و گناهان دوری می گزیند، کم کم قلب او نورانی و باصفا می گردد و با چشیدن لذّت های معنوی که نصیب او می گردد، راحت تر و آسان تر و با عشق و علاقه بیشتر به سوی قلّه تقوا حرکت می کند. روزه گرفتن ما را در این راه، یاری می دهد.

فواید روزه گرفتن بیش از این هاست که ذکر شد: برخوردار شدن از صحّت جسمی، همدردی با محرومان، یادآوری گرسنگی و تشنگی روز قیامت و ده ها فایده دیگر.

برای روزه گرفتن نیّت می کنیم؛ یعنی تصمیم می گیریم برای اطاعت فرمان خدا از اذان صبح تا اذان مغرب از کارهایی که روزه را باطل می کند پرهیز کنیم عمده آن ها عبارتند از:

۱. خوردن و آشامیدن.

۲. رساندن غبار غلیظ به حلق.

۳. فرو بردن تمام سر در آب.

۴. قی کردن.

ص: ۱۰۶

۵. استمناء.

۶. باقی ماندن بر جنابت تا اذان صبح.

۷. نسبت دادنِ دروغ به خدا و پیامبر و جانشینان او(۱).

انواع روزه ها

روزه گرفتن گاهی واجب است و گاهی حرام، مستحبّ و یا مکروه.

روزه های واجب مانند: روزه ماه مبارک رمضان، روزه قضا، روزه کفّاره، و روزه ای که به سبب نذر، عهد و یا سوگند بر انسان واجب می شود.(۲)

روزه های حرام مانند: روزه عید فطر، و عید قربان، روزه مستحبّی فرزند که سبب اذیّت و آزار پدر و مادر شود، و بنابر احتیاط واجب روزه مستحبّی زن که شوهر از آن نهی کرده باشد.(۳)

روزه های مستحبّی مانند: روزه پنجشنبه اوّل و آخر ماه و هر جمعه، روز مبعث، عید غدیر و عید نوروز.

روزه های مکروه مانند: روزه عاشورا، روزه مستحبّی مهمان بدون اجازه میزبان، و روزه مستحبّی فرزند بدون اجازه پدر.(۴)

جبران ترک روزه

کسی که در ماه مبارک رمضان روزه نگرفته است براساس شرایط خاصّی که داشته باید آن را جبران کند گاهی باید آن را قضا کند، گاهی علاوه بر قضا، کفّاره نیز بر او واجب می شود، گاهی هم باید کفّاره جمع

۱- ۱. توضیح المسائل، مسأله ۱۵۷۲.

۲- ۲. العروه الوثقی، جلد ۲، ص ۱۰۵.

۳- ۳. توضیح المسائل، مسأله ۱۷۳۹، ۱۷۴۱.

۴- ۴. توضیح المسائل، مسأله ۱۷۳۹، ۱۷۴۰، ۱۷۴۱، ۱۷۴۷ و ۱۷۴۸.

بدهد و در برخی موارد مقداری طعام نیز باید به فقیر بپردازد.

قضای روزه

در برخی موارد انسان باید روزه ای را که نگرفته است قضا کند مانند:

۱. بدون این که تحقیق کند صبح شده یا نه، کاری که روزه را باطل می کند انجام دهد بعد معلوم شود صبح بوده است.

۲. مضمضه کند و آب بی اختیار فرو رود مگر آن که برای وضو باشد.

۳. غسل جنابت را فراموش کرده و با حال جنابت یک یا چند روز روزه بگیرد.

۴. در شب ماه مبارک رمضان جنب باشد و (بنا به تفصیلی که در مسأله است) تا اذان صبح از خواب سوم بیدار نشود.(۱)

قضا و کفّاره

بعضی مواقع انسان باید روزه ای را که نگرفته است قضا کند و کفّاره نیز بپردازد مانند:

۱. با توجّه و آگاهی، روزه نگرفته است.

۲. اوایل بلوغ، احتمال می داده که بالغ شده است ولی در تحقیق سهل انگاری کرده و روزه هم نگرفته است.

۳. شب ماه مبارک رمضان جنب بوده و می دانسته که اگر بخوابد تا صبح بیدار نمی شود تا قبل از اذان غسل کند و خوابیده و بیدار نشده است.

۴. با توجّه و آگاهی، روزه خود را باطل کرده است.

۱- ۱. توضیح المسائل، مسأله ۱۶۳۰ و ۱۶۸۸.

برای انجام کفّاره می توان یکی از این دو راه را انتخاب کرد:

۱. دو ماه روزه گرفت به گونه ای که سی و یک روز آن پی در پی باشد.

۲. شصت فقیر را سیر کرد و یا به هریک از آن ها ۷۵۰ گرم گندم یا برنج و مانند آن داد.

البتّه کسی که هیچ یک از این دو برایش مقدور نیست هر اندازه که می تواند باید به فقیر طعام بدهد. و اگر اصلاً نمی تواند، باید استغفار کند.(۱)

کفّاره جمع

اگر روزه دار با کار حرامی روزه خود را باطل کند بنا بر احتیاط واجب باید کفّاره جمع بدهد. یعنی دو ماه روزه بگیرد و به شصت فقیر طعام بدهد و چنانچه برایش مقدور نبود هر کدام از کفّاره ها که برایش ممکن است انجام دهد.(۲)

قضا و اطعام

در برخی موارد باید علاوه بر قضای روزه در برابر هر روز ۷۵۰ گرم طعام به فقیر بدهد مانند:

۱. در ماه مبارک رمضان به خاطر عذر، مثلاً ـ مسافرت یا بیماری روزه نگرفته است و پس از ماه مبارک رمضان با آن که عذرش برطرف شده است عمداً تا ماه رمضان سال آینده قضای روزه هایی را که خورده نمی گیرد.

۲. در قضای روزه کوتاهی کند تا آن که وقت تنگ شود آن گاه در تنگی وقت عذر دیگری برایش پیش آید مثلاً مریض شود.(۳)

۱- ۱. توضیح المسائل، مسأله ۱۶۵۸ و ۱۶۶۰.

۲- ۲. توضیح المسائل، مسأله ۱۶۶۵.

۳- ۳. توضیح المسائل، مسأله ۱۷۰۳ و ۱۷۰۶.

اطعام

اسلام دینی آسان گیر است، تمامی دستورات و فرامین آن با فطرت انسان ها هماهنگ است.

از این رو کسانی را که توان روزه گرفتن ندارند از انجام این فریضه واجب، معاف دانسته است که عبارتند از:

۱. سالخوردگان و پیران

سالخوردگان دو گروه هستند:

۱. سالخوردگانی که اصلاً توان روزه گرفتن ندارند.

۲. سالخوردگانی که روزه گرفتن برای آنان مشقّت و سختی دارد.

هر دو گروه در صورتی که پس از ماه مبارک نیز نتوانند روزه بگیرند، از روزه گرفتن معاف هستند البتّه گروه دوم باید در برابر هر روز ۷۵۰ گرم طعام به فقیر بدهند.(۱)

۲. بیماران

بیمارانی که روزه گرفتن برای آن ها ضرر دارد اگر بیماری آن ها تا ماه مبارک سال آینده طول بکشد، قضای روزه هایی که نگرفته اند بر آنان واجب نیست ولی باید در برابر هر روز ۷۵۰ گرم طعام به فقیر بدهند.(۲)

۳. بیماران مبتلا به تشنگی

بیمارانی که اگر روزه بگیرند زیاد تشنه می شوند این ها دو گروه هستند:

۱. بیمارانی که اصلاً توان تحمّل تشنگی را ندارند.

۲. بیمارانی که تحمّل تشنگی برای آنان مشقّت و سختی فراوان دارد.

۱- ۱. توضیح المسائل، مسأله ۱۷۲۵ و ۱۷۲۶.

۲- ۲. توضیح المسائل، مسأله ۱۷۰۳.

هر دو گروه در صورتی که پس ازماه مبارک نیز نتوانند روزه بگیرند از روزه گرفتن معاف هستند، ولی بنابر احتیاط واجب در حال روزه نباید بیشتر از مقداری که ناچار هستند آب بنوشند.

البتّه گروه دوم باید در برابر هر روز ۷۵۰ گرم طعام به فقیر بدهند.(۱)

۱- ۱. توضیح المسائل، مسأله ۱۷۲۷.

۱۴ صادقانه با خدا

اشاره

وَ اعْلَمُوآا اَنَّما غَنِمْتُمْ مِنْ شَیْ ءٍ فَاَنَّ لِلّهِ خُمُسَهُ وَ لِلرَّسُولِ وَلِذِی الْقُرْبی وَ الْیَتامی وَ الْمَساکینِ وَ ابْنِ السَّبیلِ اِنْ کُنْتُمْ امَنْتُمْ بِاَّللّهِ.(۱)

و بدانید که هر چیزی را به غنیمت گرفتید (و یا از راه های دیگر بدست آوردید) یک پنجم آن برای خدا و پیامبر و از آنِ خویشاوندانِ او و یتیمان و بینوایان و در راه ماندگان است اگر به خدا ایمان آورده اید.

وقتی به هوش آمد احساس خستگی شدیدی کرد. به این فکر فرو رفت که این جا کجاست و برای چه کاری به این جا آمده است. از امامزاده بیرون آمد. بار علوفه و گندم را برداشت و به طرف روستای ساروق فراهان اراک به راه افتاد.

بین راه ناخودآگاه چیزهایی می خواند، کم کم فهمید که حافظ کلّ قرآن شده است. ناگاه یاد آن دو جوانی افتاد که در باغ امامزاده نزد او آمده

۱- ۱. سوره انفال، آیه ۴۱.

بودند.

روی سکوّ کنار درِ باغ امامزاده نشسته بود و بار علوفه و گندمش را کنارش گذاشته بود که آن دو جوان خوش سیما نزد او آمدند و به او گفتند: نمی آیی برویم امامزاده، فاتحه ای بخوانیم.

محمّد کاظم گفت: چرا، می خواهم بروم.

آن دو زودتر به امامزاده رفتند و مشغول خواندن چیزهایی شدند که محمّد کاظم نمی فهمید.

یکی از آن دو به محمّد کاظم گفت: چرا چیزی نمی خوانی؟

محمّد کاظم گفت: سواد ندارم.

او دست خود را روی سینه محمّد کاظم گذاشت و فشار داد و گفت: حالا بخوان!

و محمّد کاظم همراه آن دو جوان آیه ای از قرآن را خواند.

ناگاه محمّـد کاظم خود را تنها دید و بیهوش بر زمین افتاد. محمد کاظم کم کم به روستا نزدیک می شد قلبش به شدّت می تپید، هنوز به خوبی نمی دانست چه واقعه ای برایش رخ داده است.

وقتی به روستا رسید بی درنگ نزد امام جماعت روستا رفت. او پس از امتحانات فراوانی که از محمّد کاظم کرد، به جمعیّت کثیری که بر گرد محمّد کاظم حلقه زده بودند، رو کرد و گفت:

«کارش درست شده، یک مسأله مهمّی برایش اتّفاق افتاده...»

محمّد کاظم دیگر حرفی نداشت که بگوید، تنها سخنش این بود:

«مردم! یادتان هست چند سال پیش وقتی روحانی مبلّغ به روستامان آمد و از خمس و زکات سخن به میان آورد. من با اربابم در میان گذاشتم و چون او نپذیرفت از این روستا هجرت کردم تا در جای دیگری با پول حلال زندگی کنم و سپس با درخواست شما به روستا برگشتم. از آن سال، همه ساله خمس و زکات مالم را می پردازم و تا می توانم به

فقیران کمک می کنم، خدا نیز بر من تفضّل کرد و این نعمت بزرگ را به من داد.

مردم! این راه به روی همگان باز است. شما هم تصمیم بگیرید و...»(۱)

چه زیبا و تحسین برانگیز

برخی جوانان از همان دوران کودکی با خمس و زکات آشنا می شوند و همان گونه که نماز می خوانند چنانچه اموال و درآمدی دارند، خمس و زکات آن را می پردازند.

آنان هنگامی که بالغ می شوند کاملاً با مسایل خمس و زکات آشنا هستند و در کنار نماز و روزه به آن عمل می کنند.

ما هم می کوشیم احکام خمس و زکات را فرا گرفته و به آن عمل کنیم. ابتدا با خمس و احکام آن آشنا می شویم.

در قدم اوّل باید بدانیم که اگر کسی از خودش درآمدی نداشته باشد و مخارج او را پدرش یا کس دیگری تأمین می کند خمس بر او واجب نیست ولی جوانی که کار می کند و مزد می گیرد یا اموال دیگری دارد که درآمدی از آن به دست می آید، باید خمس آن را بپردازد.

پس خمس تنها بر آدم های پولدار واجب نیست بلکه شامل همه مردم می شود یعنی:

«خمس بر تمام پسران و دختران بالغی که به گونه ای درآمدی دارند واجب است.»(۲)

آغاز سال خُمسی

ص: ۱۱۵

۱- ۱. این جریان در زمان آیت اللّه بروجردی اتّفاق افتاده، به کتاب داستان کربلائی کاظم و حافظ قرآن شدن او در یک لحظه مراجعه کنید.

۲- ۲. استفتائات، جلد ۱، ص ۴۱۹ و ۴۲۰، سؤال ۲۲۳ و ۲۲۵.

بعضی از جوانان می داننـد که بایـد خمس بدهنـد ولی می گوینـد شـنیده ایم که تنها در صورتی که پول ما یک سال نزدمان بمانـد و آن را خرج نکنیم باید یک پنجم (۲۰٪) آن را به عنوان خمس بپردازیم؛ این یک برداشت سـطحی و ناقص از خمس است.

با اندکی توجّه می توان مسأله خمس را به آسانی فرا گرفت و دیگران را نیز آگاه کرد.

۱. دسته ای، درآمدشان در تاریخ معیّنی به دستشان می رسد؛ مانند حقوق بگیران جامعه.

۲. دسته ای دیگر، درآمدشان به صورت تدریجی به دستشان می رسد؛ مانند تاجران و صنعتگران.

دسته اوّل، وقتی اوّلین درآمدشان به دسـتشان رسـید، و دسته دوم از اوّلین روزی که شروع به فعّالیّت کردند و اوّلین سود را به دست آوردند سال خمسی شان آغاز می شود.(۱)

سال خُمسی

از آغاز سال خمسـی تا گذشت یک سال کامل را «سال خمسی» می گویند. در این مدّت هر گونه درآمدی که به دست بیاید و صـرف هزینـه هـای زنـدگی شـود از قـانون پرداخـت خمس مُعـاف اسـت ؛ البته این در صـورتی است که هزینه هـا از شـأن اجتماعی ما بالاتر نباشند و در آن ها زیاده روی و اسراف نکرده باشیم.(۲)

قانون کلّی خمس

۱- ۱. استفتائات، جلد ۱، ص ۳۸۹ و ۳۹۴، سؤال ۱۳۵ و ۱۴۳.

۲- ۲. توضیح المسائل، مسأله ۱۷۷۵.

وقتی که یک سال کامل از آغاز سال خمسی گذشت به اصطلاح می گویند: «سرِ سال خمسی» است. در این زمان موظّفیم بر اساس قانون خمس به اموال و دارایی خود رسیدگی کنیم و اگر خمس به آن ها تعلّق گرفته است آن را بپردازیم.

ما به صورت کوتاه و کلّی به وظیفه «دسته اوّل» اشاره می کنیم. عمده چیزهایی که خمس به آن ها تعلّق می گیرند عبارتند از:

۱. پول: هر مقدار که در آن زمان داریم، ولی آن چه را که پدر یا مادر یا شخص دیگری به ما می دهد، هر چند اضافه آید خمس ندارد.

۲. مواد مصرفی: هر اندازه که در آن زمان داریم. موادّ مصرفی شامل خوراکی ها، نوشیدنی ها و مواد سوختی می شود.(۱)

این مطلب را به خاطر می سپاریم که اگر درآمدی، هر چند اندك و ناچیز داریم و آن را خرج زندگی مان می کنیم و یا برای زندگی آینده مان چیزی تهیّه می کنیم حتما باید سال خمسی داشته باشیم.

باید توجّه داشت که مسأله خمس، ریزه کاری هایی دارد که در این مختصر نمی گنجد.

شایسته است جوانان عزیز و پاك طینت هر ساله به دفتر مرجع تقلید خود و یا به نماینده های آنان در استان هاو شهرستان هامراجعه کنند و با محاسبه خمس و پرداخت آن هم به این فریضه بزرگ الهی جامه عمل بپوشانند و هم با ارتباط نزدیک خود با مراجع تقلید و نمایندگان آن ها، از برکات و معنویات آن ها بهره گیرند و پیوند خود را با منادیان دین و مشعل داران عزّت و سربلندی مستحکم سازند.

زکات

ص: ۱۱۷

۱- ۱. توضیح المسائل، مسأله ۱۷۸۰.

وَاَقیمُوا الصَّلوهَ وَاتُوا الزَّکوهَ وَماتُقَدِّمُوا لِاَنْفُسِکَمْ مِنْ خَیْرٍ تَجِدُوهُ عِنْدَ اللّهِ.(۱)

و نماز را به پا دارید و زکات را بدهید، و هر گونه نیکی که برای خویش از پیش فرستید، آن را نزد خدا باز خواهید یافت.

جوان به نماز ایستاده بود. آن گونه زیبا راز و نیاز می کرد که حضرت موسی علیه السلام از رفتن باز ایستاد و غرق تماشای او شد. با خود گفت: تا کنون نمازی به این زیبایی ندیده ام!

از جانب خداوند وحی آمد: «این نماز را از او نمی پذیرم تا آن که نماز را با ادای زکات بیاراید، چرا که این دو با همند.»(۲)

از ادای این واجب الهی غافل نمانیم چرا که همانند خمس، بر ما واجب است.

زکات دو قسم است: زکات مال و زکات فطره.

زکات مال

زکات مال شامل افرادی می شود که یکی از اموال زیر را دارا باشند:

از محصولات: گندم، جو، خرما و کشمش.

از دام ها: گاو، گوسفند و شتر.

از سکّه ها: طلا و نقره.

البتّه هنگامی زکات واجب می شود که: مال به حدّ نصابِ معیّن برسد و شرایط دیگر را دارا باشد.(۳)

زکات فطره

۱- ۱. سوره بقره، آیه ۱۱۰.

۲- ۲. مستدرک الوسائل، جلد ۷، حدیث ۱۶، ص ۱۷.

۳- ۳. توضیح المسائل، مسأله ۱۸۵۳ و ۱۸۵۵.

غروب شب عیـد فطر فرا رسـیده، همه از این که توانسـته انـد یک ماه روزه بگیرنـد خوشـحالند. پدر در فکر جدا کردن زکات فطره است.

زکات فطره بر هر فرد بالغ و عاقل و هشیاری که فقیر نباشـد واجب می شود یعنی باید برای خود و تمام کسانی که نان خور او هسـتند، برای هر نفر سه کیلو از گنـدم یا جو یا خرما یا کشـمش یا برنـج یا ذرّت و امثال این ها و یا پول یکی از این ها را جدا کند و فردا به مستحقّ بپردازد.

بنابراین زکات فطره ما بر عهده کسی است که مخارج ما را تأمین می کند.

توجّه داشـته باشیم که پرداخت زکات فطره را نمی توان از ظهر روز عید فطر تأخیر انداخت. ولی در هر صورت زکات فطره از عهده آدمی برداشته نمی شود.(۱)

زکـات فطره تنهـا بر روزه داران واجـب نیست بلکه بر همه افرادی که فقیر نباشـند و مخارجشـان بر عهـده دیگران (مثلاًـ پـدر) نباشد اگر نتوانسته اند روزه بگیرند یا روزه نگرفته اند واجب است.

۱- ۱. توضیح المسائل، مسأله ۱۹۹۱، ۲۰۲۹، ۲۰۳۰ و ۲۰۳۱.

۱۵ نظارت و دفاع همگانی

اشاره

کُنْتُمْ خَیْرَ اُمَّهٍ اُخْرِجَتْ لِلنّاسِ تَأْمُرُونَ بِالْ_مَعْرُوفِ وَتَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْکَرِ وَتُوءْمِنُونَ بِاللّهِ.(۱)

شما بهترین امّتی هستید که برای مردم پدیدار شده اید، به کار پسندیده فرمان می دهید و از کار ناپسند بازمی دارید و به خدا ایمان دارید.

نه، نمی مانم!

مدینه دیگر جای ماندن نیست!

دنیا دگرگون شده و ناشناسی نموده، خیرش رفته، پا در کفش می گذارد، از آن نمانده جز ریزش کاسه ای و زندگی ناچیزی چون چراگاه مرگبار!

نمی بینید حقّ را که بدان عمل نمی شود و باطل را که از آن جلوگیری نمی گردد! یادش به خیر!

۱- ۱. سوره آل عمران، آیه ۱۱۰.

آن شب برای دومین بار نزد قبر جدّم رفتم و تا به صبح گریستم و با خدایم پیمان بستم:

«بار خدایا این قبر پیغمبر توست و من هم پسر دختر پیغمبرت هستم. می دانی به چه بلایی دچار شده ام!

بارخدایا به راستی من دوست «معروف» و دشمن «منکر» هستم...!»

و آماده سفر شدم،

برادرم محمّدبن حنیفه می گریست.

گفتم: من باید بروم، قلم و دوات بیاور چند جمله ای برای آیندگان به یادگار بنویسم. بدانند چرا مرگ را پسندیدم و هدفم چه بود.

«... من برای شرّ و خودنمایی و به قصد فساد و ستم خروج نکردم، تنها برای اصلاح امّت جدّم قیام کردم می خواهم امر به معروف و نهی از منکر کنم و پیرو سنّت و روش جدّ و پدرم باشم...»(۱)

حسین رفت و تمام هستی خود را فدا کرد تا امر به معروف و نهی از منکر زنده بماند، دین پایدار بماند. من و تو نیز برمی خیزیم و راه او را ادامه می دهیم. اگر بنشینیم منکر در ما نیز نفوذ خواهد کرد از کجا؟ از ره پنهان.

مقام معظّم رهبری حضرت آیه اللّه خامنه ای «دام ظلّه» در همین راستا به شما جوانان عزیز می فرمایند:

«بر جوانان عزیز لازم است که مسأله امر به معروف و نهی از منکر را با جدّیّت پیگیری نموده، شرایط و احکام شرعی آن را با دقّت فرا گیرند و بر آنان است که این حرکت را گسترش داده و از روش های اخلاقی و کارساز برای تشویق بر انجام معروف و جلوگیری از وقوع منکرات استفاده نمایند.»(۲)

۱- ۱. نَفَس المهموم، ص ۹۶، ۹۹ و ۲۳۶.

۲- ۲. اجوبه الاستفتائات، جلد ۱، ص ۳۲۷، سؤال ۱۰۹۹.

معروف و منکر

در فرهنـگ دینی به تمـامی واجبـات و مسـتحبّات «معروف» و به تمـامی محرّمـات و مکروهـات «منکر» گفته می شود. بنابراین واداشـتن افراد جـامعه به کارهای واجب و مسـتحبّ «امر به معروف» و بازداشـتن آنان از کارهای حرام و مکروه «نهی از منکر» نامیده می شود.

البتّه تنها درباره واجبات و محرّمات ما موظّفیم امر به معروف و نهی از منکر کنیم معروف ها مانند:

نماز – روزه – رعایت حجاب – اجرای عدالت – و احترام به والدین.

منکرهـاماننـد: حرام خوری – ظلم و سـتم – جلوه گری در برابر نـامحرم – چشم چرانی – قماربـازی – اذیّت و آزار والـدین – دزدی – ارتکاب قتل و ریختن آبروی مؤمن.

جلوگیری از گناه در جامعه

پیشـگیری از بروز گناهـان علنی در جـامعه، از راه قوانین و مجازات ها به تنهایی کارساز نیست. حضور مأمور در گوشه و کنار جـامعه و نظـارت همیشـگی نـاممکن است، بهترین راه برای پیشـگیری و مقـابله، ایجـاد انگیزه عمومی بر این کـار است. ابتکار اسلام در زمینه پیشگیری و مقابله با گناهان اجتماعی، از طریق نظارت مردمی «امر به معروف و نهی از منکر» نام دارد.

اهمیّت امر به معروف و نهی از منکر تـا آنجـاست که پیامبر خـدا افراد یک جامعه را به سرنشـینان یک کشتی تشبیه فرموده اند که اگر یکی از آنان گوشه ای از کشتی را سوراخ کند، نه تنها به خود، که به دیگران نیز آسیب

ص: ۱۲۳

می رساند و همگان باید از کار او جلوگیری کنند.

واکنش های نخستین

اگر گناهی در جامعه رخ داد باید قبل از برخورد با گناه کار از آلوده شدن خود جلوگیری کنیم در این باره به چند دستور ایمنی اشاره می کنیم:

۱. به مجلس گناه نرویم.

۲. در مورد انجام گناه از هیچ کس (حتّی از پدر و مادر) اطاعت نکنیم.

۳. رضایت قلبی از عمل بدکاران، نداشته باشیم.

۴. دوستی قلبی خود را از آنان قطع کنیم.

پس از مراقبت از خود، با سعه صدر و صبر و حوصله و با انگیزه اعتلای دین به امر به معروف و نهی از منکر مبادرت ورزیم.

راه و رسم امر به معروف و نهی از منکر

امر به معروف و نهی از منکر راه و رسمی دارد، هنر می خواهد، ذوق و سلیقه می خواهد و لطافت روحی می طلبد.

با خشونت نمی توان کسی را به کاری واداشت و یا از کاری بازداشت. در امر به معروف و نهی از منکر به نکته های اساسی زیر توجّه کنیم:

۱. به جای تحقیر و توهین، ترغیب و تحسین کنیم.

۲. برای جلوگیری از منکر، خود دچار منکر نشویم.

۳. به جای پرخاش و عیب جویی، مهر و رأفت به خرج دهیم.

۴. مصلحت طرف را نادیده نگیریم.

۵. از خودخواهی و خودستایی بپرهیزیم.

۶. تنها خشنودی خدا را در نظر داشته باشیم.

۷. خود را منزّه از گناه و برتر از گناه کار نبینیم.

۸. این را بدانیم که چه بسا گناه کار دارای صفات و اعمال نیک بسیاری نیز باشد.

۹. در صورت نیاز، امر به معروف و نهی از منکر را تکرار کنیم.(۱) و بدانیم که:

به یکباری نیاید کارها راست

به باید کرد ره را بارها راست

به یک ضربت نخیزد گوهر از سنگ

به یک دفعت نریزد شکّر از تنگ(۲)

شرایط امر به معروف و نهی از منکر

امر به معروف و نهی از منکر وقتی واجب می شود که شرایط زیر موجود باشد:

۱. ابتدا، واجب و حرام، و معروف و منکر را بشناسیم.

۲. اقدام ما بی فایده نباشد، لااقلّ احتمال تأثیر بدهیم.

۳. گناه کار، درصدد ادامه و تکرار آن کار باشد.

۴. اقدام ما، ضرر جانی، آبرویی یا مالی قابل توجّه برای خودمان یا نزدیکان یا یاران و همراهانمان و یا سایر مؤمنان نداشته باشد؛ مگر آن که مسأله، خطیر و حسّاس باشد.(۳)

مراتب امر به معروف و نهی از منکر

امر به معروف و نهی از منکر را باید پله پله، آهسته، و با نرمی و لطافت

۱- ۱. تحریرالوسیله، جلد ۱، ص ۴۱۴، مسأله ۱۴.

۲- ۲. دیوان خسرو نامه عطّار نیشابوری، ص ۱۰۱.

۳- ۳. توضیح المسائل، مسأله ۲۷۹۱ و ۲۷۹۲.

و خویشتنداری عملی نمود. تنبیه گناه کار نباید به انتقام و ظلم او بیانجامد. پس با احتیاط و آرامی این مراحل را طیّ می کنیم:

۱. در مرحله اوّل بـا گنـاه کـار به گونه ای برخورد می کنیم که بفهمـد این طرز برخورد ما تنها به خاطر گناه اوست. مثلاً از او چهره برمی گردانیم یا با چهره گرفته و برافروخته با او مواجه می شویم و یا رفت و آمد خود را با او قطع می کنیم.

مراقب باشیم که در این رفتارها، حدّ اعتدال را مراعات کنیم و از زیاده روی جدّاً بپرهیزیم، چه بسا ملامت ها و برخوردهای ما گناه کار را بر ادامه کار جرأت دهد.

۲. اگر رفتارهـای ما کافی نبود به گفتار رو می آوریم و با زبان او را امر و نهی می کنیم. باز هم مراقب باشـیم زبان ما خالی از نیش باشد. با نرمی و رعایت ادب و احترام امّا با قاطعیّت و صلابت وظیفه خود را انجام دهیم.

۳. اگر رفتارها و گفتارهای ما راه به جایی نبرد متوسّل به زور و اجبار می شویم. همانطور که اگر بیمار با توصیه و نسخه بهبود نیافت پزشک متخصّص و دلسوز دست به جرّاحی می زند.(۱)

جرّاحی روحی بسـیار خطیرتر از جرّاحی بـدنی است لـذا این مرتبه، مراقبت ویژه می طلبـد. به همین منظور و برای جلوگیری از هرج و مرج و ناامنی های اجتماعی رهبر معظّم انقلاب این مرتبه را برعهده نیروهای انتظامی و قضایی می دانند.(۲)

دفاع

وَلَوْلا دَفْعُ اللّهِ النّاسَ بَعْضَهُمْ بِبَعْضٍ لَهُدِّمَتْ صَوامِعُ وَبِيَعٌ وَصَلَواتٌ وَ

۱- ۱. توضیح المسائل، مسأله ۲۸۰۵، ۲۸۱۳ و ۲۸۱۸.

۲- ۲. اجوبه الاستفتائات، جلد ۱، سؤال ۱۰۹.

مَساجِدُ يُذْكَرُ فيهَا اسْمُ اللّهِ كَثيرًا وَلَيَنْصُرَنَّ اللّهُ مَنْ يَنْصُرُهُ اِنَّ اللّهَ لَقَوِىٌّ عَزيزٌ.(۱)

اگر خدا بعضـی از مردم را به وسیله بعض دیگر دفع نمی کرد، صومعه ها و کلیساها و کنیسه ها و مساجدی که نام خدا در آن ها بسیار برده می شود، سخت ویران می شد، و قطعاً خدا به کسـی که [دین] او را یاری می کند، یاری می دهد، چرا که خدا سخت نیرومندِ شکست ناپذیر است.

اسلام، دین صلح و صفاست و همواره می کوشد تا همه مردم و ملّت ها در کنار هم برادرانه زندگی کنند ولی از آنجا که در هر زمان، ممکن است فردی یا گروهی به اسلام و مسلمانان حمله ور شده و در فکر از بین بردن آنان باشند، دفاع را بر همگان واجب کرده است.

دستور دفاع گرچه در برخی موارد همراه با کُشتار و از بین بردن اموال مهاجمان است، ولی با روحیّه انسان دوستی اسلام ناسازگار نیست همانطور که پزشك دانا و مهربان، پس از بی نتیجه ماندن دارو و درمان، عضو فاسد بدن را قطع می کند تا اعضای دیگر از خطر نابودی در امان بمانند.

انواع دفاع(۲)

۱. دفاع از اسلام و کشورهای اسلامی

۲. دفاع از جان و حقوق شخصی

دفاع از اسلام و کشورهای اسلامی

* اگر دشمن بر کشورهای اسلامی هجوم آورد،

* یا نقشه دستیابی بر منابع اقتصادی یا نظامی مسلمانان را کشیده

۱- ۱. سوره حجّ، آیه ۴۰.

۲- ۲. تحریرالوسیله، جلد ۱، ص ۴۸۵.

باشد،

* و یا نقشه سلطه سیاسی بر کشورهای اسلامی را داشته باشد، بر تمام مسلمانان واجب است با هر وسیله ممکن، در برابر هجوم دشمنان ایستاده و با نقشه ها و توطئه های آنان مخالفت ورزند.

دفاع از جان و حقوق شخصی

۱. جان مسلمانان محترم است و چنانچه کسی به انسان حمله آورد یا به افرادی که وابسته به وی هستند؛ مانند پسر، دختر، پدر، مادر و برادر هجوم آورد، دفاع و جلوگیری از او واجب است، اگرچه به قتل مهاجم بیانجامد.

۲. اگر دزدی برای دزدیدن اموال انسان هجوم آورد، دفاع و جلوگیری از او واجب است.(۱)

آموزش فنون نظامی

در این زمان که دانش نظامی پیشرفت بسزایی کرده و دشمنان اسلام به انواع سلاح های پیشرفته مجهّز شده اند، دفاع از اسلام و کشورهای اسلامی، بدون فراگیری فنون نظامی و آمادگی رزمی و تسلیحاتی ممکن نیست و از آنجا که دفاع، بدون آموزش نظامی امری است نـاممکن، بر تمـام افرادی که توانـایی و قـدرت یادگیری آن را دارنـد و احتمال می رود به شـرکت آنان در جبهه دفاع از اسلام و کشور اسلامی نیاز پیدا شود، آموزش نظامی واجب است.

۱- ۱. تحریرالوسیله، جلد ۱، ص ۴۸۵.

۱۶ در میدان تلاش

اشاره

یآا اَیُّهَا الَّذینَ امَنُوا لاتَأْکُلُو آا اَمْوالَکُمْ بَیْنَکُمْ بِالْباطِلِ اِلّآ اَنْ تَکُونَ تِجارَهً عَنْ تَراضٍ مِنْکُمْ.(۱)

ای کسانی که ایمان آورده اید اموال همدیگر را به ناروا مخورید مگر آن که داد و ستدی با تراضی یکدیگر از شما [انجام گرفته [باشد.

کوچه پس کوچه های شهر یثرب را پشت سر می گذاشتم. گویی بوی معطّر پیامبر را استشمام می کردم و صدای گامهای استوار او را می شنیدم و آن همه سخت کوشی های او را در راه دین مقدّس اسلام می دیدم.

کم کم از شهر دور شدم و به نواحی اطراف آن رسیدم، دیگر هوا بسیار گرم شده بود. از دور مردی نظرم را جلب کرد.

ایستادم و به خوبی او را نگریستم: نشسته بود و عرق ریزان سخت مشغول کار بود.

ص: ۱۲۹

۱- ۱. سوره نساء، آیه ۲۹.

با خود گفتم:

سبحـان اللّه! بزرگی از بزرگـان قریش در این ساعت روز آن هم در این گرمای سوزان چگونه به طلب دنیا مشـغول است؟ چه بهتر که او را موعظه و نصیحت کنم و او را از این کار باز دارم؟

نزدیک او رفتم و سلامش کردم:

در حالی که سخت مشغول کار بود و عرق می ریخت سلامم را به گرمی پاسخ داد.

گفتم: درشـگفتم بزرگی از بزرگـان قریش در این سـاعت روز آن هم در این گرمای سوزان این گونه در طلب دنیا خود را به زحمت انداخته است! اگر در این حال اَجَل شما فرا رسد چه می کنید؟

تبسّمی نمکین بر لب هایش نقش بست و فرمود: (ای محمّد پسر مُنْکَدر!)

اگر در این حـال اَجَلم فرا رسـد در حـالی مرگ را ملاقـات خواهم کرد که به اطـاعت خـدا مشـغولم، اطاعتی که با آن خود و خـانواده ام را از تو و مردم بی نیاز می کنم. از آن می ترسم که مرگ من را دریابـد و خـدای ناکرده، در حال گناه و معصـیت باشم.

او را شـناختم او امام محمّـد باقر علیه السـلام بود. گفتم: راست می گوییـد، خداوند رحمت خود را بر شـما فرود آرد، ابتدا در نظر داشتم شما را موعظه کنم شما من را موعظه کردید.(۱)

آری پیامبران و امامان از زحمتکشان و آبرومندانی بودند که دارایی خویش را در راه اسـلام و مسـلمانان مصـرف می کردند و خود ساده زیستی را برمی گزیدند.

بنابراین اسلام هرگز با کار، تولید، پیشرفت و تمدّن مخالف نیست

۱- ۱. وسائل الشّیعه، جلد ۱۲، ص ۱۰.

بلکه از آن حمایت کرده و بدان، جهت می بخشد.

اسلام، با تأکید فراوان از ما خواسته است که در تولید، کسب و کار، تجارت و سایر فعّالیت های اقتصادی دو نکته اساسی را مراعات کنیم:

۱. ظلم و اجحاف نکنیم.

۲. از حرام اجتناب ورزیم.

در این درس، با برخی از احکام اسلام، در این زمینه آشنا می شویم:

معاملات حرام

معاملاتی که موجب ضرر و زیان فرد، یا برخلاف مصلحت جامعه باشد حرام است که به برخی از آن ها اشاره می کنیم:

۱. خرید و فروش چیزهای زیانبار و ناپاک (نجس) مانند مُردار.

۲. خرید و فروش چیزهایی که کاربرد معمولی آن ها در گناه است؛ مانند ابزار قمار.

۳. خرید و فروش چیزی که از راه قمار یا دزدی به دست آمده باشد.

۴. فروش چیزی به دشمنان اسلام که موجب تقویت آنان بر ضدّ مسلمانان گردد؛ مانند اسلحه.(۱)

احتکار

انبار کردن موادّ غذایی مورد نیاز مسلمانان، برای گران شدن و بالا رفتن قیمت آن، «احتکار» نام دارد.

* حاکم اسلامی مُحتکر را مجبور به فروش می کند و چنانچه قیمت مناسبی برای کالای خود تعیین نکند، هرگونه که حاکم مصلحت بداند،

۱- ۱. توضیح المسائل، مسأله ۲۰۵۵.

قیمت گذاری می کند.(۱)

رشوه

حضرت علی علیه السلام می فرماید:

«هر مسؤولی که از رسیدگی به کارهای مردم خودداری ورزد، خداوند در روز قیامت او را ناکام و از خود دور خواهد ساخت، و اگر در برابر انجام وظیفه هدیه ای بگیرد، گریبانگیر او خواهد شد و اگر «رشوه» بگیرد، به خدا شرك ورزیده است.»(۲)

* کسی که رشوه می دهد تا به ناحقّ به سود وی حکم کنند و نیز گیرنده رشوه، هر دو گناه کارند.

* رشوه اگرچه به عنوان «هديّه»، «پيشكش» و «حقّ حساب»، و مانند آن باشد، حرام است.

* بر رشوه گیر واجب است چیزی را که گرفته به صاحبش برگرداند.(۳)

ربا

در اسلام اندوختن و راکد گذاشتن ثروت بدون بهره گیری اقتصادی از آن پسندیده نیست ولی برای به کار گرفتن ثروت و شیوه سودآوری آن مقرّرات ویژه ای است که با عمل به آن ها سلامت اقتصادی جامعه محفوظ می ماند و انسان ها از فزون طلبی و دست اندازی به اموال دیگران و تجاوز به حقوق یکدیگر در امان می مانند. یکی از شیوه های نادرست سودآوری از نظر اسلام ربا گرفتن است:

اقسام ربا

۱- ۱. تحریرالوسیله، جلد ۱، ص ۵۰۱.

۲- ۲. عقاب الاعمال، ص ۳۵.

۳- ۳. تحریرالوسیله، جلد ۲، ص ۴۰۶، مسأله ۶.

۱ـ ربا در خرید و فروش

اگر کسی کالایی را با کالای هم جنس، مبادله کند و در مقابل، از همان جنس افزون تر بگیرد (مانند فروش ۱۰ کلیو گندم، به ۱۲ کیلو گندم) یا علاوه بر آن کالا، مقداری پول بگیرد، ربا و حرام است.

* مبادله کالاهای هم جنس زمانی ربا است که دو شرط داشته باشد:

۱. دو کالا از نظر مردم و بازار، هم جنس قلمداد شوند؛ مانند گندم و گندم: گندم و جو، خرما و رطب، انگور و کشمش.

۲. مبادله رایج آن ها با پیمانه و وزن باشد نه با اندازه گیری های دیگر؛ مانند شمارش.(۱)

* برای رهایی از ربا، می توان یکی را فروخت و با پول آن و افزودن مقداری بر آن، کالای دیگر را خرید.

۲ـ ربا در قرض(۲)

قرض دادن از کارهای مستحبّی است که پاداشی بالاتر از صدقه دارد؟ صدقه ۱۰ ثواب و قرض ۱۸ پاداش، ولی باید از گرفتار شدن در دام ربا پرهیز کرد.

ربـا در قرض، وقـتی است که قرض دهنـده، مقـداری بیشـتر از آن چه پرداخته، دریـافت کنـد و این دریـافت اضـافی، براسـاس قرارداد قبلی باشد. ولی اگر قرض گیرنده بدون قرارداد قبلی، چیزی به عنوان تشکّر و سپاس به قرض دهنده بدهد، ربا نیست و گرفتن آن نیز اشکال ندارد.(۳)

رَهن

رهن، پیشتوانه قرض است؛ بدین شکل که بدهکار مقداری از مال

۱- ۱. توضیح المسائل، مسأله ۲۰۷۲.

۲- ۲. تحریرالوسیله، جلد ۱، ص ۵۳۶۲.

۳- ۳. توضیح المسائل، مسأله ۲۲۸۳.

خود را نزد طلبکار به عنوان «گِرو» می گذارد تا در صورت تخلّف از پرداخت، طلبکار حقّ خود را از آن مال بردارد.(۱)

گِرو، امانت است و گرو گیرنده (طلبکار) حقّ استفاده کردن از آن را ندارد.

اجاره

در اجاره باید این شرایط مراعات شود:

۱. مال و ملک، قابل بهره برداری حلال باشد.

۲. اجاره گیرنده (مستأجر) آن را برای استفاده حلال اجاره کند.

۳. مدّت اجاره، معیّن باشد.

۴. کرایه و اجاره بها نیز معیّن باشد.(۲)

احکام اجاره

۱. مال و ملک در دست مستأجر امانت است، بنابراین اگر در نگهداری آن کوتاهی نماید، ضامن است.(۳)

۲. پس از قرارداد اجاره، اگر مستأجر آن را تحویل نگیرد یا از آن استفاده نکند، باید اجاره بها را بپردازد.(۴)

۳. با پایان یافتن مدّت اجاره، مستأجر باید مال یا ملک را به صاحبش تحویل دهد، و اگر بدون رضایت او از آن استفاده کند، گناه کرده و ضامن اجاره بهای آن است.

۴. اگر اجاره دهنده شرط کند که مستأجر، فقط خودش از آن مال یا ملک استفاده کند، مستأجر حقّ ندارد آن را به دیگری اجاره بدهد.(۵)

۱- ۱. توضیح المسائل، مسأله ۲۳۰۰.
۲- ۲. توضیح المسائل، مسأله ۲۱۸۷.
۳- ۳. توضیح المسائل، مسأله ۲۱۹۹.
۴- ۴. توضیح المسائل، مسأله ۲۱۹۶.
۵- ۵. توضیح المسائل، مسأله ۲۱۸۰.

رهن و اجاره

آن چه امروزه به نـام «رهن و اجـاره» مرسوم است که مسـتأجر مبلغی پول از پیش به اجـاره دهنـده می دهـد و در مقابل، اجاره کمـتری می پردازد، چـون شــرایط رهـن را نـدارد و کـم کردن اجـاره هـم در برابر پـولی اسـت کـه مســتأجربه اجـاره دهنـده پرداخته،درحکم رباوحرام است.

برای رهـایی از ربـا می توان به روش «اجـاره به شـرط قرض» عمـل کرد؛ یعنی منزل، به مبلغ مورد توافق طرفین اجـاره داده می شود و در قرارداد، شرط می شود که مستأجر مبلغ معیّنی از پیش، به عنوان «قرض» به مدّت معیّنی به اجاره دهنده بپردازد.(۱)

۱- ۱. استفتائات، جلد ۲، سؤال ۲۸، ۳۴ و ۳۵.

۱۷ فریب گاهِ شیطان

اشاره

ترک لذّت ها و شهوت ها سَخاست هرکه در شهوت فرو شد برنخاست(۱) بوی پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم می آمد، به شهری نزدیک می شدم که روزگاری نه چندان دور پاک ترین انسان ها را در آغوش داشت. شهری که جای جایش خاطراتی شیرین از او در دل نهان داشت، گرچه در این شهر، غریب بودم ولی دوست داشتم چند روزی در این شهر پرخاطره بمانم و از محضر یادگار پیامبر، امام صادق علیه السلام بهره ببرم و سرانجام پس از جستجوی فراوان به خانه ای وارد شدم که دو اتاق تودرتو داشت و زنی در آنجا زندگی می کرد.

زن گفت: این اتاق را کرایه می کنی؟

گفتم: میان این دو اتاق، دری است و من هم جوانم.

۱- ۱. دیوان مثنوی معنوی مولوی، ص ۹.

گفت: من در را می بندم.

وسایلم را در اتاق گذاشتم و گفتم در را ببند!

گفت: از این جا نسیمی به من می وزد، رهایش کن!

گفتم: هرگز، هر دو جوانیم، در را ببند!

گفت: در اتاقت بنشین، من به سراغت نمی آیم و کاری به شما ندارم.

به محضر امام صادق علیه السلام شرفیاب شدم و درباره آن مسأله پرسیدم، فرمود: از آنجا برو!

مرد و زن چون در جای خلوتی قرار گیرند سومی آن ها شیطان است.(۱)

نگاه

نگاه ها همیشه یکسان نیستند، گاهی آدم به چهره مادر و پدرش از روی رأفت و ادب نگاه می کند، گاهی به خواهرش از روی محبّت می نگرد، گاهی هم به مناظر زیبا و دل انگیز طبیعت چشم می دوزد و لذّت می برد.

چشم، از مناظری که می بیند، فیلم و عکس تهیّه، و در مخزن خیال بایگانی می کند. گاهی هم در سالن خیال می نشیند و به تماشای آن ها می پردازد.

باید مراقب باشیم که چشمان ما از مناظر شهوت آلود فیلم و عکس تهیّه نکند و اگر به این اشتباه و گناه دچار شدیم فوری آن را پاک کنیم.

با اشک و آه و توبه می توان آن منظره های شهوت آلود را از ص خیال خود پاک کرد.

توجّه داشته باشیم:

نگاه آلوده به هیچ چیز و هیچ کس جایز نیست.

۱- ۱. من لایحضره الفقیه، جلد ۳، ص ۲۵۲.

به زن های نامحرم هم نبایـد به قصـد لـذّت نگاه کنیم البتّه نگاه به صورت و دست ها تا مچ، اگر بدون زینت و آرایش و زیور باشند حرام نیست گرچه بهتر است تا می توانیم نگاه نکنیم.

و اگر کسی به همجنس خود - مثلاً پسری به بدن پسر دیگری - هم از روی شهوت نگاه کند، حرام است.(۱)

نگاه به خانه دیگران

خانه دیگران، محلّ آسایش و استراحت آن هاست کسـی حقّ ندارد به خانه دیگران سر بکشد و یا با دوربین و وسائل دیگر از دور نگاه کنـد تا به چیزهایی که بر او حرام است نگاه کنـد مثلاً به ناموس مردم نگاه کنـد و اگر چنین خطایی را مرتکب شـد، اهل خانه وظیفه دارند او را از این کار بازدارند و چنانچه نتوانستند بنا به فتوای مقام معظّم رهبری در باب امر به معروف و نهی از منکر، باید از توسّل به زور و خشونت بپرهیزند و مسأله را به نیروهای انتظامی و قضایی ارجاع دهند.

فیلم و عکس

طبع آدمی به ویژه جوان خواهـان تماشـای فیلم ها و عکس های جاذب، زیبا و دلفریب است ولی بایـد خود را از فرو افتادن به دام هوس ها حفظ نمود.

بنابراین نگاه کردن به عکس ها، نقّاشی ها، و فیلم ها در صورتی که محرّک غریزه جنسی باشند جایز نیست.

علاوه بر این، باید توجّه داشته باشیم که نگاه کردن به عکس ها،

۱- ۱. توضیح المسائل، مسأله ۲۴۳۳ و ۲۴۳۸.

نقاشی ها و فیلم هایی که بانوان در آن، پوشش کامل ندارند در صورتی جایز است که:

۱. آن شخصِ نامحرم را نشناسیم.

۲. نگاه به او، مفسده آور نباشد.

۳. از روی شهوت و برای لذّت بردن به او نگاه نکنیم.(۱)

مقام معظّم رهبری (دام ظلّه) می فرمایند:

«هرگونه فیلمی که در ساختن آن ضوابط شرعی اهمال شود و یا مفاسدی بر آن مترتّب باشد اشکال دارد، بلکه ساختن و تماشای آن جایز نیست.»(۲)

رابطه دختر و پسر

اسلام کوشیده است تا روابط دختران و پسران را به گونه ای تنظیم کند که احتمال بروز هر گونه آلودگی و تباهی از میان برداشته شود.

روح حاکم بر روابط پسران و دختران باید روح پاکی و عفاف باشد. جوامعی که روابط دختران و پسران را تا اندازه ای آزاد گذاشته اند تجربه تلخی را متحمّل گشته اند و به اشتباه خود اعتراف دارند.

دین مترقّی اسلام می گوید: قلب با نگاه های آلوده، برخوردهای ناسالم و غیرعفیفانه کم کم تاریک می گردد، یاد خدا از قلب بیرون می رود، جاذبه نیرومند تمایلات جنسی بر آدمی غالب می شود، و چه بسا جوان دچار بلای خانمانسوز عشق و محبّت نابجا گردد.

مفضّل می گوید: از امام صادق علیه السلام درباره عشق نابجا پرسیدم فرمود:

«قلب هایی هستند که از یاد خدا خالی می شوند، خدا نیز (عشق) و

۱- ۱. احکام خانواده، عبدالرّحیم مُوگهی، ص ۲۹۵ و ۲۹۶.

۲- ۲. احکام هنری، ص ۱۱، سؤال ۷۷.

محبّت غیر خود را به آنان می چشاند.»(۱)

و اگر کسی به این بلای خانمانسوز دچار شد باید با عفّت و پرهیز و خود نگه داری خود را نجات دهد.

پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم فرمود:

«برگزیدگان امّت من کسانی هستند که چون به بلایی دچار شوند عفّت می ورزند پرسیدند: آن کدامین بلاست؟

فرمود: عشق (نابجا).»(۲)

دستورات و احکام اسلام همه حکیمانه و عادلانه است. اسلام نمی خواهد بی جهت برای کسی محدودیّتی قائل شود و او را در تنگناهای اجتماعی قرار دهد. همه این احکام که به ظاهر محدود کننده هستند جهت حفظ آبرو و احترام انسان اند.

مکالمه

سخن گفتن پسران و دختران باید سالم، سنگین و به دور از هرگونه سودجویی باشد. خدا بر نیّت ها و خیال های ما آگاه است.

سلام و احوالپرسی

هرگونه برخورد پسران و دختران باید در فضایی سالم و محیطی به دور از احتمال آلودگی باشد.

با آن که سیره پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم این بود که به همه سلام می کرد و امامان معصوم علیهم السلام نیز به پیروی از ایشان چنین می کردند از حضرت علی علیه السلام پرسیدند چرا به دختران جوان سلام نمی کنید؟

فرمود: «می ترسم آهنگ صدایشان من را جذب کند، آن گاه زیانی که به من می رسد بیشتر از ثواب سلام کردن به آن ها باشد.»(۳)

۱- ۱. بحارالانوار، جلد ۷۳، ص ۱۵۸.

۲- ۲. کنزالعُمّال، جلد ۳، ص ۷۷۹.

۳- ۳. وسائل الشّیعه، جلد ۱۴، حدیث ۳، ص ۱۷۳ و ۱۷۴.

دستورالعملی به جوانان

پافشاری اسلام به جوانان این است که هرچه سریعتر تشکیل خانواده داده و نیروی غریزی خود را از راه طبیعی و مشروع، ارضاء کنند. بنابراین هرگونه کامجویی و لذّت جویی غیرطبیعی و نامشروع، حرام و ممنوع است و چه بسا جوانانی که با خودارضایی جسم و روان خود را به تباهی می اندازند، و یا به آلودگی های دیگر تن می دهند. مسلّماً جوانان پاک طینتی که با تعالیم نجات بخش اسلام آشنا هستند هرگز به انحراف و آلودگی تن نخواهند داد.

ولی اگر به هر دلیلی موفّق به ازدواج نشدند به این توصیه و دستورالعمل، توجّه می کنند:

شخصی نزد پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم آمد و از بی همسری شِکوه کرد! پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم او را به روزه گرفتن و مداومت بر آن توصیه فرمود.

آن شخص چنین کرد و غریزه اش را تعدیل کرد.(۱)

بنابراین به خاطر داشته باشیم که کم خوری و به ویژه روزه گرفتن باعث سلامت تن و روان ما می گردد و بهترین عامل برای فرو کاستن شهوت و تعدیل غریزه جنسی است. ما می توانیم در کنار روزه گرفتن با پرداختن به سایر عبادات و دعاها، ورزش، و اشتغال به کار و تلاش، اوقات فراغت خود را پر و غریزه خود را تعدیل کنیم.

۱- ۱. وسائل الشّیعه، جلد ۱۴، حدیث ۱، ص ۱۷۸.

۱۸ دیگر هرگز

اشاره

اِنَّ هذَا الدّینَ لَمَتینٌ.

پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم فرمود: این دینِ (اسلام)، سنگین و بامتانت است.(۱)

سپیده، دمیده بود و صبح، چهره می گشود. گنجشکان از آشیان های خود به فضای باز و شفّاف شهر بال می گشودند. آفتاب از پشت شاخه های نخل ها نمایان می شد.

لباس هایم را به تن پوشاندم، ردایم را برگرفته و آرام آرام از کوچه پس کوچه های شهر به راه افتادم. آفتاب همه جا فرا گستر شده بود که به آنجا رسیدم.

دیگر قلبم بیشتر می تپید، لب هایم خشکیده بود، و چشمانم از حدقه بیرون می آمد.

«نکند دقّ الباب کنم و در بزنم و مرا به حضور خود نپذیرد.»

۱- ۱. سیره نبوی، شهید مطهّری، ص ۲۱۲.

در که باز شد قلبم فرو ریخت، نگاهم را زیر انداختم و به همه اهل مجلس سلام کردم.

امام صادق علیه السلام با تبسّم مرا به حضور پذیرفت.

در بین حاضران در مجلس نشستم. دلم شور می زد، می دانستم گناه کارم. چه شب ها و روزهایی که به لهو و لعب و بیهودگی و هرزگی عمرم را تباه کرده بودم؛ از موسیقی حرام اجتناب نمی کردم و به خوانندگان و نوازندگان بی بند و بار گوش فرا می دادم.

زیر چشم به چهره تابناک جانشین پیامبر می نگریستم،

چهره اش چنان می نمود که از کارهای من باخبر است.

و سرانجام لب هایش چون صدف گشوده شد و مرواریدهای رخشان کلامش را به جمعیّت نثار کرد.

«خوانندگی و نوازندگی!

از این کارها خود را دور نگه دارید!

از گفتار باطل بپرهیزید!»

و این سخنان را تکرار کرد و تکرار کرد.

کم کم فهمیدم قلب مرا هدف گرفته است و گویی به من می گوید:

محمّدبن عَمرو! با شما هستم!

مجلس بر من تنگ آمد، آرزو کردم: «ای کاش زمین دهان باز می کرد و مرا فرو می برد، چرا قلب و روانم را به گناه و حرام آلودم!»(۱)

خوانندگی و نوازندگی

گاهی صدا و آواز به گونه ای است که اسلام آن را حرام و ممنوع دانسته است، و آن در جایی است که دو ویژگی را دارا است:

۱- ۱. وسائل الشّیعه، جلد ۶، حدیث ۲۴، ص ۲۳۰.

۱. طرب انگیز است، یعنی حالتی سبک به آدمی دست می دهد که از یاد خدا دور و به گناه متمایل می شود. گاهی نیز آدمی را به گریه یا خنده بی اراده وامی دارد.

۲. متناسب با مجالس لهو و لعب و همراه با آلات و ادوات موسیقی است که خوشگذرانان و شهوترانان به پا می کنند.(۱)

در استفتائاتی که از مقام معظّم رهبری شده است این نکته ها می درخشند:

۱. گوش دادن به نوار خوانندگی یا نوازندگی لهوی مُطرب که مخصوص مجالس لهو و لعب باشد، جایز نیست.(۲)

۲. خرید و فروش و تبلیغ و تکثیر نوارهای ترانه مبتذل و فسادانگیز جایز نیست.(۳)

۳. پخش موسیقی در رادیو و تلویزیون دلیل بر حلال بودن آن نیست.(۴)

ایشان به مسئولان فرهنگی با تأکید فراوان می فرماید:

«آموزش موسیقی و نوازندگی به نونهالان و نوجوانان موجب انحراف آنان و ترتّب مفاسد است. و جایز نیست و بطور کلّی ترویج موسیقی با اهداف عالیه اسلامی منافات دارد.

مسئولین فرهنگی مجاز نیستند سلیقه های شخصی خود را به اسم نشر فرهنگ و معارف در آموزش و پرورش نوجوانان به کار گیرند.»(۵)

بنابراین باید بکوشیم روح لطیف و زیباپسند خود را که خواهان شنیدن نغمه های خوش و آواها و نواهای دل انگیز است از آلوده شدن به گناهان و حرام ها دور نگه داریم و موسیقی لهوی را با غیرلهوی اشتباه

۱- ۱. احکام هنری، ص ۶ و ۷، سؤال ۴۸.
۲- ۲. احکام هنری، ص ۱۴، سؤال ۱۰۶.
۳- ۳. احکام هنری، ص ۶، سؤال ۴۴.
۴- ۴. احکام هنری، ص ۶ و ۷، سؤال ۴۸.
۵- ۵. احکام هنری، ص ۶، سؤال ۳۸.

نگیریم.

لباس و آرایش

اسلام با تمیزی، نظافت و بهداشت مخالف نیست. جوان نباید ژولیده و به هم ریخته باشد. اما نباید هم به گونه ای خود را آراسته کندکه خود و دیگران را به گناه و شهوت متمایل کند.

جوان مسلمان، فرهنگ غنیّ و سرشاری دارد. زیبنده او نیست که در انتخاب لباس و آرایش از فرهنگ بیگانگان تقلید کند و خود را به شکل آنان درآورد.

بنابراین در انتخاب لباس، این معیارها را فرادید خود قرار دهیم:

۱. نوع رنگ و مُدل لباس ما، مفسده انگیز نباشد.

۲. نوع رنگ و مُدل لباس ما، تبلیغ و ترویج فرهنگ بیگانه نباشد.(۱)

۳. مرز خود را با بانوان حفظ کنیم و از پوشیدن لباس حریر و طلاباف بپرهیزیم(۲) چون حرام است.

توجّه داشته باشیم که نباید خود را به طلا بیاراییم.(۳) که استفاده از آن برای مردان حرام است و نیز بکوشیم در آراستن موی سر و صورت از مدل های بیگانگان استفاده نکنیم و این نکته را هم به خاطر بسپاریم که:

«تراشیدن تمام یا قسمتی از موی صورت، بنابر احتیاط واجب، حرام است. ولی اصلاح آن و تراشیدن اطراف آن (مثلاً گونه ها و زیر گلو) اشکال ندارد.»(۴)

۱- ۱. استفتائات ستاد امر به معروف و نهی از منکر خوزستان، ص ۵.

۲- ۲. توضیح المسائل، مسأله ۸۳۱، ۸۳۴ و ۸۳۵.

۳- ۳. توضیح المسائل، مسأله ۸۳۲.

۴- ۴. استفتائات، جلد ۲، ص ۳۲، سؤال ۸۴ و ۸۷.

۱۹ مرحبا به این جوان

اشاره

به روزگـار جـوانی خوش است کوشـیدن چرا که خوشـتر از این، وقت و روزگـاری نیسـت(۱) هنوز نَفَس صـبح برنیامـده بود. کوچه هـای یثرب سـاکت و خاموش در انتظار گام های مردانی نشسـته بودنـد که هر روز زود هنگام از آن جا می گذشـتند و برای تلاش و کار به صحرا و باغ می رفتند.

پیامبر صـلی الله علیه و آله وسـلم در حلقه یارانش چون ماه می درخشید که نگاهش به جوانی افتاد که سخت مشغول کار بود. کم کم همه نگاه ها به آن نقطه دوخته شد.

چه جوان سخت کوشی! ولی حیف که نیرویش را هدر می دهد، کاش توانمندی هایش را در راه خدا به کار می گرفت!»

پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم با شنیدن این سخنان نگاهش را از جوان برداشت و با

ص: ۱۴۷

۱- ۱. گلچینی از اشعار پروین اعتصامی، ص ۱۱۰.

لحنی مهربان و حکمت آموز گفت:

نه، این گونه داوری نکنید!

«این جوان، اگر برای خود، کار می کند تا نزد دیگران دست نیاز دراز نکند، این، در راه خداست، اگر برای پدر و مادر ناتوان خود و یا خانواده ای بی بضاعت کار می کند، باز هم در راه خداست، البتّه اگر برای فخرفروشی و مال اندوزی فعّالیت می کند، این، در راه شیطان است.»(۱)

شایسته است ما جوانان در ایّام فراغت از تحصیل، به کار و تلاش در زمینه های گوناگون اقتصادی بپردازیم تا هم به جامعه و خانواده خدمت کنیم و هم هزینه های جاری خود را تا اندازه ای تأمین کنیم. این گونه کارها بر شرافت ما می افزاید و از عبادت های بزرگ به حساب می آید.

شرکت در مجالس و محافل

پیامبر و امامان معصوم علیهم السلام از همه، به ویژه از جوانان، می خواهند که بر سر راه مردم بی جهت گرد هم نیایند و اگر برای ضرورتی می ایستند، چشم خود را از ناموس مردم حفظ کنند.

یکی از بهترین کارها در ایّام فراغت، شرکت در مجالس و محافل مذهبی است. مجالسی که به یاد اهل بیت علیهم السلام تشکیل می شود و مجالس و محافل قرآنی.

پیامبر فرمود:

«هر گروهی که در مجالس قرآنی مساجد شرکت کنند، به یقین، آرامش بر آن ها نازل می شود، رحمت الهی آن ها را در برمی گیرد و خداوند از آن ها در نزد مقرّبان خود به نیکی یاد می کند.»(۲)

در کنار این ها، مجالس و محافلی تشکیل می شود که باید به شدّت از

۱- ۱. محجّه البیضاء، جلد ۳، ص ۱۴۰.

۲- ۲. مستدرک الوسائل، جلد ۳، حدیث ۲۰، ص ۳۶۳.

آن ها بپرهیزیم؛ مجالس گناه و معصیت، مجالسی که از یاد و نام خدا و اهل بیت علیهم السلام خبری نیست، به دین و مقدّسات دینی اهانت می شود، و عفّت عمومی در آن ها مراعات نمی گردد.

به چند استفتاء از مقام معظّم رهبری در این باره توجّه فرمایید:

خانه های موسیقی

طبق برنامه ریزی اعلام شده، بنابراین است که خانه های موسیقی و هنرستان هایی در این رابطه در شهرستان ها تشکیل شود که با عکس العمل مردم مواجه شده است نظر حضرتعالی در رابطه با رواج موسیقی چیست؟

- آموزش موسیقی و ترویج آن برای نوجوانان با اهداف نظام جمهوری اسلامی سازگار نیست.(۱)

مجالس و محافل غیرمتخصّصان دینی

برخی که در مسایل دینی و احکام شرعی متخصّص و صاحب نظر نیستند مجالسی تشکیل می دهند و در این باره اظهارنظر می کنند، شایسته است که در این مجالس و محافل شرکت نکنیم چه بسا سخنان آنان در ما تأثیر بگذارد و ما را نسبت به دین سست کند.

مقام معظّم رهبری به این افراد می فرمایند:

«اظهارنظر در مسایل دینی و احکام شرعی بر کسانی که صاحب نظر نیستند جایز نیست، و بر مؤمنین واجب است در تمام احکام دینی به مراجع بزرگوار تقلید و اسلام شناسان مورد وثوق و اعتماد مراجعه

۱- ۱. ویژه نامه فرهنگ اسلام، بهار ۱۳۷۸، ص ۴.

نمایند.»(۱)

مطالعه آزاد

اسلام، همانگونه که غذای مادّی را برای رشد و نموّ بدن لازم می داند و با تأکید فراوان از ما می خواهد که از چیزهای حرام، نجس و آلوده پرهیز کنیم، همینطور غذای فکری و علمی را برای روح و روان ما لازم می داند و با تأکید بیشتر از ما می خواهد که از غذاهای فکری و علمی آلوده بپرهیزیم.

بنابراین ما که می خواهیم قسمتی از ایّام فراغت خود را با مطالعه کتاب های غیردرسی، مجلّه ها و روزنامه ها سپری کنیم باید نسبت به انتخاب مطالب، حسّاسیّت داشته باشیم.

مطالبی را انتخاب کنیم که نسبت به نویسندگان آن ها مطمئنّ هستیم امّا نسبت به مطالبی که به گونه ای است که عقاید ما را سُست می کنند و یا اخلاق ما را فاسد می کنند و یا ما را از تسلیم در برابر احکام و تعالیم نورانی اسلام دور می کنند بپرهیزیم.

امام جواد علیه السلام می فرمایند:

«هر کس به گوینده ای گوش فرا می دهد (و یا مطالب نویسنده ای را مطالعه می کند) در واقع او را می پرستد، بنابراین اگر گوینده از خدا می گوید او نیز به پرستش خدا مشغول است و اگر از زبان ابلیس می گوید او نیز به پرستش ابلیس مشغول است.»(۲)

بنابراین باید از مطالعه مطالب باطل و گمراه کننده خودداری کنیم. تنها کسانی مجازند این مطالب را مطالعه کنند که غرض صحیح و عاقلانه ای

۱- ۱. فرهنگ اسلام، سال سوم، شماره ۳۱، ص ۳.

۲- ۲. بحارالانوار، جلد ۱، ص ۹۴.

داشته باشند مثلاً:

۱. قصد پاسخگویی به آن ها را داشته باشند.

۲. صلاحیّت این کار را داشته باشند.

۳. از تقوای لازم برخوردار باشند تا گمراه نشوند.

بنابراین کسانی که اطّلاعات سرشار از دین ندارند و یا از تقوای لازم بهره مند نیستند مطالعه این مطالب برای آن ها مضرّ است و باید از خرید، نگهداری و حفظ این مطالب خودداری کنند.(۱)

میهمانی و دید و بازدیدها

بخشی از ایّام فراغت ما با شرکت در میهمانی ها و دید و بازدیدها سپری می شود.

نکته مهمّی که در این مورد باید فرادید ما جوانان باشد این است که چشم خود را از نگاه به نامحرمان و زیبایی های آنان حفظ کنیم.

شاید تاکنون دیده باشید که برخی نسبت به غریبه ها خود را حفظ می کنند ولی نسبت به اقوام و خویشان نزدیک خود، اصلاً مراعات نمی کنند فکر می کنند آن ها محرم او هستند.

این کار، اشتباه و از فرهنگ ناب اسلامی به دور است.

توجّه داشته باشیم افرادی چون زن دایی و دختر دایی، زن عمو و دختر عمو، دختر خاله، دختر عمه، و زن برادر نسبت به ما نامحرم هستند و با سایر نامحرمان تفاوتی ندارند.

و چون ازدواج کردیم باید بدانیم که خواهر زن و دختر او برای ما محرم نیستند.

۱- ۱. تحریرالوسیله، جلد ۱، ص ۴۲۹، مسأله ۱۵.

۲۰ دردی جانکاه

اشاره

روز جوانی آن که به مستی تباه کرد پیرانه سر شناخت که بخت جوان نداشت آگه چگونه گشت ز سود و زیان خویش سوداگری که فکرت سود و زیان نداشت(۱) بچه ها روز به روز بیشتر به من حسّاس می شدند؛ چون دیگر منوچهر همیشگی نبودم، دیگر هیچ کس از درس و انضباط من تعریف و تمجید نمی کرد. بیشتر اوقات موهایم ژولیده بود و لباس هایم کثیف و نامرتّب. کم کم دوستان خوب و صمیمی ام دور و برم را خالی می کردند. خودم هم علاقه ای به صحبت با آنان نداشتم حتّی سعی می کردم از خواهران و برادران و اقوام نزدیک هم فاصله بگیرم.

اغلب اوقات پدر و مادرم به رفت و آمدهای نامرتّب من مشکوک

ص: ۱۵۳

۱- ۱. گلچینی از اشعار پروین اعتصامی، ص ۳۵.

می شدند. بعضی وقت ها مادرم که می خواست لباس هایم را بشوید آن ها را بو می کرد و سری تکان میداد. از آن پس لباس هایم را از آن ها مخفی می کردم.

تا می توانستم سعی می کردم حالت خواب آلودگی و چرت های بی موقعی را که به سراغم می آمد از دیگران پنهان کنم. ترجیح می دادم هنگام استراحت درب اتاقم را قفل کنم تا کسی بی خبر بر من وارد نشود.

کمتر کسی لبخند را بر چهره ام می دید. بعضی وقت ها گوشه ای ساکت می نشستم، بعضی مواقع هم حرف های بی جا و بی ربط می زدم. دروغگویی مشخّصه من شده بود. دیگر به عهد و پیمان هایم پای بند نبودم.

اشتهایم به غذا کم و کمتر می شد، اندامم لاغر و رنگم زرد و لب هایم سیاه می شد. از کارهای سنگین و جسمانی تا می توانستم فرار می کردم.

همیشه وقتی آن شب را به خاطر می آورم تا می توانم سیامک را لعن و نفرین می کنم. آن شب تازه از کتابخانه محلّه مان به خانه برمی گشتم که با موتور جلو من آمد و با آغوش باز مرا در بغل گرفت.

پیش از این هم بارها به من اظهار محبّت کرده بود ولی چون به او مشکوک بودم به او اعتنایی نمی کردم. اهل درس و پاکدامنی نبود.

نمی دانم چرا این بار وقتی به من گفت: این همه درس که تو می خوانی اگر در کنارش تفریح و استراحت نباشد مغزت از کار می افتد، بیا برویم چند دقیقه ای منزل ما و با دوستان دیگر در کنار هم شاد باشیم؛ ناخودآگاه پذیرفتم و رفتم.

در بین راه از رفتار نامناسبی که از او دیدم بارها می خواستم بگویم: سیامک دستت درد نکند من امشب کار دارم مرا به خانه خودمان ببر. ولی باز هم چیزی نگفتم.

وقتی در جمع دوستان او وارد شدیم چنان با سلام و احترام مرا تحویل

گرفتند که همه چیز را به فراموشی سپردم آن شب گاهی نوار ترانه ای می گذاشتند بارها اخم هایم را درهم کشیدم و خواستم از آنجا بروم ولی باز منصرف شدم.

آن شب پذیرایی مفصّلی از من کردند، سیامک یک مجلّه ای که تصاویر رنگی از بانوان بی حجاب و بدحجاب در آن بود به من داد و با تبسّم گفت:

«هروقت از مطالعه خسته شدی این را باز کن و با خواندن و تماشای آن خستگی را از تنت بیرون کن» آن شب بارها بوهای مشکوکی به مشامم رسید. بعدها که با همه چیز از تریاک و حشیش و مُرفین آشنا شدم فهمیدم آن شب آنجا چه خبر بوده است.

کم کم با احسان هایی که به من می کردند، پایم به مجالس شب نشینی باز شد. روز به روز زشتی خیلی چیزها از چشمانم افتاد.

حالا که چشم باز کرده ام می بینم با منوچهر همیشگی فرسنگ ها راه دارم. زندگیم چون درخت سرسبزی است که کم کم خشک می شود، آتش می گیرد و دود می شود، و من به تماشای آن سوختن نشسته ام...!

علاج واقعه، قبل از وقوع

اسلام تمام راه هایی را که به گونه ای آبرو و حیثیت آدمی را به مخاطره می اندازد، بسته است و به ما تأکید کرده است که:

وَ لا تُلْقُوا بِاَیْدیکُمْ اِلَی التَّهْلُکَهِ.(۱)

و خود را به دست خود به هلاکت میفکنید.

اسلام به حسّاسیّت دوران جوانی و عطش دوست یابی جوان کاملاً واقف است و کوشیده است روح شرافت و بزرگواری جوانان را شکوفا

۱- ۱. سوره بقره، آیه ۱۹۵.

کرده و آن ها را به شخصیّت والای انسانی الهی برساند.

از آنجـا که روح آدمی به ویژه جوان، لطیف و رنـگ پـذیر است، اسـلام از هر گونه ارتبـاط با آدم های نااهل ما را پرهیز داده است.

حضرت علی علیه السلام می فرماید:

«از دوسـتی و همنشـینی کسـی که رأی و نظری سـست و نـادرست دارد و کردارش مـورد اعـتراض و انکـار است بـپرهیز؛ زیرا شخصیّت و اعتبار هر کسی با همنشین او رقم می خورد.»(۱)

مکن با بدآموز هرگز درنگ

که انگور گیرد ز انگور رنگ(۲)

اسـلام می کوشـد جوان را به گونه ای نیرومنـد و با شخصـیّت تربیت کند که در مقابل تمام کسانی که او را به مخالفت خدا و بزهکاری دعوت می کنند پاسخ منفی بدهد.

ردّ کردن تعـارف دوسـتان نابـاب و قطع رابطه با آنان هرگز نشانه خشونت و دور بودن از اجتماع نیست عاقل از آتش دور می شود، از گزنده می گریزد ولی در کنار سبزه و گل می آرمد. اصـلاً پرهیز و کناره گیری از دوسـتان ناباب، بزرگترین شاخصه یک جوان معتدل و اجتماعی است.

تحقیقات می گوید ۶۲ درصد از معتادان اعتراف کرده اند که دوستان ناباب آن ها را به اعتیاد کشانده اند.(۳)

اُنس بیشتر جوانان با دین، قرآن و شرکت در مجالس مذهبی، آنان را در برابر این خطرها بیمه خواهد کرد.

اعتیاد از نگاه بزرگان دین

۱- ۱. نهج البلاغه، نامه ۶۹، ص ۴۶۰.

۲- ۲. امثال و حکم، دهخدا.

۳- ۳. دو مشکل مهمّ جهانی، دکتر سیّد حسن اسعدی، ص ۱۸۸.

در حرمت اعتیاد به موادّ مخدّر هیچ شکّی نیست. استاد شهید مرتضی مطهّری می فرماید:

«ما به حکم این که می دانیم چیزی که برای بشر زیان آور است، از نظر شرع حرام است، حکم می کنیم که اعتیاد به تریاك حرام است.»(۱)

حضرت آیه اللّه العظمی بروجردی می نویسند:

«همیشه نوشته ام لازم است مسلمین و همه عاقلان خود را از دست این سمّ های کشنده نجات دهند.»(۲)

بزرگترین مدافع اسلام و حامی نسل جوان حضرت امام خمینی رحمه الله می فرماید:

«تریاك آوردن و پخش کردن بین مردم، هروئین آوردن و پخش کردن بین جوان های ما، ملّت ما را از بین خواهد برد، این ها خودشان قبل از این که آن عذاب الهی برایشان بیاید، قبل از آن که شلّاق الهی به آن ها بخورد، خودشان ملاحظه بکنند و نکنند. ترک کنند این را. این جنایت است، این کشیدن جوان های برومند ماست به از بین رفتن، این فساد نسل است....»(۳)

و این کلام حکیمانه و واقع بینانه از مقام معظّم رهبری (دام ظلّه) است که می فرماید:

«غرق کردن نسل جوان در فسادهای گوناگون و اعتیاد به موادّ مخدّر و سُکرآور یک سیاست پیاده شده استعمار و استکبار است.»(۴)

تدابیر حکیمانه دولت

ص: ۱۵۷

۱- ۱. اعتیاد، اسارت انسان، ص ۱۰ و ۱۲.

۲- ۲. اعتیاد، اسارت انسان، ص ۱۰ و ۱۲.

۳- ۳. ویژه نامه یک، در ارتباط با حرام بودن مصرف و مقدّمات موادّ مخدّر.

۴- ۴. اعتیاد، اسارت انسان، ص ۱۵.

دولت جمهوری اسلامی به منظور جلوگیری از تباهی جامعه و به ویژه نسل جوان براساس قوانین جاری، اعمال ذیل را جرم محسوب کرده و مرتکبین به آن را مورد پیگرد قانونی قرار می دهد:

۱. کشت خشخاش مطلقاً.

۲. تولید، توزیع، حمل، نگهداری، صادر کردن و خرید و فروش موادّ مخدّر.

۳. دایر نمودن یا همکاری در اداره کردن اماکن استعمال موادّ مخدّر.

۴. استعمال موادّ مخدّر به هر شکل و طریق ممکن.

۵. تولید ابزار و ادوات مربوط به تولید، قاچاق یا استعمال موادّ مخدّر.

۶. فراری دادن یا پناه دادن متّهمان و مجرمان موادّ مخدّر که تحت تعقیب هستند و یا دستگیر شده اند.

۷. محو و یا اختفاء ادلّه جرم مجرمین.(۱)

ص: ۱۵۸

۱- ۱. بروشور ستاد مبارزه با موادّ مخدّر.

۲۱ اُفُقِ سبزِ زندگی

اشاره

ای دل غمدیده حالت به شود دل بد مکن وین سر شوریده باز آید به سامان غم مخور(۱) نسیمی ملایم، شاخه های بلند بالای نخل ها را به رقص درمی آورد، سایه هایی فراگستر بر راه جوانی قد می کشید که ابرهای تیره، آسمان قلبش را فرو گرفته بود.

جوان مثل همیشه لباس های کهنه اش را پوشید. چهره اش را در ظرف آبی که در طاقچه خانه شان بود، نگاه کرد و این بار، نه مثل همیشه که با امید درب چوبی را باز کرد و آرام آرام به راه افتاد.

یاران و اصحاب بر گرد پیامبر حلقه زده و گرم سخن بودند که ناگاه قامت رعنای جوانی را دیدند که آرام آرام به آنان نزدیک می شد.

- آری، او را شناختیم، از انصار است، پسرِ...!

ص: ۱۵۹

۱- ۱. دیوان حافظ، ص ۱۷۱.

پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم با شور و اشتیاق جوان را به حضور پذیرفت.

عرق شرم از چهره جوان می بارید، سرش را پایین انداخت و زیر لب، بریده بریده، حرفش را زد، «جوانم!... و نیازمند...، ثروتی هم ندارم...!

پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم برخلاف انتظارش به او فرمود:

برو ازدواج کن!

جوان همانجا میخکوب شد، چگونه؟ از فقر می نالم مرا به ازدواج فرمان می دهد! ولی نیک می دانست که سخنان پیامبر از سَرِ حکمت است!

چیزی نداشت که بگوید، آرام آرام به سوی خانه برگشت.

دیگر فکرش عوض شده بود، افقی سبز در جلو خود می دید امّا به قدری دور که امکان رسیدن به آن، ناممکن می نمود.

ناگاه مردی را دید که با فراست به چهره اش می نگرد و دردهای پنهانش را می خواند. مرد، از انصار بود، دختر خود را به ازدواج آن جوان درآورد.

و همه چیز دگرگون شد، جوان از تنگدستی بیرون آمد و با سرور و تبسّم نزد پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم آمد و جریان را باز گفت.

پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم خرسندانه فرمود:

«ای گروه جوانان، بر شما باد به ازدواج»(۱)

ازواج، پاک ترین راه ادامه زندگی، بهترین پاسخ به نیازهای غریزی، و جادّه ای صاف به سوی خوشبختی هاست.

جوان، با ازدواج بخشی از دینش را حفظ می کند؛ و نگاهش را و دامنش را، پاک نگه می دارد.

امام صادق علیه السلام فرمود:

۱- ۱. کافی، جلد ۵، حدیث ۳، ص ۳۳۰.

«کسی که از ترس تهیدستی ازدواج نکند به خدا بدگمان است.»(۱)

در آستانه ازدواج

عجله در اصلِ ازدواج پسندیده است ولی در انتخاب همسر، ناپسند! اگر همسر ما، ناشایست از کار درآمد و با روحیّه ما متناسب نبود چه خواهیم کرد؟

پس، با چشمانی باز و هشیارانه اقدام می کنیم.

اساس ملاک و معیار گزینش همسر را باید «دین» و «اخلاق» قرار داد.

«زیبایی» هم، خوب است ولی نباید تنها ملاک انتخاب ما باشد.

همسر شایسته

انتخاب همسر، کاری حسّاس و خطیر است. بکوشیم همسری را برگزینیم که دارای ویژگی های زیر باشد:

۱. او را به خوش اخلاقی بشناسند؛ حسود، سخن چین، کم حوصله و تنگ نظر نباشد.

۲. مهربان و بامحبّت باشد.

۳. پاکدامن باشد.

۴. باحیا باشد، برخورد و حجاب او پسندِ دین باشد.

او اگر از نامحرم حریم می گیرد، اهل شوخی و بگو و بخند با نامحرم نیست، زیبایی های خود را از نامحرمان می پوشاند، رفتار او با نامحرمانِ از نزدیکان و خویشان با بیگانگان فرقی ندارد، می توان به او امیدوار بود.

این گونه همسر را می توان گفت:

۱. نسبت به شوهرش متواضع خواهد بود.

۱- ۱. وسائل الشّیعه، جلد ۱۴، حدیث ۱، ص ۲۴.

۲. تنها برای شوهرش زینت و آرایش خواهد کرد.

۳. از شوهرش، اطاعت خواهد کرد.(۱)

عقد و عروسی

سبزترین دوران زنـدگی جوان، هنگـامی است که برای تشـکیل زنـدگی آینـده به تکاپو می افتـد، مشورت می کنـد، امکانات ازدواج را فراهم می کند و مراحل عقد و عروسی را پی ریزی می کند.

در این ایّام سبز باید به نکته های حسّاس دینی اجتماعی زیر توجّه کنیم:

۱. گرچه غالبـاً مرسوم است که دختر قسـمت زیادی از وسایل زنـدگی را با خود به عنوان «جهیزیّه» به خانه می آورد ولی این، یک تکلیف دینی نیست و آوردن جهیزیّه واجب نمی باشد در این زمینه سخت گیری نکنیم.

۲. مهریّه و صـداق، حقّ مسلّم دختر است، اگر دارای قـدرت مـالی هستیم بـاز هم مهریّه را بالاـ نبریم تـا به روی جوانـان دیگر سدّی نکشیم.

۳. تا آن گاه که صیغه عقد، جاری نشده، پسر و دختر مثل گذشته، با هم نامحرم اند. دوران نامزدی را با گناه آلوده نکنیم.(۲)

۴. مجلس عقد و عروسی را ساده و آسان برگزار کنیم، از تجمّلات، اسراف ها و چشم و هم چشمی ها بپرهیزیم.

۵. برنامه ها را به گونه ای از پیش تنظیم کنیم که زمینه های گناه در آن کم گردد.

مراسم عقد و عروسی

۱- ۱. وسائل الشّیعه، جلد ۱۴، حدیث ۲، ص ۱۴.

۲- ۲. توضیح المسائل، مسأله ۲۳۶۳.

بکوشیم در شادترین ایّام زندگی، پاک و سربلند بیرون آییم و بدانیم شادیها و غمها همه به سرعت ابر و بلکه تندتر خواهند گذشت. مبادا عیش و شادی خود را با گناه بیالاییم.

سعی کنیم از اجراء هر برنامه ای که باعث تحریک و تهییج شهوات می شود خودداری کنیم فرمول یک مراسم پاک و شاد این هاست.

«شادی، شعور، شرافت»

پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم به زن هایی که فاطمه علیهاالسلام را به خانه علی علیه السلام می بردند فرمود:

«شادی کنید، شعر بخوانید، تکبیر بگویید، حمد کنید ولی چیزی که خدا راضی نیست نگویید.»(۱)

استفتاء از مقام معظّم رهبری

۱. زدن دایره و تنبک در مراسم عروسی و خرید و فروش آن، آیا جایز است؟

- اگر از آلات لهو محسوب باشد خرید و فروش و نگهداری و استعمال آن جایز نیست.(۲)

۲. زدن دست در مراسم عروسی، رقص مرد برای مردان در مراسم عروسی، رقص زن برای زن در مراسم عروسی چه حکمی دارد؟

- کف زدن به نحو متعارف معمول مجالس جشن و سرور مانع ندارد و رقص اگر موجب تحریک و تهییج شهوت و یا مستلزم ارتکاب حرام باشد جایز نیست.(۳)

۳. فیلمبرداری و عکّاسی از برخی مجالس عروسی که به علّت لاابالی گری، مسایل محرم و نامحرم احیاناً رعایت نمی شود توسّط عکّاس

۱- ۱. بحارالانوار، جلد ۴۳، حدیث ۲۴، ص ۱۱۵.

۲- ۲. احکام هنری، ص ۶، سؤال ۴۶.

۳- ۳. احکام هنری، ص ۶، سؤال ۳۹.

زن که شغلش این کار است، چه حکمی دارد؟

- مراعـات کامل حجاب اسـلامی در برابر نامحرم در هر حال لازم است و فیلمبرداری از مجالس زنانه یا از مجالس مختلط اگر مستلزم نظر حرام و موجب اشاعه فساد و ترتّب مفاسد باشد جایز نیست.(۱)

ص: ۱۶۴

۱- ۱. احکام هنری، ص ۱۰، سؤال ۷۵.

۲۲ بهترین یار و یاور

اشاره

رو بجو یار خدایی را تو زود چون چنان کردی خدا یار تو بود(۱) آفتاب یثرب بر خانه گِلی و کوچکی می تابید که دو گوهر پاک و نایاب را در بر گرفته بود.

خانه ای که یک قطعه حصیر و یک پوست گوشه ای از آن را مفروش کرده بود و اکثر ظرف هایش گِلی بود.

خانه ای که در آن از مظاهر فریبنده دنیا خبری نبود، خود خانه را هم «حارثه بن نُعمان» به آنان بخشیده بود.

با این همه سادگی و کوچکی، دریایی ژرف از مهر و محبّت و عاطفه را در خود جای داده بود.

اینک اوّلین لحظه های نخستین زندگی آن دو آغاز می شد که کسی از

۱- ۱. مثنوی معنوی مولوی، دفتر دوم، ص ۱۳۶.

پشت در سلام می کرد و اجازه ورود می طلبید.

«اسماء» آمد و در را گشود.

پیامبر بود که با شوق وافری به سوی داماد و عروس آمده بود.

- علی جان همسرت را چگونه یافتی؟

و علی با آهنگی سپاس آمیز پاسخ گفت:

«او بهترین یار و یاور من در مسیر بندگی خداست.»

فاطمه جانم! تو همسر خود را چگونه دیدی؟

و فاطمه با لحنی لبریز از حیا و محبّت پاسخ داد:

«او بهترین همسر است.»(۱)

و زندگی مشترک آغاز شد، پیامبر کارها را تقسیم کرد.

کارهای خارج از منزل را به علی و کارهای داخل منزل را به فاطمه سپرد.

از آن روز این آوای اسلام طنین انداخت و این فرهنگ ناب اسلامی به جهان ابلاغ شد که: بهترین شغل برای زن، خانه داری، شوهری داری و تربیت فرزند است.

و از آن روز به همه جوانان گفته شد:

«خوشبختی را نباید در یک زندگی مرفّه و تجمّلاتی جستجو کرد بلکه با زندگی ساده و بی آلایش و بندگی خداست که می توان مرتفع ترین قلّه های خوشبختی را فتح کرد.»(۲)

همسرداری

خداوند با توانایی هایی که در مرد قرار داده است او را مدیر و مسئول

۱- ۱. بحارالانوار، جلد ۴۳، حدیث ۲۴، ص ۱۱۷.

۲- ۲. بحارالانوار، جلد ۴۳، حدیث ۲۴، ص ۱۱۷.

اداره زندگی می داند.

برخی از مردان فکر می کننـد زن و فرزنـد چـون اسـیرانی هسـتند کـه می تـوان بـا آنـان هرگـونه رفتـار کرد ولی اسـلام زن را موجودی عاطفی می داند که کانون محبّت است. حیات و زندگی زن به عشق و علاقه بستگی دارد.

بنابراین بزرگترین رمز همسرداری اظهار محبّت و علاقه است. البتّه اگر زن خواست از هوی و هوس ها پیروی و از فرامین الهی سرپیچی کند، مرد موظّف است با احترام و محبّت او را از آن کارها باز دارد.

این را هم بدانید که کمک کردن در کارهای منزل، عبادت است و از شأن ما نمی کاهد.

و فراموش نکنیم که گرچه اکثر زن ها با عشق و علاقه کارهای خانه را انجام می دهند و فرزندان را می پرورند ولی این وظیفه قانونی آن ها نیست بنابراین:

«مرد حق ندارد زن خود را به خدمت خانه مجبور کند.»(۱)

امور مالی منزل

شوهر که مدیر و مسئول اداره زندگی است، تأمین مخارج زن را برعهده دارد. بنابراین باید خوراک، پوشاک، مسکن و لوازم زندگی او را در حد متعارف و معمولی فراهم کند.

زن همچون گل و مرد چون باغبان است. باغبان زحمت های فراوانی متحمّل می شود تا آب را از چشمه ها و قنات ها به سوی گل ها هـدایت کنـد، روز و شب از گل ها مراقبت می کنـد و در رشـد و تقویت آن ها می کوشـد. این کارها هرگز از منزلت گل نمی کاهد، و باغبان را نیز خسته و

۱- ۱. توضیح المسائل، مسأله ۲۴۱۴.

پشیمان نمی کند.

البتّه باغبان تا وقتی این سختی ها را متحمّل می شود که گل برای باغبان باقی بماند.

بنابراین تا وقتی مخارج زن برعهده مرد است که:

۱. در امور زناشویی از شوهر سرپیچی نکند.

۲. بدون اجازه شوهر از منزل خارج نشود.(۱)

اخلاق همسرداری

پیش از ازدواج، خود را برای همسرداری آماده کنیم. اخلاق و رفتار شایسته ای را که مناسب با روح لطیف و آسیب پذیر زن است کسب کنیم و چون ازدواج کردیم این گونه رفتار کنیم:

۱. خوش رفتار باشیم.

۲. خوش گفتار باشیم.

۳. اظهار محبّت و دوستی کنیم.

۴. به همسرمان احترام بگذاریم.

۵. نظیف و تمیز باشیم.(۲)

هشدارهای اخلاقی

برخی از مردان فکر می کنند که خوش اخلاقی به این است که به زن اجازه دهیم با لباس های فریبنده و زیورآلات و آرایش از منزل خارج شود، بدون هیچ محدودیّتی با مردان بیگانه و نامحرم سخن بگوید و در رفت و آمدها کاملاً آزاد باشد.

۱- ۱. توضیح المسائل، مسأله ۲۴۱۲ و ۲۴۱۳.

۲- ۲. وسائل الشّیعه، جلد ۱۴، ص ۱۲۲ و ۱۸۳.

این همان «فرهنگ ضدّ اسلامی» است که برخی آگاهانه و گروه زیادی ناآگاهانه به آن تن می دهند.

در این زمینه گرچه سخن فراوان است ولی به چند روایت معصومین علیهم السلام بسنده می کنیم.

حضرت علی علیه السلام این گونه توصیه می فرمایند:

«بانوان را از تماس غیرصحیح با نامحرم حفظ کن؛ زیرا هرچه آنان محجوبتر باشند عفّتشان بهتر محفوظ می ماند.»

پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم درباره عطر و آرایش بانوان می فرماید:

«هر زنی که آرایش کرده و عطر زده و از خانه خود خارج شود و شوهرش هم به آن راضی باشد خدا در مقابل هر قدمی که بر می دارد، خانه ای در آتش دوزخ برای شوهرش بنا خواهد کرد.»(۱)

از حضرت علی علیه السلام درباره لباس نازک بانوان چنین رسیده است:

«هرکس در چهار چیز از زن خود اطاعت کند خدا او را به صورت در آتش دوزخ می افکند؛ یکی از آن چهار چیز، پوشاندن لباس نازک بر تن زن است.»(۲)

و باز از حضرت علی علیه السلام درباره بازار رفتن بانوان آمده است:

«شرم آور است که زنان شما به بازار روند و با مردان بی بند و بار برخورد داشته باشند و شما از خود غیرت نشان ندهید.»(۳)

بنابراین مرد موظّف است زن را به گونه ای اداره کند که تمام زیبایی ها، و آرایش های خود را برای شوهرش حفظ کند و از مردان بیگانه به شدّت پرهیز کند.

امید که شما جوانان عزیز با انتخاب همسر شایسته و به کارگیری

ص: ۱۶۹

۱- ۱. بحارالانوار، جلد ۱۰۰، حدیث ۳۸، ص ۲۴۹.

۲- ۲. بحارالانوار، جلد ۱۰۰، حدیث ۱۰، ص ۲۴۲ و ۲۴۳.

۳- ۳. وسائل الشّیعه، جلد ۱۴، حدیث ۱، ص ۱۷۴.

ظرافت ها و تدابیر همسرداری، و تربیت صحیح فرزندان خود، از زندگی شیرین و لذتبخش برخوردار شوید و همیشه بکوشید که از راه احکام نورانی اسلام فاصله نگیرید تا به یاری خدا به بهشت سرسبز الهی و رضایت و خشنودی خداوند تائل آیید.

آرزوی ما سعادت و کامیابی شماست.

پیروز و سربلند باشید

ص: ۱۷۰

درباره مرکز

بسمه تعالی

هَلْ یَسْتَوِی الَّذِینَ یَعْلَمُونَ وَالَّذِینَ لَا یَعْلَمُونَ

آیا کسانی که می‌دانند و کسانی که نمی‌دانند یکسانند ؟

سوره زمر/ ۹

مقدمه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، از سال ۱۳۸۵ هـ .ش تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن فقیه امامی (قدس سره الشریف)، با فعالیت خالصانه و شبانه روزی گروهی از نخبگان و فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

مرامنامه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان در راستای تسهیل و تسریع دسترسی محققین به آثار و ابزار تحقیقاتی در حوزه علوم اسلامی، و با توجه به تعدد و پراکندگی مراکز فعال در این عرصه و منابع متعدد و صعب الوصول، و با نگاهی صرفا علمی و به دور از تعصبات و جریانات اجتماعی، سیاسی، قومی و فردی، بر مبنای اجرای طرحی در قالب « مدیریت آثار تولید شده و انتشار یافته از سوی تمامی مراکز شیعه» تلاش می نماید تا مجموعه ای غنی و سرشار از کتب و مقالات پژوهشی برای متخصصین، و مطالب و مباحثی راهگشا برای فرهیختگان و عموم طبقات مردمی به زبان های مختلف و با فرمت های گوناگون تولید و در فضای مجازی به صورت رایگان در اختیار علاقمندان قرار دهد.

اهداف:

۱.بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام)

۲.تقویت انگیزه عامه مردم بخصوص جوانان نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی

۳.جایگزین کردن محتوای سودمند به جای مطالب بی محتوا در تلفن های همراه ، تبلت ها، رایانه ها و ...

۴.سرویس دهی به محققین طلاب و دانشجو

۵.گسترش فرهنگ عمومی مطالعه

۶.زمینه سازی جهت تشویق انتشارات و مؤلفین برای دیجیتالی نمودن آثار خود.

سیاست ها:

۱.عمل بر مبنای مجوز های قانونی

۲.ارتباط با مراکز هم سو

۳.پرهیز از موازی کاری

۴.صرفا ارائه محتوای علمی

۵.ذکر منابع نشر

بدیهی است مسئولیت تمامی آثار به عهده ی نویسنده ی آن می باشد .

فعالیت های موسسه :

۱.چاپ و نشر کتاب، جزوه و ماهنامه

۲.برگزاری مسابقات کتابخوانی

۳.تولید نمایشگاه های مجازی: سه بعدی، پانوراما در اماکن مذهبی، گردشگری و...

۴.تولید انیمیشن، بازی های رایانه ای و ...

۵.ایجاد سایت اینترنتی قائمیه به آدرس: www.ghaemiyeh.com

۶.تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و...

۷.راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی

۸.طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و...

۹.برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم (مجازی)

۱۰.برگزاری دوره های تربیت مربی (مجازی)

۱۱. تولید هزاران نرم افزار تحقیقاتی قابل اجرا در انواع رایانه، تبلت، تلفن همراه و... در ۸ فرمت جهانی:

۱.JAVA

۲.ANDROID

۳.EPUB

۴.CHM

۵.PDF

۶.HTML

۷.CHM

۸.GHB

و ۴ عدد مارکت با نام بازار کتاب قائمیه نسخه :

۱.ANDROID

۲.IOS

۳.WINDOWS PHONE

۴.WINDOWS

به سه زبان فارسی ، عربی و انگلیسی و قرار دادن بر روی وب سایت موسسه به صورت رایگان .

درپایان :

از مراکز و نهادهایی همچون دفاتر مراجع معظم تقلید و همچنین سازمان ها، نهادها، انتشارات، موسسات، مؤلفین و همه

بزرگوارانی که ما را در دستیابی به این هدف یاری نموده و یا دیتا های خود را در اختیار ما قرار دادند تقدیر و تشکر می نماییم.

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان -خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آباده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی -پلاک ۱۲۹/۳۴- طبقه اول

وب سایت: www.ghbook.ir

ایمیل: Info@ghbook.ir

تلفن دفتر مرکزی: ۰۳۱۳۴۴۹۰۱۲۵

دفتر تهران: ۸۸۳۱۸۷۲۲ ـ ۰۲۱

بازرگانی و فروش: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹

امور کاربران: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹